



انسان‌شناسی
قرآن
استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری
بخش پانزدهم

آن تقدر الذین استضعفوا للذین استکبروا: بل مکّر اللیل و النهار اذا تأمّنوئنا و نکل فریقا و نجهل له انفراد: مستضعفین می گویند این مکر شبانه‌روزی شما بود که دایما نقشه کشید و ما را می کشیدید و به ما فرمان می دادید که به خدا ایمان نداشته باشیم و به همان موعدهای موجود که حافظ وضع می آن وقت بوده) ایمان داشته باشیم.

اسرّوا الانذارا لمنّا اولی العذاب و جعلنا الافغان فی اعناق الذین کفروا. هسل یسرون الا ما کانوا یعملون؟
که این مربوط به وضع کافران در چشم است. بعد قرآن می فرماید: **و ما ارسلسنا فی قریه من نذیر الا قال من فرغها: انا بما یسلّم به کافرون**."

قرآن مثل اینکه حرف مستضعفین را تأیید می کند که اساسا این کفر از مستکبرین و متفرقین برمی خیزد و مستضعفین مثل غلامها و برده‌ها که پولی می گیرند و می روند، اظهار شده از ناحیه آنها هستند.

ایه دیگری هم در قرآن هست که البته به شکل دیگری مطلب را بیان می کند و می شود گفت که مسئله تحولات تاریخی را ذکر می کند.

می فرماید: **و اذا ارادنا ان نهلک فی امر یا نثر ینفسوا نحقّ علیها القول فدمرناها دمیما.**
"در مفهوم این آیه خیلی صحبت‌هاست که معنی "اُمّرها نثر ینفسا" چیست، که فعلا کاری به آن نداریم. اینجا قرآن می فرماید که هر وقت ما بخوایم قریه‌ای را هلاک کنیم، به متفرقین آن فرمان می دهیم که در آن فسق و فجور کنند."

اجلا ای ننگشان می رود که همیشه جریان فساد یک قوم به این صورت است که حقیقت باطل عریض می‌شود، آن‌ها هر وقت مکلف به تکلیفی شوند و هر وقت زمامدار شوند و کار در دستشان بیفتد، به فسق و فجور می افتند و فسق و فجور و فساد را زیاد می کنند. اینجا منشا فساد هستند.

وقتی که در یک جامعه فساد پیدا شد، وضع آن جامعه دگرگون می‌شود. این آیات سبب شده است که بعضی این را به صورت یک فلسفه

کلی بیان کنند و بگویند قرآن اصطلق قرآن این است که همیشه طبقه محکوم طرفدار حق و عدالت هستند و طبقه حاکم برعکس، علاقه‌ای به عدالت و

این حرف‌ها ندارد و احیاناً بگویند پیغمبر اکرم ^(ص) هم به این دلیل پیغمبر بود

که خودش از یک طبقه محروم بود و اگر پیغمبر مرد ممتکنی بود، یک مرد محافظه‌کار بود؛ به این دلیل پیغمبر یک مرد انقلابی بود که خودش محروم

بود! ریشه این فکر همان مسئله است که اساسا محرک اصلی بشر چیست و آن وجدان اصیل در بشر چیست که سایر وجدان‌ها فرع اوست.

ناروستی نظر الوردی

به نظر می‌رسد که این مطلب درست نیست، البته شک ندارد که وقتی مسئله حلق و حقیقت باطل عریض می‌شود، آن‌ها کسی که منفعت مادی او هم در عدالت است، قهراً دو انگیزه پیدای می‌کند: هم از ناحیه جاذبه خود و عدالت به عنوان اینکه امر محبوب و مطلوبی برای وجدان بشر است، هم از ناحیه منفعتش؛ هم فال است برای بشر و هم تمناش. البته این را نمی‌شود انکار کرد که وقتی دعوت به عدالت می‌شود، آن طبقه‌ای که منفعتش در عدالت است، با آن طبقه‌ای که منفعتش در بی عدالتی است، یکجور جواب نمی‌دهند؛ ولی آیا جوابگویی بشر به حق و عدالت منحصراً بر مبنای منافع مادی‌اش می‌باشد؟ یا آیا اگر کسی در طبقه متهم بود، دیگر محال است نسبت به حق و عدالت جوابگو باشد؟ قهراً مطابق نظر کسانی مثل الوردی این طور است و استثنا هم نمی‌پذیرد.

روی این فلسفه اگر فردی در طبقه متهم نبود و او وضع موجود مستغنی و بهر همدن، وضع جدید بر ضرر منافع مادی‌اش بود، باید بگویم صد در صد مخالف آن است، و اگر کسی در طبقه محروم بود، صد درصد موافق است. این مطلب با اینکه تا حدی درست است، ولی به عنوان یک اصل و فلسفه غلط است.

از نظر قرآن، ما نمی‌توانیم این مطلب را قبول کنیم. وجدان انسانی انسان، از نظر قرآن مافوق وجدان فردی و مافوق سودجویی شخصی اوست و این یک حقیقت است. از جمله قضیه حضرت موسی شاهدی بر این مطلب است. با اینکه اینها قصه نبی اسرائیل را به عنوان تأییدی بر این فلسفه ذکر می‌کنند، خود حضرت موسی که رهبر این قیام است، قیامش هیچ این فلسفه را تأیید نمی‌کند. درست است که بنی اسرائیل محکوم و مغلوب بودند، ولی موسی خود را به حق و عدالت متحصّر این مبنای منافع قائل امرأت فرعون نژوت عین الی و لک. فرعون و همسرش چون فرزند نداشتند، به عنوان روشنیایی چشم او را نگاه داشتند و به بهترین وضع هم نگهداری می‌کردند. حضرت موسی ایداً محرومیت مادی نداشت. یک فرض دیگر هست که البته آن هم در فلسفه کومونیست‌هاست، گرچه ما این فرض را در مورد حضرت موسی قبول نداریم. این فرض است که بگویم تعصب قومیت و نژادی، حصرت قومیتی در قیام دارد. اگر چه چنین نوعی در یک وضع بسیار خوبی به سر می‌برد، اما می‌دیک یک اسرائیلی متهم در میان قبیله و قومش در بدایتی به سر می‌برد. این حالت وابستگی که حضرت موسی هم خودش قوش و احساس می‌کرد و به اصطلاح تعصبات ملی و ناسیونالیستی و نژادی، او را وادار به قیام کرد.

همچنین زندگی شخصی پیغمبر اکرم ^(ص) هم بر ضد این مطلب است. قریش اگر چه نسبت به متعین ایران و روم متهم نبودند، ولی در حد خود، مردم متعصب بودند. معنی اینکه یک طبقه، مردم و ملی نباشد این نیست که تمام قبیله در ردیف اول جهان نباشد. اگر این طور باشد، ما در اسرائیل افراد متعصب داریم، چرا؟ برای اینکه اگر بخوایم فردی را راکفلر در آمریکا را مقیاس قرار بدهیم، ما در حد راکفلر در ایران نداریم، در حالی که ما طبقه مترف در ایران داریم.

قریش تاجر بودند و ایران تاجر هم در قرآن می‌گوید: **«رحله الشتاء و الصيف»** «داشتند. در تابستان‌ها می‌رفتند از سوریه که مرکز تجاری بود، مال‌التجاره می‌خریدند و می‌آوردند. در زمستان به یمن که هوایش مناسب بود، می‌رفتند و مال‌التجاره‌هایی را که از هند و غریه به یمن می‌آوردند، از آنجا [به مکه] می‌آوردند. قریش از تنعم زیادی برخوردار بودند و صاحب همه چیز بودند. خود بنی‌هاشم هم چندان فقیر و ضعیف نبودند. پیغمبر رسول اکرم ^(ص) البته ثروتی نداشتند؛ ولی دوران قبل از پیغمبری‌شان [یعنی از بیست و پنج سالگی تا اوائل بعثت] دورانی بوده که در تنعم زندگی می‌کردند؛ به این جهت که در بیست و پنج سالگی با خدیجه ازدواج کردند که زن تاجر و ثروتمندی بود. از وقتی که حضرت همر خدیجه شد، دیگر نیازی به تلاش برای معاش نداشت. طبق منطق مادی، روحیه پیغمبر باید تا بیست و پنج سالگی که خودش نیاز داشت که به صورت عاملی برای کن زنجارت کند، یک روحیه انقلابی باشد؛ ولی از بیست و پنج سالگی به بعد، یعنی از وقتی که با خدیجه ازدواج کرد، مخصوصاً تا آنچهل سالگی باید روحیه‌اش روحیه یک آدم محافظه‌کار باشد؛ برای اینکه همسر خدیجه است و خدیجه هم هرچه ثروت دارد، در طبق اخلاص در اختیار حضرت گذاشته است. از نظر منطق مادی دلیلی وجود ندارد که پیغمبر یکمرب‌نبه علیه نظام بت‌پرستی (که از نظر اینها پناهگاه طبقه ممتاز است) قیام کند. اینها با واقعیات تاریخ جور در نمی‌آید.

پی‌نوشت‌ها:
۱. [۳۳] «این‌ها یکی ضعیف‌نمرده‌شدند به کسانی که استکبار ورزیدند، گفتند: بلکه یرنگ‌شان روزی، شما ما وادار به کفر نموده‌اید برای اینکه شما به ما دستور می‌دادید به خدا کفر بفرمایید و برایش شریک بگیریم. (این روز هم بر حسب طبیعتی که در دنیا کسب کرده بودند) پشیمانی خود را در وقت دیدن عذاب پنهان می‌کنند و ما مکند و زنجیر به گردن کفاری می‌گذاریم، آیا جز به آن می‌کردند، کفر می‌شوند؟»
۲. [۳۴]
۳. [۳۵]
۴. [۳۶]
۵. [۳۷]
۶. [۳۸]
۷. [۳۹]
۸. [۴۰]
۹. [۴۱]
۱۰. [۴۲]

است. «قریه امروز در اصطلاح ما یعنی ده اصل قریه از «قری» به معنی جمع است. هر محلی که افراد انسان در آن جمع باشند، از نظر قرآن قریه است. مفهوم کلمه قریه با کلمه «جامعه» که امروز می‌گویند، خیلی نزدیک است و لهذا به بعضی از جاها یا آنکه قرآن آنها را «بلد» و شهر نامیده، قریه هم اطلاق کرده است. داستان رسولان انطاکیه که می‌فرمایند: «اضرب لهم رجلاً مصاصاً للقریه اذا جاءهم الرسولون (پس، [۱۳] در ذیل همان داستان این قریه: «ملا اصحاب المدينه رجل یسعی، [پس، ۲۰] به همان قریه، مدینه» اطلاق کرده است. این نشان می‌دهد که قریه در اصطلاح قرآن با قریه در اصطلاح امروز ما متفاوت است.

۱. [۴۳]
۲. [۴۴]
۳. [۴۵]
۴. [۴۶]
۵. [۴۷]
۶. [۴۸]
۷. [۴۹]
۸. [۵۰]
۹. [۵۱]
۱۰. [۵۲]
۱۱. [۵۳]
۱۲. [۵۴]
۱۳. [۵۵]
۱۴. [۵۶]
۱۵. [۵۷]
۱۶. [۵۸]
۱۷. [۵۹]
۱۸. [۶۰]
۱۹. [۶۱]
۲۰. [۶۲]
۲۱. [۶۳]
۲۲. [۶۴]
۲۳. [۶۵]
۲۴. [۶۶]
۲۵. [۶۷]
۲۶. [۶۸]
۲۷. [۶۹]
۲۸. [۷۰]
۲۹. [۷۱]
۳۰. [۷۲]
۳۱. [۷۳]
۳۲. [۷۴]
۳۳. [۷۵]
۳۴. [۷۶]
۳۵. [۷۷]
۳۶. [۷۸]
۳۷. [۷۹]
۳۸. [۸۰]
۳۹. [۸۱]
۴۰. [۸۲]
۴۱. [۸۳]
۴۲. [۸۴]
۴۳. [۸۵]
۴۴. [۸۶]
۴۵. [۸۷]
۴۶. [۸۸]
۴۷. [۸۹]
۴۸. [۹۰]
۴۹. [۹۱]
۵۰. [۹۲]
۵۱. [۹۳]
۵۲. [۹۴]
۵۳. [۹۵]
۵۴. [۹۶]
۵۵. [۹۷]
۵۶. [۹۸]
۵۷. [۹۹]
۵۸. [۱۰۰]
۵۹. [۱۰۱]
۶۰. [۱۰۲]
۶۱. [۱۰۳]
۶۲. [۱۰۴]
۶۳. [۱۰۵]
۶۴. [۱۰۶]
۶۵. [۱۰۷]
۶۶. [۱۰۸]
۶۷. [۱۰۹]
۶۸. [۱۱۰]
۶۹. [۱۱۱]
۷۰. [۱۱۲]
۷۱. [۱۱۳]
۷۲. [۱۱۴]
۷۳. [۱۱۵]
۷۴. [۱۱۶]
۷۵. [۱۱۷]
۷۶. [۱۱۸]
۷۷. [۱۱۹]
۷۸. [۱۲۰]
۷۹. [۱۲۱]
۸۰. [۱۲۲]
۸۱. [۱۲۳]
۸۲. [۱۲۴]
۸۳. [۱۲۵]
۸۴. [۱۲۶]
۸۵. [۱۲۷]
۸۶. [۱۲۸]
۸۷. [۱۲۹]
۸۸. [۱۳۰]
۸۹. [۱۳۱]
۹۰. [۱۳۲]
۹۱. [۱۳۳]
۹۲. [۱۳۴]
۹۳. [۱۳۵]
۹۴. [۱۳۶]
۹۵. [۱۳۷]
۹۶. [۱۳۸]
۹۷. [۱۳۹]
۹۸. [۱۴۰]
۹۹. [۱۴۱]
۱۰۰. [۱۴۲]
۱۰۱. [۱۴۳]
۱۰۲. [۱۴۴]
۱۰۳. [۱۴۵]
۱۰۴. [۱۴۶]
۱۰۵. [۱۴۷]
۱۰۶. [۱۴۸]
۱۰۷. [۱۴۹]
۱۰۸. [۱۵۰]
۱۰۹. [۱۵۱]
۱۱۰. [۱۵۲]
۱۱۱. [۱۵۳]
۱۱۲. [۱۵۴]
۱۱۳. [۱۵۵]
۱۱۴. [۱۵۶]
۱۱۵. [۱۵۷]
۱۱۶. [۱۵۸]
۱۱۷. [۱۵۹]
۱۱۸. [۱۶۰]
۱۱۹. [۱۶۱]
۱۲۰. [۱۶۲]
۱۲۱. [۱۶۳]
۱۲۲. [۱۶۴]
۱۲۳. [۱۶۵]
۱۲۴. [۱۶۶]
۱۲۵. [۱۶۷]
۱۲۶. [۱۶۸]
۱۲۷. [۱۶۹]
۱۲۸. [۱۷۰]
۱۲۹. [۱۷۱]
۱۳۰. [۱۷۲]
۱۳۱. [۱۷۳]
۱۳۲. [۱۷۴]
۱۳۳. [۱۷۵]
۱۳۴. [۱۷۶]
۱۳۵. [۱۷۷]
۱۳۶. [۱۷۸]
۱۳۷. [۱۷۹]
۱۳۸. [۱۸۰]
۱۳۹. [۱۸۱]
۱۴۰. [۱۸۲]
۱۴۱. [۱۸۳]
۱۴۲. [۱۸۴]
۱۴۳. [۱۸۵]
۱۴۴. [۱۸۶]
۱۴۵. [۱۸۷]
۱۴۶. [۱۸۸]
۱۴۷. [۱۸۹]
۱۴۸. [۱۹۰]
۱۴۹. [۱۹۱]
۱۵۰. [۱۹۲]
۱۵۱. [۱۹۳]
۱۵۲. [۱۹۴]
۱۵۳. [۱۹۵]
۱۵۴. [۱۹۶]
۱۵۵. [۱۹۷]
۱۵۶. [۱۹۸]
۱۵۷. [۱۹۹]
۱۵۸. [۲۰۰]
۱۵۹. [۲۰۱]
۱۶۰. [۲۰۲]
۱۶۱. [۲۰۳]
۱۶۲. [۲۰۴]
۱۶۳. [۲۰۵]
۱۶۴. [۲۰۶]
۱۶۵. [۲۰۷]
۱۶۶. [۲۰۸]
۱۶۷. [۲۰۹]
۱۶۸. [۲۱۰]
۱۶۹. [۲۱۱]
۱۷۰. [۲۱۲]
۱۷۱. [۲۱۳]
۱۷۲. [۲۱۴]
۱۷۳. [۲۱۵]
۱۷۴. [۲۱۶]
۱۷۵. [۲۱۷]
۱۷۶. [۲۱۸]
۱۷۷. [۲۱۹]
۱۷۸. [۲۲۰]
۱۷۹. [۲۲۱]
۱۸۰. [۲۲۲]
۱۸۱. [۲۲۳]
۱۸۲. [۲۲۴]
۱۸۳. [۲۲۵]
۱۸۴. [۲۲۶]
۱۸۵. [۲۲۷]
۱۸۶. [۲۲۸]
۱۸۷. [۲۲۹]
۱۸۸. [۲۳۰]
۱۸۹. [۲۳۱]
۱۹۰. [۲۳۲]
۱۹۱. [۲۳۳]
۱۹۲. [۲۳۴]
۱۹۳. [۲۳۵]
۱۹۴. [۲۳۶]
۱۹۵. [۲۳۷]
۱۹۶. [۲۳۸]
۱۹۷. [۲۳۹]
۱۹۸. [۲۴۰]
۱۹۹. [۲۴۱]
۲۰۰. [۲۴۲]
۲۰۱. [۲۴۳]
۲۰۲. [۲۴۴]
۲۰۳. [۲۴۵]
۲۰۴. [۲۴۶]
۲۰۵. [۲۴۷]
۲۰۶. [۲۴۸]
۲۰۷. [۲۴۹]
۲۰۸. [۲۵۰]
۲۰۹. [۲۵۱]
۲۱۰. [۲۵۲]
۲۱۱. [۲۵۳]
۲۱۲. [۲۵۴]
۲۱۳. [۲۵۵]
۲۱۴. [۲۵۶]
۲۱۵. [۲۵۷]
۲۱۶. [۲۵۸]
۲۱۷. [۲۵۹]
۲۱۸. [۲۶۰]
۲۱۹. [۲۶۱]
۲۲۰. [۲۶۲]
۲۲۱. [۲۶۳]
۲۲۲. [۲۶۴]
۲۲۳. [۲۶۵]
۲۲۴. [۲۶۶]
۲۲۵. [۲۶۷]
۲۲۶. [۲۶۸]
۲۲۷. [۲۶۹]
۲۲۸. [۲۷۰]
۲۲۹. [۲۷۱]
۲۳۰. [۲۷۲]
۲۳۱. [۲۷۳]
۲۳۲. [۲۷۴]
۲۳۳. [۲۷۵]
۲۳۴. [۲۷۶]
۲۳۵. [۲۷۷]
۲۳۶. [۲۷۸]
۲۳۷. [۲۷۹]
۲۳۸. [۲۸۰]
۲۳۹. [۲۸۱]
۲۴۰. [۲۸۲]
۲۴۱. [۲۸۳]
۲۴۲. [۲۸۴]
۲۴۳. [۲۸۵]
۲۴۴. [۲۸۶]
۲۴۵. [۲۸۷]
۲۴۶. [۲۸۸]
۲۴۷. [۲۸۹]
۲۴۸. [۲۹۰]
۲۴۹. [۲۹۱]
۲۵۰. [۲۹۲]
۲۵۱. [۲۹۳]
۲۵۲. [۲۹۴]
۲۵۳. [۲۹۵]
۲۵۴. [۲۹۶]
۲۵۵. [۲۹۷]
۲۵۶. [۲۹۸]
۲۵۷. [۲۹۹]
۲۵۸. [۳۰۰]
۲۵۹. [۳۰۱]
۲۶۰. [۳۰۲]
۲۶۱. [۳۰۳]
۲۶۲. [۳۰۴]
۲۶۳. [۳۰۵]
۲۶۴. [۳۰۶]
۲۶۵. [۳۰۷]
۲۶۶. [۳۰۸]
۲۶۷. [۳۰۹]
۲۶۸. [۳۱۰]
۲۶۹. [۳۱۱]
۲۷۰. [۳۱۲]
۲۷۱. [۳۱۳]
۲۷۲. [۳۱۴]
۲۷۳. [۳۱۵]
۲۷۴. [۳۱۶]
۲۷۵. [۳۱۷]
۲۷۶. [۳۱۸]
۲۷۷. [۳۱۹]
۲۷۸. [۳۲۰]
۲۷۹. [۳۲۱]
۲۸۰. [۳۲۲]
۲۸۱. [۳۲۳]
۲۸۲. [۳۲۴]
۲۸۳. [۳۲۵]
۲۸۴. [۳۲۶]
۲۸۵. [۳۲۷]
۲۸۶. [۳۲۸]
۲۸۷. [۳۲۹]
۲۸۸. [۳۳۰]
۲۸۹. [۳۳۱]
۲۹۰. [۳۳۲]
۲۹۱. [۳۳۳]
۲۹۲. [۳۳۴]
۲۹۳. [۳۳۵]
۲۹۴. [۳۳۶]
۲۹۵. [۳۳۷]
۲۹۶. [۳۳۸]
۲۹۷. [۳۳۹]
۲۹۸. [۳۴۰]
۲۹۹. [۳۴۱]
۳۰۰. [۳۴۲]
۳۰۱. [۳۴۳]
۳۰۲. [۳۴۴]
۳۰۳. [۳۴۵]
۳۰۴. [۳۴۶]
۳۰۵. [۳۴۷]
۳۰۶. [۳۴۸]
۳۰۷. [۳۴۹]
۳۰۸. [۳۵۰]
۳۰۹. [۳۵۱]
۳۱۰. [۳۵۲]
۳۱۱. [۳۵۳]
۳۱۲. [۳۵۴]
۳۱۳. [۳۵۵]
۳۱۴. [۳۵۶]
۳۱۵. [۳۵۷]
۳۱۶. [۳۵۸]
۳۱۷. [۳۵۹]
۳۱۸. [۳۶۰]
۳۱۹. [۳۶۱]
۳۲۰. [۳۶۲]
۳۲۱. [۳۶۳]
۳۲۲. [۳۶۴]
۳۲۳. [۳۶۵]
۳۲۴. [۳۶۶]
۳۲۵. [۳۶۷]
۳۲۶. [۳۶۸]
۳۲۷. [۳۶۹]
۳۲۸. [۳۷۰]
۳۲۹. [۳۷۱]
۳۳۰. [۳۷۲]
۳۳۱. [۳۷۳]
۳۳۲. [۳۷۴]
۳۳۳. [۳۷۵]
۳۳۴. [۳۷۶]
۳۳۵. [۳۷۷]
۳۳۶. [۳۷۸]
۳۳۷. [۳۷۹]
۳۳۸. [۳۸۰]
۳۳۹. [۳۸۱]
۳۴۰. [۳۸۲]
۳۴۱. [۳۸۳]
۳۴۲. [۳۸۴]
۳۴۳. [۳۸۵]
۳۴۴. [۳۸۶]
۳۴۵. [۳۸۷]
۳۴۶. [۳۸۸]
۳۴۷. [۳۸۹]
۳۴۸. [۳۹۰]
۳۴۹. [۳۹۱]
۳۵۰. [۳۹۲]
۳۵۱. [۳۹۳]
۳۵۲. [۳۹۴]
۳۵۳. [۳۹۵]
۳۵۴. [۳۹۶]
۳۵۵. [۳۹۷]
۳۵۶. [۳۹۸]
۳۵۷. [۳۹۹]
۳۵۸. [۴۰۰]
۳۵۹. [۴۰۱]
۳۶۰. [۴۰۲]
۳۶۱. [۴۰۳]
۳۶۲. [۴۰۴]
۳۶۳. [۴۰۵]
۳۶۴. [۴۰۶]
۳۶۵. [۴۰۷]
۳۶۶. [۴۰۸]
۳۶۷. [۴۰۹]
۳۶۸. [۴۱۰]
۳۶۹. [۴۱۱]
۳۷۰. [۴۱۲]
۳۷۱. [۴۱۳]
۳۷۲. [۴۱۴]
۳۷۳. [۴۱۵]
۳۷۴. [۴۱۶]
۳۷۵. [۴۱۷]
۳۷۶. [۴۱۸]
۳۷۷. [۴۱۹]
۳۷۸. [۴۲۰]
۳۷۹. [۴۲۱]
۳۸۰. [۴۲۲]
۳۸۱. [۴۲۳]
۳۸۲. [۴۲۴]
۳۸۳. [۴۲۵]
۳۸۴. [۴۲۶]
۳۸۵. [۴۲۷]
۳۸۶. [۴۲۸]
۳۸۷. [۴۲۹]
۳۸۸. [۴۳۰]
۳۸۹. [۴۳۱]
۳۹۰. [۴۳۲]
۳۹۱. [۴۳۳]
۳۹۲. [۴۳۴]
۳۹۳. [۴۳۵]
۳۹۴. [۴۳۶]
۳۹۵. [۴۳۷]
۳۹۶. [۴۳۸]
۳۹۷. [۴۳۹]
۳۹۸. [۴۴۰]
۳۹۹. [۴۴۱]
۴۰۰. [۴۴۲]
۴۰۱. [۴۴۳]
۴۰۲. [۴۴۴]
۴۰۳. [۴۴۵]
۴۰۴. [۴۴۶]
۴۰۵. [۴۴۷]
۴۰۶. [۴۴۸]
۴۰۷. [۴۴۹]
۴۰۸. [۴۵۰]
۴۰۹. [۴۵۱]
۴۱۰. [۴۵۲]
۴۱۱. [۴۵۳]
۴۱۲. [۴۵۴]
۴۱۳. [۴۵۵]
۴۱۴. [۴۵۶]
۴۱۵. [۴۵۷]
۴۱۶. [۴۵۸]
۴۱۷. [۴۵۹]
۴۱۸. [۴۶۰]
۴۱۹. [۴۶۱]
۴۲۰. [۴۶۲]
۴۲۱. [۴۶۳]
۴۲۲. [۴۶۴]
۴۲۳. [۴۶۵]
۴۲۴. [۴۶۶]
۴۲۵. [۴۶۷]
۴۲۶. [۴۶۸]
۴۲۷. [۴۶۹]
۴۲۸. [۴۷۰]
۴۲۹. [۴۷۱]
۴۳۰. [۴۷۲]
۴۳۱. [۴۷۳]
۴۳۲. [۴۷۴]
۴۳۳. [۴۷۵]
۴۳۴. [۴۷۶]
۴۳۵. [۴۷۷]
۴۳۶. [۴۷۸]
۴۳۷. [۴۷۹]
۴۳۸. [۴۸۰]
۴۳۹. [۴۸۱]
۴۴۰. [۴۸۲]
۴۴۱. [۴۸۳]
۴۴۲. [۴۸۴]
۴۴۳. [۴۸۵]
۴۴۴. [۴۸۶]
۴۴۵. [۴۸۷]
۴۴۶. [۴۸۸]
۴۴۷. [۴۸۹]
۴۴۸. [۴۹۰]
۴۴۹. [۴۹۱]
۴۵۰. [۴۹۲]
۴۵۱. [۴۹۳]
۴۵۲. [۴۹۴]
۴۵۳. [۴۹۵]
۴۵۴. [۴۹۶]
۴۵۵. [۴۹۷]
۴۵۶. [۴۹۸]
۴۵۷. [۴۹۹]
۴۵۸. [۵۰۰]
۴۵۹. [۵۰۱]
۴۶۰. [۵۰۲]
۴۶۱. [۵۰۳]
۴۶۲. [۵۰۴]
۴۶۳. [۵۰۵]
۴۶۴. [۵۰۶]
۴۶۵. [۵۰۷]
۴۶۶. [۵۰۸]
۴۶۷. [۵۰۹]
۴۶۸. [۵۱۰]
۴۶۹. [۵۱۱]
۴۷۰. [۵۱۲]
۴۷۱. [۵۱۳]
۴۷۲. [۵۱۴]
۴۷۳. [۵۱۵]
۴۷۴. [۵۱۶]
۴۷۵. [۵۱۷]
۴۷۶. [۵۱۸]
۴۷۷. [۵۱۹]
۴۷۸. [۵۲۰]
۴۷۹. [۵۲۱]
۴۸۰. [۵۲۲]
۴۸۱. [۵۲۳]
۴۸۲. [۵۲۴]
۴۸۳. [۵۲۵]
۴۸۴. [۵۲۶]
۴۸۵. [۵۲۷]
۴۸۶. [۵۲۸]
۴۸۷. [۵۲۹]
۴۸۸. [۵۳۰]
۴۸۹. [۵۳۱]
۴۹۰. [۵۳۲]
۴۹۱. [۵۳۳]
۴۹۲. [۵۳۴]
۴۹۳. [۵۳۵]
۴۹۴. [۵۳۶]
۴۹۵. [۵۳۷]
۴۹۶. [۵۳۸]
۴۹۷. [۵۳۹]
۴۹۸. [۵۴۰]
۴۹۹. [۵۴۱]
۵۰۰. [۵۴۲]
۵۰۱. [۵۴۳]
۵۰۲. [۵۴۴]
۵۰۳. [۵۴۵]
۵۰۴. [۵۴۶]
۵۰۵. [۵۴۷]
۵۰۶. [۵۴۸]
۵۰۷. [۵۴۹]
۵۰۸. [۵۵۰]
۵۰۹. [۵۵۱]
۵۱۰. [۵۵۲]
۵۱۱. [۵۵۳]
۵۱۲. [۵۵۴]
۵۱۳. [۵۵۵]
۵۱۴. [۵۵۶]
۵۱۵. [۵۵۷]
۵۱۶. [۵۵۸]
۵۱۷. [۵۵۹]
۵۱۸. [۵۶۰]
۵۱۹. [۵۶۱]
۵۲۰. [۵۶۲]
۵۲۱. [۵۶۳]
۵۲۲. [۵۶۴]
۵۲۳. [۵۶۵]
۵۲۴. [۵۶۶]
۵۲۵. [۵۶۷]
۵۲۶. [۵۶۸]
۵۲۷. [۵۶۹]
۵۲۸. [۵۷۰]
۵۲۹. [۵۷۱]
۵۳۰. [۵۷۲]
۵۳۱. [۵۷۳]
۵۳۲. [۵۷۴]
۵۳۳. [۵۷۵]
۵۳۴. [۵۷۶]
۵۳۵. [۵۷۷]
۵۳۶. [۵۷۸]
۵۳۷. [۵۷۹]
۵۳۸. [۵۸۰]
۵۳۹. [۵۸۱]
۵۴۰. [۵۸۲]
۵۴۱. [۵۸۳]
۵۴۲. [۵۸۴]
۵۴۳. [۵۸۵]
۵۴۴. [۵۸۶]
۵۴۵. [۵۸۷]
۵۴۶. [۵۸۸]
۵۴۷. [۵۸۹]
۵۴۸. [۵۹۰]
۵۴۹. [۵۹۱]
۵۵۰. [۵۹۲]
۵۵۱. [۵۹۳]
۵۵۲. [۵۹۴]
۵۵۳. [۵۹۵]
۵۵۴. [۵۹۶]
۵۵۵. [۵۹۷]
۵۵۶. [۵۹۸]
۵۵۷. [۵۹۹]
۵۵۸. [۶۰۰]
۵۵۹. [۶۰۱]
۵۶۰. [۶۰۲]
۵۶۱. [۶۰۳]
۵۶۲. [۶۰۴]
۵۶۳. [۶۰۵]
۵۶۴. [۶۰۶]
۵۶۵. [۶۰۷]
۵۶۶. [۶۰۸]
۵۶۷. [۶۰۹]
۵۶۸. [۶۱۰]
۵۶۹. [۶۱۱]
۵۷۰. [۶۱۲]
۵۷۱. [۶۱۳]
۵۷۲. [۶۱۴]
۵۷۳. [۶۱۵]
۵۷۴. [۶۱۶]
۵۷۵. [۶۱۷]
۵۷۶. [۶۱۸]
۵۷۷. [۶۱۹]
۵۷۸. [۶۲۰]
۵۷۹. [۶۲۱]
۵۸۰. [۶۲۲]
۵۸۱. [۶

سوال شاخص این است که آیا اقتصاد ایران حیاتی است؟ در صورت حیاتی بودن آیا این حباب خواهد ترکید؟ زمان لازم برای آن بین رفتن این حباب چقدر است؟ و در نهایت اینکه در چه حوزه‌های حباب تشکیل شده است؟

به گزارش اقتصاد،ایسنا،دکتر محمدحسین ادیب کارشناس مسائل اقتصادی به سبافته تشکیل و از بین رفتن حباب‌های اقتصادی در برخی از اقتصاد‌های جهان اشاره کرده و می گوید: تا سال ۹۰ میلادی خانواده‌های آمریکایی تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در سهام نداشتند. اما در دهه ۹۰ به سرعت به سوی خرید سهام روی آوردند.به طوری که شاخص بورس از ۳ هزار ۹۰۰ هزار واحد افزایش یافت، اما در سال ۲۰۰۱ با فروپاشی که در بورس بن کشور اتفاق افتاد، خانواده‌های آمریکایی به هفت هزار میلیارد دلار ضرر کردند، به عبارتی هر آنچه طی آن سال‌ها بدست ورده بودند به یکباره از دست دادند. از سال ۲۰۰۱ به بعد هم با رشد مسکن، حبابی دیگر در یکی از حوزه‌های اقتصادی تشکیل شد که تا جایی که ثروت در تمام دنیا به خصوص در آمریکا به سمت مسکن هدایت شد این در حالی بود که در سال ۲۰۰۷ حباب مسکن ترکید و به ضرر روه‌های بسیاری انجامید.

همچنین نگاهی به بورس عربستان به عنوان یکی از قوی‌ترین بورس‌های منطقه نشان می‌دهد که ارزش آن نسبت به حدود هفت سال پیش به یک چهارم کاهش یافته چرا که حباب این بورس ۴۰۰ میلیارد دلاری هم از بین رفته است.

ایسن در حالی است که با وجود سابقه حبابی محو حباب اقتصادی، درهاضمه و نقد ارانی تجربه سقوط وجود ندارد.هر چند ارزش از بل سقوط کرد، اما چند ماه بعد مجددا به ارزش قبلی بازگشت.

از این رو ایرانی‌ها نمی‌توانند از بین رفتن حباب را بپذیرند.

این کارشناس می گوید: بهره وری در اغلب بخش‌ها بسیار پایین است به گونه‌ای که در بخش کشاورزی سه برابر میزان جهانی آب استفاده می‌شود. اما فقط یک چهارم مقدار جهانی محصول بدست می‌آید. همچنین راه‌ها در فولاد و صنعت نشان می‌دهد که در یک کارخانه فولاد در ایران ۲۸۰ تن فولاد در سال تولید می‌شود، در حالی که پرسنل یک کارخانه تولید فولاد در کره جنوبی به طور متوسط ۲۸۰۰ تن فولاد در هین بازه زمانی تولید می‌کند که نشان از بهره وری پایین درصحات است.

وی افزود: در شرایطی ۴ میلیون نفر در ایران حقوق بگیر هستند که در مقایسه با

استانداردهای ژاپنی تنها باید یک میلیون نفر کارمند دولتی در کشور وجود داشته باشند. از این رو هر چهار کارمند ایرانی کار یک نفر را انجام می‌دهند.

به گفته نامبرده از سویی بخش‌های کشاورزی، صنعت و بازرگانی کشور بسیار گران اداره می‌شود و از سوی دیگر دولت هم برای خدمات دهی به مردم چهار تا پنج برابر استانداردها کارمند در اختیار دارد که هزینه این خدمات رسانی در حدود ۹۰ هزار واحد افزایش یافته، اما در سال ۲۰۰۱ با فروپاشی که در بورس ایران اتفاق افتاد، خانواده‌های آمریکایی به هفت هزار میلیارد دلار ضرر کردند، به عبارتی هر آنچه طی آن سال‌ها بدست ورده بودند به یکباره از دست دادند. از سال ۲۰۰۱ به بعد هم با رشد مسکن، حبابی دیگر در یکی از حوزه‌های اقتصادی تشکیل شد که تا جایی که ثروت در تمام دنیا به خصوص در آمریکا به سمت مسکن هدایت شد این در حالی بود که در سال ۲۰۰۷ حباب مسکن ترکید و به ضرر روه‌های بسیاری انجامید.

این اقتصاددان همچنین ترم بهره‌وری پایین در ایران برشمرد و به نقش تاثیرگذار بانک مرکزی دراین زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید: در وضع کنونی کسری منابع به مصارف در ساختار بانک مرکزی مشهود است، چرا که نزدیک

را یک میلیون بشکه افزایش داد. اما اکنون این سوال مطرح است که حامل‌های انرژی به چه قیمتی در کشور به فروش می‌رسد؟

ادیب ادامه داد: اکنون ۴۵ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی به مردم پرداخت می‌شود که ۳۰ هزار میلیارد تومان هم از محل یارانه انرژی به سازمان هدفمندی یارانه‌ها تعلق می‌گیرد. در حالی که ارزش حامل‌های انرژی ۹۰ میلیارد دلار است، پس می‌توان نتیجه کرد که حامل‌های انرژی نه تنها رایگان بلکه با قیمت منفی به مردم ارائه می‌شود.

وی تزریق ۹۰ میلیارد دلار یارانه انرژی در اقتصاد را از دلایل پوشش بهره‌وری پایین در کشور دانسته و خاطرنشان می‌کند: یارانه گاز که هر خانواده ایرانی در ماه دریافت می‌کند، نزدیک به ۵۰ هزار تومان است که محاسبات براساس دلار ۳۵۰۰ تومانی نشان می‌دهد هر خانواده ایرانی نزدیک به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان در ماه یارانه انرژی دریافت می‌کند.

این کارشناس مسائل اقتصادی

همچنین با بیان این‌که درآمدهای نفتی از کانال بودجه دولت بر اقتصاد کشور ضربه می‌زند، اضافه می‌کند: با نظر گرفتن بودجه در سال جاری و با توجه به افزایش ۲۵ درصدی حقوق پرسنل دولتی، نزدیک به ۶۰ هزار میلیارد تومان ازپرداخت‌های دولتی در بودجه، ماهیت حقوق دارد. این درحالی است که کل هزینه‌های دولت پایان آذر سال

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق

بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی هم در آبان مشاهده خواهد شد، بیان می‌دارد: بزرگترین قربانیان افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

اقتصادی

اقتصاد ایران حبابی است؟

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

ادیب با بیان این‌که در آبان امسال در اولین اتفاق بخش‌هایی با بهره وری پایین حذف خواهند شد، اظهار می‌دارد: این بخش می‌تواند

یک وزارتخانه دولتی، یک کارخانه، یک مغازه یا یک خانواده باشد.

وی با تاکید بر این‌که آثار افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارکنان دولتی، به راحتی یک ماه از سال به بخش عمده‌ای از دولت باقی می‌ماند. در این میان چه اتفاقی افتاده، باید گفت که تورم و چاپ اسکناس است که جایگزین درآمدهای نفتی شده است.

این اقتصاددان همچنین با اشاره به افزایش قیمت مسکن به نسبت بالا رفتن درآمدهای نفتی در کشور‌ها عری تصریح می‌کند: این درحالی است که با ایران با وجود کاهش ۴۰ درصدی درآمدهای نفتی کشور نسبت به گذشته، قیمت مسکن همچنان روندی صعودی دارد که این به دلیل رشد ۳۵ درصدی بازنشتگان را دولت پرداخت می‌کند و تنها ۳۰ درصد را صندوق بازنشستگی، اما با ۲۵ درصد افزایش

حقوق اعمال شده در سال جاری، ۸۹ درصد حقوق را دولت پرداخت خواهد کرد و ۱۱ درصد را صندوق بازنشستگی، بنابراین بودجه دولت دیگر بخش‌های کشاورزی، صنعت، بازرگانی و دولت نخواهد توانست محصولات خود را حتی تا چهار برابر قیمت بازار جهانی به فروش

رسانده و هزینه فروش چند برابری شود را به بخش‌های دیگر منتقل

وی با اشاره به این‌که افزایش قیمت زمین نسبت به هزینه ساخت، جلیبی بودن آن را نشان می‌دهد، می‌گوید: هنگامی که با افزایش چهار برابری درآمدهای نفتی در حوزه‌های بسیاری از اقتصاد به خصوص مسکن حباب تشکیل شد، پس باید با کاهش این درآمد دیگر

حبابی در اقتصاد ایران شکل نگذرد. اگر با عری طولانی نداد.

درآمد نفتی به تهران تزریق شده و شغل ایجاد می‌کرد و اکنون که دیگر آن درآمد وجود ندارد، بسیاری از شغل‌های ایجاد شده هم به زودی از بین خواهد رفت.

ادیب معتقد است کوچک شدن قطب تهران با کوچک شدن بخش خدمات و بازرگانی همراه خواهد بود و به طور یقین سه سال آینده

دوران گذار از تهران بزرگ به عنوان کوچک است، هر چند که اکنون هم درصد بالایی از فروش کاهش یافته

است.وی با بیان این‌که اقتصاد ایران عمده این درآمدها به تهران، افزایش

۹۰ نزدیک به ۸۷ میلیارد دلار درآمد نفت و با درآمدهای دیگر نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار ارز به اقتصاد

کشور تزریق شده است، اما از اکنون به بعد که دیگر پتانسیلی از دلار ۱۲۲۶ تومانی در اقتصاد وجود ندارد

و خرید و فروش‌های اقتصاد با دلار آزاد بالغ بر ۳۵۰۰ انجام خواهد شد، فرصت مناسبی برای ارزیابی

تقاضای کل ایجاد خواهد شد. این اقتصاددان با اشاره به این‌که نشانه‌هایی از بازار بیابگر

کاهش فروش ثابت از ۵۰ درصد به ۷۵ درصد است و رقابت برای فروش حداکثری آغاز خواهد شد، ادامه می‌دهد: از این رو بازار کشور

از بازار فروشنده (بازاری که حرف آخر را فروشنده می‌زند) به بازار خریدار(بازاری که تصمیم گیرنده نهایی خریدار است) تبدیل می‌شود.

وی در ادامه با طرح این سوال که آیا سیاست‌های انبساطی بانک

مرکزی ادامه خواهد داشت،توضیح می‌دهد: دیر به زود سیاست انبساطی پولی کنار گذاشته می‌شود

و در ماه‌های آینده تحمل ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور

از تورم سنگین تمام خواهد شد و آن‌گاه به فاصله‌ای بسیار کوتاه می‌توان سیاست‌های انبساطی را به

سوی بانک مرکزی تامل نبوده است. بر اساس نقدی طبق اصول پرداخت

شود.ادیب با بیان این‌که هر گاه بانک مرکزی چاپ اسکناس را متوقف کند

و تا حدود حدی تا شش ماه کاهش خواهد یافت افزود: طبق اعلام بانک مرکزی سال گذشته معادل ۵۰ درصد مانده

اسکناس و اسفند ۹۰ اسکناس جدید چاپ کرده است که اکنون آثار آن در حوزه‌های اقتصادی به خصوص

مسکن قابل مشاهده است. وی با اشاره به نتایج سیاست‌های

انبساطی پولی بانک مرکزی و چاپ اسکناس تاکید کرد: به اعتقاد من در این حالت حباب‌های اقتصادی از

بین خود رفت، مسکن دچار رکود ترمی شده و عاملی برای افزایش بهره وری در شرکت‌هایی خواهد بود که بهره‌وری پایینی دارند.

یادآوری می‌شود در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد

می‌تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به نماینده نام‌الاجتناب خود

نماید، همچنین بر گه‌های نمایندگی میزوب با امضاء هیئت مدیره شرکت

تعدا معتبر خواهد بود. مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم معایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضاء حاضر و غایب نافذ و معتبر

خواهد بود. ۱- تصویب اساسنامه شرکت

۲- تصویب افزایش سرمایه؛ ۳- بررسی و تصویب افزایش سرمایه؛ ۴- اصلاح موادی از اساسنامه.

توجه

سهمداران محترم حقیقی یا ارائه اصل مدارک رسمی شناسایی و یا نمایندگان

قانونی آنان یا ارائه اصل مدارک شناسایی و یا کتلتنامه و یا سایر مدارک رسمی مرتبط و یا نمایندگان محترم سهمداران حقوقی یا اصل مدارک شناسایی

ومعرفی تفاهه معتبر مجبور به امضای مجاز و مهر سهمداران حقوقی شرایی به انضمام اصل برگ سهام می‌توانند از تاریخ ۱۳۹۰/۰۳/۰۱ الی ۱۳۹۰/۰۳/۰۱

در سعات ادارای به محل قانونی شرکت به نشانی تهران، شهرک غرب، خیابان هرمزان، کوچه پازدمش، شماره ۱ مراجعه و مشخصانست به اخذ

برگ ورود به جلسه مجمع عمومی فوق العاده و یا به سایت رسمی شرکت

www.yarashippinglines.comمراجعه و یا تکمیل اطلاعات درخواستی نسبت به اخذ برگ ورود به جلسه مجمع عمومی فوق العاده اقدام

نماید. ضمنا شایسته است سهامداران محترمی که از طریق سایت برگ ورود

به جلسه مجمع عمومی فوق العاده را دریافت می‌نمایند نسبت به ارائه بازرسال

معرفی نامه نمایندگان و یا کالتنامه خود به شرکت اقدام شایسته به عمل

آورد. فقط سهامدارانی می‌توانند در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت

تاکتیک های بازاریابی در دوران رکود

وقوع بحران مالی جهانی و رکود اقتصادی حاصل از آن چالش های زیادی را پیش روی کسب و کارها قرار داده و می‌تواند تهدیدی جدی برای آنها محسوب شود که در صورت بی‌توجهی و فقدان اتخاذ تدابیر مناسب از سوی صاحبان کسب و کارها می‌تواند آنها را با ناکامی و شکست مواجه سازد.

در این خصوص یکی از مسائل مهمی که مستلزم بازنگری و توجه از سوی نگاههای اقتصادی است، مسئله بازاریابی است.

عرضه ۲۰۰ هزار تن محصول در بورس کالا

۲۰۰ هزار تن انواع کالا در تالار صادراتی بورس کالای ایران عرضه می شود.ضمن آن که در صورت تقاضا، تالار محصولات صنعتی و معدنی شاهد عرضه بیش از ۸۵ هزار تن انواع محصول فولادی بود. به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران در تالار صادراتی ۲۰۰ هزار تن سنگ آهن دانه‌بندی مجتمع سنگ آهن سنگان با قیمت پایه ۹۰ دلار در هر تن عرضه شد. علاوه بر این، یک‌هزار تن قیر ۶۰/۷۰ شرکت توسعه کروم انرژی با قیمت پایه ۵۴۹ دلار در هر تن روی تابلوی عرضه رفت و شرکت آذریم عایق کار ۱۱۰۰ تن قیر ۸۵/۱۰۰ را با قیمت پایه ۶۰۰ دلار در هر تن برای صادرات به بازار جهانی راهی تالار معاملات کرد.این گزارش حاکی است، تالار محصولات صنعتی و معدنی، شاهد عرضه ۴۲ هزار و ۹۰۰ تن تیرآهن ۱۶ شرکت ذوب آهن اصفهان با قیمت پایه ۱۸ هزار ریال و به صورت سلف بود. این شرکت همچنین، ۲۲۰۰ تن تیرآهن ۱۶ را با قیمت پایه ۱۸ هزار و ۱۰۰ ریال روی تابلوی عرضه برد. شرکت ذوب آهن اصفهان همچنین، یک‌هزار تن سید تیرآهن مخلوط را با قیمت پایه ۲۵ هزار ریال عرضه کرد. شایان ذکر است، شرکت فولاد هرمزگان جنوب با ۱۱ هزار تن تختال C۱۰ قیمت ۱۲ هزار و ۲۵۰ ریال در تالار معاملات حضور یافت. علاوه بر این، مجتمع فولاد آریا ذوب ۲۲ هزار تن سید میلگرد A۳-۱۸-۳۲ را با قیمت ۱۷ هزار و ۸۵۰ ریال را روی تابلوی عرضه برد. از جمله شرکت‌های فولادی دیگری که در این روز عرضه داشتند، می توان به شرکت نورد فولاد گیلان ۳۳۵۰ تن میلگرد A۲-۱۸،۲۰، مجتمع فولاد ظفر بناب با ۱۱۰۰ تن سید میلگرد A۳-۱۲-۲۵ و گروه ملی صنعتی فولاد ایران با ۲۲۰۰ تن میلگرد A۳-۲۰ اشاره کرد.

گروه محصولات می شاهد عرضه ۳۷۰۰ تن مس کاتد و ۳۵۰۰ تن مس مفتول شرکت صنایع ملی مس ایران بود. این شرکت همچنین ۱۱ هزار تن مس کم عیار سرباره ۱۰،۱۰ هزار تن مس کم عیار سرباره R۱۱ هزار تن مس کم عیار سرباره C۱۱ روی تابلوی عرضه برد. ضمن آن که شرکت ذیابی من کاشان ۳۷۰ تن مس مفتول را با قیمت پایه ۲۰۰ هزار و ۱۵۴ ریال در تالار محصولات صنعتی و معدنی عرضه کرد.

لازم به ذکر است، شرکت صنایع ملی مس ایران، ۹ تن کسانتره فلزات گرانبها و ۱۸۰ تن سولفور مولبدین را برای دادوستد راهی تالار معاملات کرد.براساس این گزارش، تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی شاهد عرضه بیش از ۲۶ هزار تن انواع قیر، آمونیاک، گوگرد، وکیوم باتوم و حلال بود. شرکت نفت جی با عرضه ۱۲ هزار تن قیر ۶۰/۷۰ شش هزار تن قیر ۸۵/۱۰۰ و دو هزار تن قیر ۱۲C۲۵۰، پشترین حجم عرضه را در تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی در این روز به خود اختصاص دادند.

بازار در یک نگاه				
جدول شاخص‌های بورس				
عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر
شاخص کل	۴۳۰۷/۴۳	۴۳۰۰۵/۱۳	۴۲۸۵۱/۳۴	۲۵۱/۸
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۲۱۲۷/۸	۲۱۲۸	۲۱۱۷/۵	۱۱/۱
شاخص آزادشاور	۹۹۲۲۹/۱	۹۹۲۲۹/۱	۹۸۹۹۱	۳۱۰/۹
شاخص بازاراول	۳۳۸۵۱/۴	۳۳۸۵۱/۴	۳۳۶۶۰/۲	۲۴۵/۵
شاخص بازار دوم	۷۸۷۱۸/۲	۷۸۸۳۷/۷	۷۸۵۷۱	۱۸۹/۶
شاخص صنعت	۳۳۹۶۷/۹	۳۳۷۰۵/۹	۳۳۷۱۵/۹	۲۴۴/۲
مجموع حجم معاملات	۲۳۳/۸۴۷/۴۴۵ میلیون سهم			
مجموع ارزش معاملات	۸۵۰۳۹۸ میلیون ریال			
جمع تعداد معاملات	۷۲۱۱۶ معامله			
ارزش بازار	۲/۰۹۹/۷۲۲ میلیارد ریال			

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹۲/۲/۳۰)				
عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر
شاخص کل	۴۳۰۷/۴۳	۴۳۰۰۵/۱۳	۴۲۸۵۱/۳۴	۲۵۱/۸
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۲۱۲۷/۸	۲۱۲۸	۲۱۱۷/۵	۱۱/۱
شاخص آزادشاور	۹۹۲۲۹/۱	۹۹۲۲۹/۱	۹۸۹۹۱	۳۱۰/۹
شاخص بازاراول	۳۳۸۵۱/۴	۳۳۸۵۱/۴	۳۳۶۶۰/۲	۲۴۵/۵
شاخص بازار دوم	۷۸۷۱۸/۲	۷۸۸۳۷/۷	۷۸۵۷۱	۱۸۹/۶
شاخص صنعت	۳۳۹۶۷/۹	۳۳۷۰۵/۹	۳۳۷۱۵/۹	۲۴۴/۲
مجموع حجم معاملات	۲۳۳/۸۴۷/۴۴۵ میلیون سهم			
مجموع ارزش معاملات	۸۵۰۳۹۸ میلیون ریال			
جمع تعداد معاملات	۷۲۱۱۶ معامله			
ارزش بازار	۲/۰۹۹/۷۲۲ میلیارد ریال			

نیازمندیهای اطلاعات

برگزاری مجمع عمومی پست بانک

عضو هیات مدیره پست بانک ایران گفت: این بانک تکلیف دارد سرمایه خود را با ۷۰۰ درصد افزایش از ۵۰ میلیارد تومان به ۴۰۰ میلیارد تومان برساند که تا دو ماه آینده (برگزاری مجمع در تیر) روش انجام این کار مشخص می‌شود.
به گزارش فارس، مجمع عمومی عادی سالانه ۸۹ و ۹۰ شرکت پست‌بانک ایران برگزار شد. در این مجمع اعلام شد که به زودی پست‌بانک افزایش سرمایه خواهد داد و سرمایه خود را به ۴۰۰ میلیارد تومان خواهد رساند.

افزایش سرمایه ذوب آهن از محل تجدید ارزیابی ها



همزمان با برگزاری مجمع عادی، فرابورسی ذوب آهن اصفهان در صورتی که هیأت مدیره تصویب گزینی می‌شود، در بهاره ترکیب هیأت مدیره جدیدی از شرکت تأسیس خواهد کرد.
فریدونی سیاست تقسیم سود شرکت را مورد توجه قرار داد و اظهار کرد: شرکت تقسیم سود ۶۰ درصد را در برنامه دارد ولی در صورتیکه نخواهد زیان انباشته را از محل تقسیم سود جبران کند، سهم کمتری را در مجمع تقسیم می‌کند.
به گفته این مسئول شرکت اصفهان پیش بینی سود شرکت برای سال ۹۲ مبلغ ۲۷۲ ریال است که به برنامه های این شرکت و افزایش ظرفیت تولید از سودی دیگر سازمان خصوصی سازی به وکالت از شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های غذایی ایران، ۳۴۹ میلیون و ۳۶۶ هزار و ۵۲۴ سهم ۳۴ درصد از سهام شرکت پالایش نفت شیراز را به صورت یکجا و نقد یا نقد و اقساط بابت رد دیون دولت به بانکها در بازار دوم عرضه کرد که این میزان سهم به فروش رفت.
به گزارش ایسنا، پیشاپه هر سهم معادل قیمت بسته شدن سهم در روز قبل از عرضه به اضافه ۳۵ درصد به شُرط آن که از مبلغ ۱۶ هزار و ۲۵۷ ریال کمتر نباشند تعیین شده که به صورت یکجا، نقد و یا نقد و اقساط و با

اقتصادی

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	تغییرات
کتورسازایران	۱۳,۴۴۶	(۵۶۰)	کارت اعتباری ایران گیش	۷,۷۰۴	(۲۵۴)
بیمه البرز	۲,۴۰۰	۱۱۲	کتاوری و دامپیری گمش	۲۱,۰۲۷	(۸۷۶)
کابل البرز	۱,۴۵۶	۵۶	سیمان داراب	۴,۳۸۶	۱۶۸
ایران ترانسفو	۲,۱۱۱	۴۲	سیمان ارومیه	۶,۱۷۰	۲۱۹
پارس سوج	۲,۲۸۹	(۵۵)	سیمان بهبورد	۲,۸۷۷	۱۰۷
لاپب پارس شهاب	۴,۷۲۵	۱۵۲	سیمان بهبهان	۵,۵۰۰	(۶۴۱)
مونوز	۵,۰۵۰	۹۸	سیمان سیاهان	۱,۶۵۳	۶۳
نیروترانس	۲,۴۹۶	۷۴	سیمان تهران	۴,۰۱۴	۱۵۷
صنایع شوکاب‌یزد	۲,۶۱۵	۳۷	سیمان خزر	۲,۵۱۷	۹۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱۴,۰۱۱	۵۳۸	سیمان دودود	۷,۵۸۹	۲۹۱
ایران یاساگران‌ایران	۳,۸۵۰	۱۴۸	سیمان شمال	۲,۰۹۶	۸۰
ایران تابر	۱,۲۵۰	۴	سیمان صوفیان	۱۳,۱۵۰	۵۰۵
سرمایه گذاری پردیس	۵,۳۰۷	۲۰۴	سیمان صوفیان	۶,۴۰۰	۱۹۳
صنایع لاستیکی سهند	۱,۷۱۰	(۶۴)	سیمان فارس و خوزستان	۱,۸۱۶	۶۹
ترانس‌سازی ایران	۲,۲۵۰	۸۶	سیمان فارس نو	۲,۸۴۹	۱۰۹
پمپ سازی ایران	۸۰۸	(۳۱)	سیمان سفیدنی‌ریز	۴۰۳	۴۰۳
تولیدتجهیزاتسنگین‌هیکو	۳,۳۱۵	(۱۳۲)	سیمان هرزگان	۱۰,۰۰۰	۱۰۴
کنترش صنایع خدمات کشاورزی	۷۴۳	۲۸	سیمان هگمتان	۳,۸۶۷	۱۴۸
کمیابن ساری ایران	۲,۸۵۴	۱۰۹	سیمان الالم	۴,۳۵۶	۱۶۷
تورنیتی ورفاهی آزادگان ایران	۱,۱۷۵	۱۰	سیمان کرمان	۵,۸۰۹	۲۲۳
بین‌المللی توسعه‌خانمان	۱,۵۲۸	(۶۳)	سیمان کرمان	۱۱,۸۴۴	۱۶۵
سخت آژند	۱,۳۵۸	(۵۲)	معدنی املاح ایران	۱۹,۴۳۵	۷۴۰
سرمایه گذاری شاهد	۱,۲۰۰	۱۳,۶۳۳	معدنی نفت تبریز	۱,۵۴۷	۷۱۷
عمران توسعه‌فارس	۱,۰۶۶	(۴۳)	پالایش نفت تبریز	۱۸,۶۳۹	۷۱۸
ح. عمران توسعه‌فارس	۲۶۸	۱۹	نفت بهران	۵,۷۳۳	۲۲۰
سرمایه گذاری مسکن	۱,۳۸۸	۹۱	توشیمی آبدان	۱,۹۸۸	(۴۵۷)
کارتین ایران	۲,۴۴۰	۱۰	پلی‌اکریل	۷۵۵	(۲۱)
صنایع گاسفازنی‌کاهه	۶,۱۶۶	۲۳۷	پارس بافماجل	۹,۱۸۳	۶۵۳
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۷۸۶	(۱۶)	پارس نفت و پخش اصفهان	۲۵,۰۷۲	۹۵۰
نایداترول‌خورمیانه	۳,۸۲۳	۱۴۹	تیران تسمی	۵,۳۲۰	(۲۲۱)
حمل‌ونقل‌نوکا	۴,۱۹۹	۰۸	پتروشیمی خاکی	۲۵,۳۰۱	(۸۲۶)
حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس	۱,۴۰۱	(۱۷)	صنایع شیمیایی سینا	۴,۶۹۹	(۴۰)
کنترشانی جمهوری اسلامی ایران	۴۴۰	۲	پتروشیمی فارابی	۳۵,۳۰۰	۳۸
سایاآذین	۱,۳۷۱	۵۶	نعلابیران	۶,۴۰۰	۱۷۳
ایران خودرودیزل	۵۷۹	۲۱	تولیدمواد اولیه‌الیاف‌مصنوعی	۲,۵۲۶	(۸۳)
گروه‌یهمن	۱,۴۷۰	(۵۴)	پتروشیمی شیراز	۸,۰۰۰	(۳۴)
ح. گروه‌یهمن	۳۵۸	(۴۴)	صنایع شیمیایی ایران	۲۴,۹۲۰	۹۵۸
گروه‌یهمن	۶۶۸	۲۳	پارس ایران	۳,۹۵۳	۱۵۲
ساز پوتی	۶,۶۹۱	۲۵۷	لینبات‌کلیو	۳,۷۰۵	۱۴۲
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲۷۸	(۳۰)	پنوشن ایران	۵,۱۹۰	(۱۱۱)
قطعات اتومبیل ایران	۱,۰۵۰	۴۰	پارس مینو	۲,۴۳۴	۹۵
چرخشگر	۹۷۱	(۴۰)	پارس و صنعت چین چین	۵,۱۴۴	۱۹۹
صنایع ریخته‌گری‌ایران	۹۶۴	(۴۰)	شیرپاسازی‌هگام‌اصفهان	۴,۵۴۵	۱,۴۲۱
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۵۵	(۲۱)	پسکویت کرچی	۳,۸۱۵	۱۴۶
زادامد	۶۴۰	۲۴	گل‌گوزان	۲۲,۸۸۰	۶,۶۳۴
فرسازیز	۶۶۵	(۲۶)	تولیدی‌مهرام	۱,۶۸۰	۱۶۸
سایبا	۹۱۰	۳۵	صنایع آذرآب	۳,۴۰۶	۱۳۱
الکتبریک خودرو شرق	۵۷۷	۵	ماشین ساز ارگ	۲,۹۹۰	۶۹
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۰۶۴	۴۰	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۱۵۱	(۷۶)
کنترش‌سرمایه‌گذاری ایران خودرو	۱,۴۰۱	۵۴	کنترش‌سرمایه‌گذاری ایران خودرو	۵,۰۲۲	۱۹۳
لنت بریز ایران	۱,۶۵۸	۶۴	صنایع آتما	۷,۷۴۳	۲۹۷
نیرو محرکه	۸۲۵	۱۸	مس پخشیدار	۱,۵۸۸	۶۱
مهر کامپارس	۴۵۴	۱۷	جام‌درو	۴,۰۵۰	(۹۴)
ایران خودرو	۹۸۸	۲۶	فولاد امیرکبیر کاشان	۴,۵۴۳	۱۷۶
محورسازان‌ایران خودرو	۴۸۱	۱۸	فولاد خراسان	۸,۰۹۰	(۱۲۳)
ایرکا پارت صنعت	۱,۶۹۰	۳۸	فولاد خوزستان	۲۶,۶۷۱	(۳۵۶)
داروسازی ریحان	۷,۵۲۲	۲۸۹	داروسازی معدنی‌ایران	۹,۱۳۰	۶۱,۳۰۲
برازدرو	۵,۲۰۰	۲۰۰	ملی سرب‌ووری ایران	۲,۱۱۷	۴۲
بیمه اذین	۶,۸۷۷	۲۶۵	لی‌میران	۲,۱۳۳	(۸۷)
پارس دارو	۱,۵۰۰	۴۰	تولیدواشین‌سازی‌ایران	۲,۲۸۳	(۹۵)
تولیدمواد اولیه‌دارو و پختی	۱۳,۵۱۶	۵۱۹	ح. لوله‌واشین‌سازی‌ایران	۹۶۰	۶۷
داملران	۱۴,۰۰۰	(۱۲۶)	ملی صنایع مس ایران	۵,۶۰۰	(۲۷)
داروسازی‌روهای	۱۴,۷۰۳	۵۵۵	نورده آتومینوم	۳,۵۲۰	(۱۴۶)
لاب‌انوارداروسازی دکتر عبیدی	۳,۷۴۸	(۱۵۶)	نورده‌قطعات فولادی	۳,۱۵۰	(۸۸)
داروسازی اکسیر	۶,۶۵۵	۲۵۴	نورده‌فولاد کاشان	۴,۲۸۰	۴۶
دارویی لقمان	۲,۵۰۰	(۴۶)	فولاد آلیاژی ایران	۵,۰۰۰	۴۲
ایران دارو	۳,۶۶۰	(۱۵۲)	فولاد آلیاژی ایران	۱۶,۴۴۴	(۶۶۲)
داروسازی کوثر	۱,۴۲۱	۶۲	فولاد ثابت خراسان	۹,۰۵۵	(۹۶)
خدمات‌انفورماتیک	۱۴,۶۸۲	(۶۱۱)	کارخانجات قند قزوین	۷,۹۵۳	(۲۹۲)
کنترل‌خوردگی‌تکنیک‌کو	۳,۸۲۶	۱۴۷	کنترل‌خوردگی‌تکنیک‌کو	۶,۰۲۴	(۲۴)
مدیریت‌بروز‌مهای‌ت‌گاهی	۳۰,۵۷	۱۱۷	شبه همدان	۱۵,۲۸۰	(۶۲۹)

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	تغییرات
شکرهاورد	۶,۸۳۳	(۷۰۰)	شکرهاورد	۶,۸۳۳	(۷۰۰)
قنداصفهان	۳۶,۳۰۸	(۱,۵۴۷)	قنداصفهان	۳۶,۳۰۸	(۱,۵۴۷)
قند لرستان	۳۵,۸۷۷	(۱,۴۸۱)	قند لرستان	۳۵,۸۷۷	(۱,۴۸۱)
قندشش‌جهان	۹,۴۲۵	(۳۹۲)	قندشش‌جهان	۹,۴۲۵	(۳۹۲)
قندگمتکان	۲۴,۷۲۳	(۱,۰۲۶)	قندگمتکان	۲۴,۷۲۳	(۱,۰۲۶)
آسما	۱,۶۹۶	۶۵	آسما	۱,۶۹۶	۶۵
سما آفرین	۳,۲۴۰	۱۲۶	سما آفرین	۳,۲۴۰	۱۲۶
داده‌پردازایران	۱,۳۲۰	(۳۲)	داده‌پردازایران	۱,۳۲۰	(۳۲)
ایران‌آر‌قام	۱,۳۰۰	۴۷۰	ایران‌آر‌قام	۱,۳۰۰	۴۷۰
ایران‌آر‌قام	۱,۲۱۱	(۵۰)	ایران‌آر‌قام	۱,۲۱۱	(۵۰)
بیمه ملت	۱,۰۴۱	(۳)	بیمه ملت	۱,۰۴۱	(۳)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۳,۲۶۱	۱۳	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۳,۲۶۱	۱۳
سرمایه‌گذاری آتیه دماوند	۲,۶۱۶	(۷۵)	سرمایه‌گذاری آتیه دماوند	۲,۶۱۶	(۷۵)
سرمایه‌گذاری البرز(هلدینگ)	۲,۳۶۳	۵۵	سرمایه‌گذاری البرز(هلدینگ)	۲,۳۶۳	۵۵
بانک انصار	۲,۰۳۸	۷۸	بانک انصار	۲,۰۳۸	۷۸
توسعه‌شماره‌بهبهر(هلدینگ)	۱,۰۰۸	۷	توسعه‌شماره‌بهبهر(هلدینگ)	۱,۰۰۸	۷
بانک صادرات ایران	۱,۳۱۵	(۲۳)	بانک صادرات ایران	۱,۳۱۵	(۲۳)
بانک ملت	۱,۰۰۰	۱	بانک ملت	۱,۰۰۰	۱
سرمایه‌گذاری‌بهن	۱,۱۷۰	(۳۵)	سرمایه‌گذاری‌بهن	۱,۱۷۰	(۳۵)
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۰۷۰	۶	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۰۷۰	۶
سرمایه‌گذاری صنعت بیمه	۱,۵۶۹	(۶۲)	سرمایه‌گذاری صنعت بیمه	۱,۵۶۹	(۶۲)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۷,۹۵۷	۲۴۰	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۷,۹۵۷	۲۴۰
داروپخش (هلدینگ)	۵,۰۹۰	۲۴۴	داروپخش (هلدینگ)	۵,۰۹۰	۲۴۴
پست بانک ایران	۱,۳۶۶	(۴۰)	پست بانک ایران	۱,۳۶۶	(۴۰)
بانک تجارت	۳,۴۲۰	(۶۵)	بانک تجارت	۳,۴۲۰	(۶۵)
توسعه‌شهری‌نوس‌کستر	۱,۵۶۳	۳۷	توسعه‌شهری‌نوس‌کستر	۱,۵۶۳	۳۷
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۳۸۸	۱۰۱	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۳۸۸	۱۰۱
سرمایه‌گذاری پارس نوسه	۱,۴۰۰	(۵۱)	سرمایه‌گذاری پارس نوسه	۱,۴۰۰	(۵۱)
توسعه‌صنعتی‌ایران	۷۴۰	(۱۹)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۷۴۰	(۱۹)
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۸۱۸	(۳۱)	سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۸۱۸	(۳۱)
سرمایه‌گذاری سایبا	۲,۶۶۸	۳۲	سرمایه‌گذاری سایبا	۲,۶۶۸	۳۲
سرمایه‌گذاری سبه	۱,۳۹۱	۲۲	سرمایه‌گذاری سبه	۱,۳۹۱	۲۲
بانک سینا	۱,۲۹۰	(۱۵)	بانک سینا	۱,۲۹۰	(۱۵)
گروه‌صنایع‌بهبهرایران	۳,۲۶۸	(۵۳)	گروه‌صنایع‌بهبهرایران	۳,۲۶۸	(۵۳)</

پس از ثبت نام برخی فرزندان شهداهای

برای شرکت در انتخابات شورای شهر تهران، ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی چندی پیش در بهشت زهرا و در کنار گلزار شهدای **گننام و شهدای ۷۷** با قرائت میثاق نامهای به طور رسمی موجودیت خود را اعلام کرد.
شهیدان در ادامه می‌آید مشروح گفتگوی خبرگزاری مهر با مهدی باقری، دبیر و محمد مهدی تندگویان، عضو شورای مرکزی این ائتلاف است.

«به عنوان اولین مسئول، بفرمایید چه ضرورتی احساس کردید که دست به تشکیل ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی زدید؟
مهدی باقری: یکی از دلایل اصلی تشکیل این ائتلاف این بود که فرزندان این دوران طوقیلت به هر حله جوانی رسیده‌اند و می‌توانند بسیاری حرف‌ها و ایده‌ها را مطرح کنند. فصل مشترکشان هم با شهدا این است که آنها هم در دوران جوانی وارد عرصه دفاع مقدس شده‌اند و الگوی مدیریتی موفق از خود بر جای گذاشته‌اند.
واقع ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی حاصل غلغله و فکر برای ایجاد فضایی بود که بجهای شاهدان بتوانند فارغ از هر گونه سلبه سیاسی و علاقایی که دارند، دور یکدیگر جمع شوند و به هم افزایی بپردازند.
امروز فرزندان شهدا به عنوان گروه‌های مرجع برای مردم تعریف می‌شوند. همین که در کوچه و خیابان مردم مطلع می‌شوند که فانی فرزندان فلان شهید است، برای حل مسائل و مشکلات به او رجوع می‌کنند. از این جهت بسیاری از فرزندان شهدا جزو گروه‌های مرجع در جامعه به حساب می‌آیند؛ در حالی که جامعه برای حل مشکلات خود به ما رجوع می‌کند، ما آن‌ها را به عنوان علاقه‌مندان به ما این است که به یادآورهای پدرانمان با ما عکس بیندازند یا در انتخابات بایانند و ما تا ایده‌ای برای ورود به عرصه بگیریم. بر این اساس فرزندان شهدا تصمیم گرفتند حول محور دغدغه‌ای که دارند و تا کنون تبیین شیوه مدیریتی شهداستا جمعی را تشکیل دهند.

در واقع ما از یک سو هم احساس خطر کردیم. ما احساس کردیم در سال‌های اخیر گنتمان شهدا در حال مصادره و رایش توسط دو گروه است. یکی گروهی هستند که تاکنون حتی از کنار گوششان یک گلوله هم شلیک نکرده و هنوز فکر می‌کنند خط مقدم جنگ اهو است و گروه دیگر آنهاهی هستند که داعیه دارند که ترفیق حضور در جبهه‌ها را نداشتند یا به دلایل و مشکلات شخصی نتوانسته‌اند در ۸ سال دفاع مقدس حضور داشته باشند.

«شما در سخنان خود به فرهنگ مدیریتی شهادهای اشاره کردید، فکر می‌کنید اگر این فرهنگ مدیریتی عملیاتی شود، چه تغییری را می‌توان شاهد بود؟

باقری: گنتمان مدیریتی شهدا همان گنتمان انقلاب اسلامی است. در صورتی که این فرهنگ مطرح و به کار گرفته شود، بسیاری از رویه‌ها را اصلاح خواهد کرد و اتفاقات خوب را به دنبال خواهد داشت.
در این بین نکته‌ای که حائز اهمیت است این‌که تا تنها فردی که گسترش دهنده این گنتمان است رهبری است. مثال بارز این

موضوع هم فرمایش اخیر ایشان درباره شیوه انتخاب و رئیس جمهوری اصلح است. رهبر معظم انقلاب در این باره اشاره کردند که رئیس‌جمهوری باید مومن، انقلابی و با عزم و همت جهادی باشد. لازم به یادآوری است که شهدا مومن به اسلام و خداوند متعال بودند و در بحث ایمان نشان خداترسی داشتند و در کارها تقوا پیشه می‌کردند. درباره انقلابی بودن هم باید گفت که بسیاری از شهدا یا به یطن انقلاب بودند یا در جریان وقوع انقلاب شکوهمند سال ۵۷ به آن پیوستند و انقلابی شدند که عزم و همت جهادی شاخصه اصلی آنها بود.

«دعای امروز مسئولان برای ماندن در قدرت و منصب است

یکی از مثال‌هایی که می‌شود در مورد فرهنگ مدیریتی شهدا ز این است که در ۸ سال دفاع مقدس دعوا برای رفتن و پشت پا زدن به منصب و قدرت بود، در حالی که امروز عمده بود در بین مسئولان ما، برای ماندن بر منصب و قدرت است. در هیچ کجای دفاع مقدس نمی‌بینید که فرماندهی از درخواست بدهد که جای دیگری را بگیرد. غالباً در دفاع مقدس تکلیف بر این بوده که بسستی را قبول نکنند نه این‌که تکلیف را بر ورود به عرصه و رقابت برای کسب مسئولیت به هر قیمتی بپذانند.

«قدمت تشکیل این ائتلاف به چه مدتی بر می‌گردد؟ در واقع از چه زمانی احساس کردید که باید این ائتلاف شکل بگیرد؟
محمد مهدی تندگویان: خانواده‌ها و فرزندان شهدا واقعاً در جامعه ساری بودند و سعی داشته‌اند که به وظایف خود در قبال اجتماع به بهترین شکل ممکن عمل کنند. در فعالیت‌های تخصصی و اجتماعی فعالیت‌های فرزندان شهدا و ایناگران مشهود بود. اما در زمانی احساس کردیم که این تلاش‌ها به سهو یا به عمد در جامعه انعکاس داده نمی‌شود. لذا بحث ائتلاف حرکتی است که عملکرد این افراد به مردم نشان داده شود و حضورشان در جامعه پررنگ‌تر شود. شاید این اتفاق است که گروهی از فرزندان شهدا که عمدتاً فرزندان سرداران شهید و شهدای صاحب نام هستند، مدتی تشکیل ائتلاف شهدای انقلاب اسلامی شاید مربوط به بیش از یک سال گذشته است که گروهی از فرزندان شهدا که عمدتاً فرزندان سرداران شهید و شهدای صاحب نام هستند، حدود ۹ سال پیش فعالیت برای جمع کردن فرزندان شهدا در کنار یکدیگر آغاز کردند تا به ایده پسرزادی، تصمیم‌گیری‌های جمعی و حمایت‌ها و اعلام مواضع بپردازند.

در ابتدا یکی از خروجی‌های مثبت این کار این بود که توانستیم از حال یکدیگر با خبر شویم و از طرفی هم توانستیم به مشکلات و معضلاتی که بعضاً فردان و خانواده‌های شهدا آن را درگیر هستند، بپردازیم.

متأسفانه باید به این مساله اشاره کرد که در سال‌های گذشته در بین برخی فرزندان شهدا به وجود آمده بودی بر این که فرزندان شهدا یا خانواده‌های آنها جزو معضلات جامعه هستند، در حالی که ما با عملکردمان نشان دادیم که نه تنها این افراد جزو معضلات جامعه به شمار نمی‌روند، بلکه می‌توانند تمام معضلات را هم برطرف کنند. چون بجهای ما هم تخصص‌های لازم و متعهد دارند و هم مطمئنیم که جزو متعهدترین افراد این جامعه هستند.

ما آیدامیم که ابتدا خدا را باور دلها کنیم.

یعنی پیوند اولیه ما با خداست این همان اتفاقی است که در ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی رخ می‌دهد. در سال‌های اولیه انقلاب نه منصب نه قدرت و نه مساندلی درستی وجود داشت. فقط امامی آمد که خیایی بود و به باور خدایی قلب‌های مردم نشست و در پی آن انقلاب صورت گرفت. ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی بر این باور است که حالا بار دیگر این تلنگر باید بیفتد.

ما احساس می‌کنیم که در حال حاضر در جامعه یک غفلت خدایی به وجود آمده است. همین که ما بتوانیم خدا را باور دل‌های مردم

آن‌ها بود.

«دعای امروز مسئولان برای ماندن در قدرت و منصب است

یکی از مثال‌هایی که می‌شود در مورد فرهنگ مدیریتی شهدا ز این است که در ۸ سال دفاع مقدس دعوا برای رفتن و پشت پا زدن به منصب و قدرت بود، در حالی که امروز عمده بود در بین مسئولان ما، برای ماندن بر منصب و قدرت است. در هیچ کجای دفاع مقدس نمی‌بینید که فرماندهی از خواست بدهد که جای دیگری را بگیرد. غالباً در دفاع مقدس تکلیف بر این بوده که بسستی را قبول نکنند نه این‌که تکلیف را بر ورود به عرصه و رقابت برای کسب مسئولیت به هر قیمتی بپذانند.

«قدمت تشکیل این ائتلاف به چه مدتی بر می‌گردد؟ در واقع از چه زمانی احساس کردید که باید این ائتلاف شکل بگیرد؟
محمد مهدی تندگویان: خانواده‌ها و فرزندان شهدا واقعاً در جامعه ساری بودند و سعی داشته‌اند که به وظایف خود در قبال اجتماع به بهترین شکل ممکن عمل کنند. در فعالیت‌های تخصصی و اجتماعی فعالیت‌های فرزندان شهدا و ایناگران مشهود بود. اما در زمانی احساس کردیم که این تلاش‌ها به سهو یا به عمد در جامعه انعکاس داده نمی‌شود. لذا بحث ائتلاف حرکتی است که عملکرد این افراد به مردم نشان داده شود و حضورشان در جامعه پررنگ‌تر شود. شاید این اتفاق است که گروهی از فرزندان شهدا که عمدتاً فرزندان سرداران شهید و شهدای صاحب نام هستند، مدتی تشکیل ائتلاف شهدای انقلاب اسلامی شاید مربوط به بیش از یک سال گذشته است که گروهی از فرزندان شهدا که عمدتاً فرزندان سرداران شهید و شهدای صاحب نام هستند، حدود ۹ سال پیش فعالیت برای جمع کردن فرزندان شهدا در کنار یکدیگر آغاز کردند تا به ایده پسرزادی، تصمیم‌گیری‌های جمعی و حمایت‌ها و اعلام مواضع بپردازند.

در ابتدا یکی از خروجی‌های مثبت این کار این بود که توانستیم از حال یکدیگر با خبر شویم و از طرفی هم توانستیم به مشکلات و معضلاتی که بعضاً فردان و خانواده‌های شهدا آن را درگیر هستند، بپردازیم.

متأسفانه باید به این مساله اشاره کرد که در سال‌های گذشته در بین برخی فرزندان شهدا به وجود آمده بودی بر این که فرزندان شهدا یا خانواده‌های آنها جزو معضلات جامعه هستند، در حالی که ما با عملکردمان نشان دادیم که نه تنها این افراد جزو معضلات جامعه به شمار نمی‌روند، بلکه می‌توانند تمام معضلات را هم برطرف کنند. چون بجهای ما هم تخصص‌های لازم و متعهد دارند و هم مطمئنیم که جزو متعهدترین افراد این جامعه هستند.

ما آیدامیم که ابتدا خدا را باور دلها کنیم.

اگر قرار باشد ما و نسل بعدی مان جانشان را برای این کار بگذارد، امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی، هوایی تازه در جمهوری اسلامی است

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

پیرنمدان چیز دیگری است و ائتلاف کرده‌ام تا همه افراد با سلایق، اندیشه‌ها و رویکردهای مختلف تحت عنوان فرزندان شاهد برآیند.
هشتم که خاک‌ریزها، نظرات خود را مطرح کنند.
قرار نیست سالیق سیاسی در این ائتلاف تأثیر گذار باشد، بلکه در دادر مشترک با مردم است.

ما هوای تازه‌ای در نظام جمهوری اسلامی هستیم. آندامیم باید که کشور و مردم سلام دیگری بگیریم و کار با خدمت به مردم و فدا شدن برای آنها خواهد بود، ما از پدرانمان فدا شدن را آموختیم و این را حتی به نسل‌های بعد از

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی، هوایی تازه در جمهوری اسلامی است



«باقری: دغدغه فرزندان شهدا، تبیین شیوه مدیریتی شهداست
گنتمان مدیریتی شهدا همان گنتمان انقلاب اسلامی است
«تندگویان: احساس می‌کنیم در جامعه یک نوع غفلت خدایی به وجود آمده است

«آنچه که باعث شد شهدای ما جانشان را برای آن بگذارند، امنیت و آرامش در جامعه بود

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

تندگویان: انتخابات هدف غایی ما نیست؛ بلکه بر اینن اعتقادیم که موضوع انتخابات شوراهای شهر در برابر ائتلاف شاهدان، امنیت بیشتر بر محور اصل محلی از اعراب ندارد.

چون خط فکری شهدا نه حزبی بود، نه جناحی و نه گروهی، بلکه فضا، قصه خدمت بود. این اساس است که می‌آیند این موضوع را فراتر از انتخابات است چون در انتخابات یک رسم از القای امنیت از طریق حضور نیروهای انقلاب در سطح شهر و معابر است. در این سال‌ها شاهد کشیدن نشان تنش‌های محیط بیرونی

ائتلاف شاهدان انقلاب اسلامی آمده است که نان را به نرخ قبلی اش به مردم بدهد. ما نماینده‌ام که شعار بدیم و مانند برخی احزاب و گروه‌ها در مواقع مختلف رنگ عوض کنیم و نام دیگری را بر خود نهیم. ما

پیرنمدان چیز دیگری است و ائتلاف کرده‌ام تا همه افراد با سلایق، اندیشه‌ها و رویکردهای مختلف تحت عنوان فرزندان شاهد برآیند.
هشتم که خاک‌ریزها، نظرات خود را مطرح کنند.
قرار نیست سالیق سیاسی در این ائتلاف تأثیر گذار باشد، بلکه در دادر مشترک با مردم است.

ما هوای تازه‌ای در نظام جمهوری اسلامی هستیم. آندامیم باید که کشور و مردم سلام دیگری بگیریم و کار با خدمت به مردم و فدا شدن برای آنها خواهد بود، ما از پدرانمان فدا شدن را آموختیم و این را حتی به نسل‌های بعد از

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

پیرنمدان چیز دیگری است و ائتلاف کرده‌ام تا همه افراد با سلایق، اندیشه‌ها و رویکردهای مختلف تحت عنوان فرزندان شاهد برآیند.
هشتم که خاک‌ریزها، نظرات خود را مطرح کنند.
قرار نیست سالیق سیاسی در این ائتلاف تأثیر گذار باشد، بلکه در دادر مشترک با مردم است.

ما هوای تازه‌ای در نظام جمهوری اسلامی هستیم. آندامیم باید که کشور و مردم سلام دیگری بگیریم و کار با خدمت به مردم و فدا شدن برای آنها خواهد بود، ما از پدرانمان فدا شدن را آموختیم و این را حتی به نسل‌های بعد از

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

عرف و غیرت خدایی باعث شد که آرامش و امنیت برای مردم حاصل شود، در حالی که به خوبی می‌دانید در آن دوران همه دنیا مقابل ما ایستاده بودند.

«در این مقطع سوزالی که مطرح می‌شود این است که آیا هدف اصلی این ائتلاف، انتخابات شورای شهر است ؟

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

کنیم بار دیگر شرایط به همان شکل گذشته باشد.
فرزندان شهدا امروز جبهه‌ها، جنگ‌ها و خاک‌ریزها متفاوت است، اما ما فرزندان کسانی که شهدا به خاک‌ریزها، جنگ‌ها و مردم را خوب می‌فهمیداند.

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:

مهدی باقری و محمد مهدی تندگویان دبیر و عضو ائتلاف:



ادب و هنر

سه شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲
شماره ۲۵۵۹۷

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

دنيا چو حباب است، وليكن چه حباب؟
نى بر سر آب، بلكه بر روى سراب
و آن نيز سرابى كه بينند به خواب
آن خواب چه خواب؟ خواب بدمست خراب



◀ محمد رضا حیدرزاده

نویسندگان زن ایرانی و آلمانی دور یک میز

می نویسم چون زن شصتم

وجود ندارد. می خواهم بدانم آیا واقعاً چنین است؟
بونینگ در پاسخ به وفی گفت: تا همین چندى پیش،
منتقدان زن نویسندگان زن در آلمان می گفتند که شما نباید
مادر شوید، چون دیگر نخواهید توانست به نویسندگى در
این سطح اشتغال داشته باشید. اما در ده تا پانزده سال اخیر،
زنان ما تلاش می کنند که هم نویسنده باشند و هم مادر. در
این زمینه در حال رسیدن به اشتراکات جهانی هستیم.
بلقیس سلیمانی بیان این که تصور من از ادبیات
آلمان، تا جایی که ترجمه شده و خوانده ام، این است که
ادبیات آلمانی در سال های بعد از جنگ، ادبیاتی اجتماعی
بوده است؛ اما نویسندگان جدید دنبال فضاهای شخصی و
فردی هستند، پرسید: آیا به طور کلی نویسنده های آلمانی
مسائل اجتماعی دوری می کنند و به حوزه فردی روی
آورده اند؟

بونینگ در پاسخ به سلیمانی بیان این که فردیت یکی
از موضوعاتی است که امروز سراسر جهان به آن توجه دارد،
یادآور شد: فرد در حال مبارزه است. فرد در پی حفظ فردیت
و هویت خودش است.

بافت اجتماعی می خواهد یک هویت گروهی را به فرد
تحمیل کند، اما فرد زیر بار نمی رود. صحبت کردن از تصمیم
فردی، انتخاب فردی، باورها و اعتقادات فردی، به نوعی
مبارزه است؛ مبارزه و جست و جو، مبارزه برای جست و جوی
هویت فردی و تلاش برای حفظ آن.

وی بعد از پاسخش از سلیمانی پرسید: دوست دارم بدانم
وقتی شروع به نویسندگی کردید، رفتار خانواده تان با شما چه
تغییری کرد؟

سلیمانی جواب داد: من با هیچ واکنش منفی روبرو نشدم.
زنها در ایران بعد از قرن ها مدتی است این امکان را یافته اند که
بگویند چه کسی هستند. این امکان از طریق نوشتن یا سایر
کارهای هنری، نظیر سینما، پدید آمده است. خوانندگان هم
از طریق خواندن کتاب های نویسندگان زن در پی این هستند
که بدانند زن کیست؟ پس ما می نویسیم تا بدانیم زن کیست
و مخاطبان مان هم کتاب های ما را می خوانند تا باز بدانند زن
کیست؟

بقیه در صفحه ۲

و فقط با یک واسطه میسر می شود. این را داشته باشید تا به
موقعش ثابت کنم!

برای شرکت در اولین شکر خند سال ۹۲، مردم
بلیت های ۲ هزار تومانی تهیه کردند که قرار بود صرف
کمک به زلزله زدگان شود. باز شدن زودتر در سالن و همین
بلیتی شدن، باعث منظم تر شدن ازدحام جمعیت هم شده
بود. به هر حال، شکر خند شروع شد و رضا رفیع سخنانش را
با تیریک سال نو آغاز کرد:

«ان شاء الله به کمک مسئولان، البته اگر همکاری
بیشتری بکنند، سال خوبی داشته باشیم. در تعطیلاتی که
گذشت و من آن را به صورت یک استراحت مفصل و مطلق
در کنار والدۀ گذراندم (و البته این والدۀ با آن والدۀ سلطان
فلان سریال کذایی، از زمین تا آسمان فرق می کند!)؛ شبی در
اخبار سیمای خودمان شنیدم که گو یا لوله آبی در سویس
ترکیده است. آنجا بود که متوجه شدم مشکلات عظیمی در
دنیا وجود دارد که مایبی خبریم. و اگر بتوانیم با یک مدیریت
جهانی، آنها را هم حل کنیم، عالی می شود.

و اما این روزها زلزله وقت نشناس در این موقعیت
حساس کنونی، چند استان کشور را لرزاند که اگر کسی
ندانند، خیال می کند دست به سفرهای استانی زده است. در
همین راستا، در روزهای اخیر که زلزله ای به شدت بالای
هشت ریشتر، بوشهر و حوالی آن همچون امارات متحده
عربی را لرزاند، اخبار تلویزیون داشت استاندار سیستان و
بلوچستان را نشان می داد که درباره این زلزله به قریب به
این مضمون — می گفت: «بحمد الله به دلیل حضور بموقع
مسئولان، ما در این زلزله کمترین تلفات را داشتیم!» بله،
شدیدا درست می گویند.

بقیه در صفحه ۵

به او نزدیک شوم و بهتر بشناسمش.
فرشته نوبخت از شباهت ادبیات زنانه ایران با ادبیات
زنانه غرب سخن گفت و به ضرورت تبادل دو سویه بین
ایران و اروپا پرداخت و در ادامه گفت: من خیلی دوست
دارم کارهای ما در آنجا ترجمه و منتشر شود و فکر می کنم
آثار زنان نویسنده ایرانی، پتانسیل لازم برای ترجمه به
زبان های اروپایی را داشته باشد. به هر حال شباهت های
عجیبی بین نویسندگان زن اروپایی و نویسندگان زن
ایرانی دیده می شود. نمی دانم چرا تقاضایی از آن سو برای
ادبیات ایران نبوده است. شاید هم ما در این مورد کوتاهی
کرده ایم.

پریس در مقابل گفته نوبخت به ادبیات ترکیه اشاره
کرد و یاد آورد شد: نزدیک به شش میلیون ترکیه ای در
آلمان زندگی می کنند. تا سال ۱۹۸۸ ما فقط ادبیات موسوم
به ادبیات کارگران مهاجر ترکیه را می شناختیم، اما حالا
شرایط تغییر کرده و آثار زیادی از نویسندگان ترکیه در
آلمان ترجمه و خوانده می شود که امیدوارم این اتفاق برای
ادبیات ایران هم بیافتد.



لاریسا بونینگ به مقوله ادبیات زنانه اشاره کرد و با
بیان این که بحث این ادبیات در دو دهه گذشته در آلمان
هم مطرح شده گفت: ما موضوعات جهانی مشترکی مانند
مبارزه با تبعیض جنسیتی را برای روایت کردن در اختیار
داریم و همین اشتراک موضوع سبب خواهد شد تا بتوانیم
راحت تر وارد تبادل ادبی شویم.

فربا وفی با اشاره به این که شناخت ایرانی ها از ادبیات
آلمان به نویسندگان مرد این کشور محدود می شود، گفت:
در ایران از چند مترجم پرسیده ام که چرا آثار نویسندگان زن
آلمانی زبان را ترجمه نمی کنند و آنها پاسخ داده اند که چون
در این آثار مواردی مطرح شده که امکان انتشار آنها در ایران

شاید شما هم شنیده باشید که می گویند در این دنیا هر
آدمی را که در نظر بگیرید، حداکثر با هفت واسطه به هر آدم
دیگری که فکرش را بکنید، وصل می شود. مثلاً من و دنیل
دی لویس، باز یگر هالو بود را در نظر بگیرید. ممکن است
ایشان یک بار در خیابانی در فرانسه از کنار زنی بگذرد که آن
زن دختری داشته باشد که در ارمنستان درس بخواند و یکی
از استادان آن دختر به ایران سفر کند و در بلوار کشاورز به
برادر من برخورد! البته در شکر خند ۷۲ معلوم شد که قرابت
من و دنیل دی لویس، خیلی نزدیک تر از این حرف ها است



«رضا ناجی» بازیگر سینما و برنده «خرس نقره ای» از جشنواره فیلم برلین - مهمان ویژه شکر خند

❖ خشت اول

دیوان عمر را

دو سه روزی

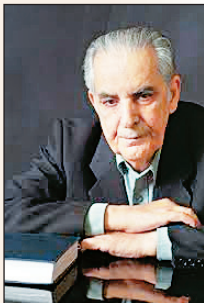
ورق زدیم



◀ اردیبهشت

ای که در مسند این ملک، ملک سان بودی
قهرمان قدر شعر خراسان بودی
شاعر و شعر پژوه و ادب آموز، اما
هنر بر تری این بود که انسان بودی

«استاد محمد قهرمان»، از شاعران و پژوهشگران
صاحبنام روزگار ما و دوست دیرین مهدی اخوان ثالث و
عماد خراسانی، ظهر روز شنبه ۲۸ اردیبهشت بر اثر بیماری
و کھولت سن در مشهد در گذشت. زنده یاد قهرمان در
دهم تیرماه ۱۳۰۸ در شهرستان تربت حیدریه - در ۱۴۰
کیلومتری جنوب مشهد (خراسان رضوی) - دیده به جهان
گشود و تا دوم متوسطه در این شهر به تحصیل پرداخت.
قهرمان دارای مدرک لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه
تهران بود و سال ها مسئولیت کتابداری کتابخانه دانشکده
ادبیات دانشگاه مشهد را بر
عهده داشت. او به زبان محلی
خراسانی هم شعر می سرود و
از غزل سرایان برجسته سبک
خراسانی بود.



استاد قهرمان به عنوان
شاعری توانا به ویژه در غزل
و قصیده و اشعار محلی و نیز
پژوهشگری توانا خصوصاً در
تصحیح متون سبک هندی از
سرآمدگان ادبیات معاصر به
شمار می رود. زنده یاد قهرمان که سال ها در مشهد به عنوان
استوانه شعر و ادب این شهر شناخته می شد، در نگاه بزرگان
ادبیات تمجید و تجلیل شده است.

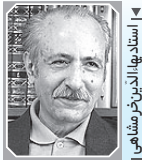
زنده یاد دکتر یوسفی در کتاب «چشمه روشن»
می گوید: «محمد قهرمان شاعری است توانا، نازک خیال،
خوش بیان و چیره دست.»

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در مورد محمد قهرمان
می گوید: «در این خصوص حتی مرحوم ملک الشعرای
بهار آن خصوصیت یک شاعر محلی را به صورت کامل، آن
گونه که قهرمان دارد، ندارد. درباره تحقیقات ادبی درباره
سبک اصفهانی نیز بعد از شادروان امیری فیروزکوهی و
گلچین معانی، هیچکس جز قهرمان نتوانسته است به این
پهنه گسترده خدمت کند.» این سخنان را شفیعی کدکنی
در مراسم نکوداشت قهرمان گفت و در همین مراسم،
کتاب های «پردگیان خیال» (ارج نامه محمد قهرمان)، «حاصل
عمر» (مجموعه شعرهای محمد قهرمان) و «شناخت نامه
محمد قهرمان» نیز رونمایی شد. به راستی که سبک هندی
در شعر فارسی را این روزها و سالها، محمد قهرمان به تنهایی
پاس داشت و اعتبار بخشید. پاسداشت او اعتباربخشی به
بخشی از فرهنگ وسیع زبان پارسی است که از
سنت های دیرینه ادب و هنر ایرانی، در وجه خلاق آن
پاسداری کرد. این شاعر علاوه بر سرایش شعر به تصحیح
آثار هم می پرداخت که از میان این آثار می توان به تصحیح
این دواوین اشاره کرد:

«دیوان صائب تبریزی» (۶ جلد) — «دیوان صیدی
تهرانی» — «مجموعه آثار ابوطالب کلیم همدانی» — «دیوان
حاج محمد جان قدسی مشهدی» — «دیوان ناظم هروی» —
«دیوان دانش مشهدی» — «دیوان میلی مشهدی» — «منتخبی
از غزلیات طغرای مشهدی»

— برگزیده ای از شعرهای سخن سرایان سبک هندی به
نام: «صیادان معنی» مجموعه «رنگین گل» (منتخب مختصری
از اشعار صائب)، «خلوت خیال» (مجموعه ای شش هزار بیتی از
اشعار برگزیده صائب) و همچنین کتاب های «مدایح رضوی»
و «گلشن کمال» (مجموعه اشعار احمد کمالپور).
مجموعه اشعار «حاصل عمر» و «روی جاده ابریشم شعر»
نیز از دیگر آثار زنده یاد استاد قهرمان است که گردآوری و
منتشر شده است. همچنین مجموعه شعرهای ترتبی وی (که)
ناب ترین و محلی ترین شعرهای لهجه ای و بومی منطقه
تربت حیدریه یعنی ولایت زاوه را در بر می گیرد) با نام
«خدی خدای خودم» از او به یادگار مانده است.

بقیه در صفحه ۲

کژتابی‌های
ذهن و زبان

استادها اندین و شاه‌ها

در یکی از روزنامه‌های صبح تهران (اوایل تابستان ۸۲) عنوان مقاله‌ای چنین ترجمه شده است: «فایده‌باوری؛ برای آن و علیه آن» احتمالاً عنوان اصلی این مقاله چنین بوده است:

«Utilitarianism, for and against»

که ترجمه‌اش می‌شود: «آراء و اندیشه‌های موافق و مخالف با فایده‌باوری»، یا ترجمه مکانیکی ولی درستش می‌شود: «له و علیه فایده‌باوری» یا «فایده‌باوری؛ موافقت و مخالفت با آن».

در کتاب ماه وژۀ ادبیات و فلسفه در یکی از شماره‌های اخیرش در یک مقاله انتقادی درباره یکی از قهرمانان کتاب مورد نقد می‌نویسد: «سرانجام با نوشتن یک نامه خودکشی می‌کند»، که کژتابی‌اش در این است که گویی نامه، عامل یا آلت خودکشی است. قیاس کنید با: سرانجام با نوشیدن یک قهوه مسموم خودکشی می‌کند.

کلمه «significant» انگلیسی که از ریشه «sign» به معنای نشانه/ نمود/ نماد است دارای دو معنای اصلی است: (۱) معنی دار (۲) معتنا، مهم، ذی‌ربط. در یکی از نشریات با پزشک متخصصی مصاحبه‌ای شده بود و در مصاحبه آمده بود که: «ما به دلیل ... همچنان فاصله معنی داری در همه حوزه‌ها و از جمله پزشکی، با جهان توسعه یافته داریم». فاصله فی حد نفسه نه دارای معناست نه بی معنی. عوامل دیگر است که آن را مهم یا بی اهمیت می‌سازد.

همچنین در مقاله‌ای همچنان در مصاحبه با یک پزشک متخصص در یکی از نشریات آمده بود: «ولی همسر به خاطر اشتراک فکریش مرا باور نکرد و همراه و همقدم من در بازگشت شد». در انگلیسی «tobelieve» با اسم ذات و معنی می‌آید. اما در فارسی باور کردن فقط با اسم معنی می‌آید. ضمناً باور کردن با باور داشتن فرق دارد. ما خدا را باور داریم یا به خدا باور داریم، اما باور کردن خدا مصطلح نیست.

گرچه یکی از حرفه‌های کثیرالاضلاع و بلکه دوزنقه بنده طنز است، اما هنوز حرفه‌ای نیست و شنونده هم که عاقل است و برای بیان حقیقت و ره‌روان طریقت، این تسلی‌خاطر را برای خود ساخته‌ام که: «طنز کمرنگ بهترین طنز» است.

خاصیت طنز، اگر خاصیتی داشته باشد (اندکی این جمله‌ام کژتاب شد)، این است که انقباض عضلات و مفاصل مغز را به بسط (نسخه بدل: بست) و انبساط روحی تبدیل کند. طنز، طبع لطیف می‌خواهد (از خواننده یا نویسنده؟) و در این سلسله مقالات که هر جمله و پاراگرافش یک ساز می‌زند، دنبال ضبط و ربط نباشید. خلاصه «گوهری دارم و صاحب‌نظری می‌جویم» که به او باز هم از قول حافظ بگویم: «قلب اندوده ما را بزن اکسیر مراد».

حرف از قلب به میان آمد. این بنده شاید تاحال دو بیست عبارت یا جمله‌ام مقلوب ساخته باشم که تعدادی از آنها در مقاله‌های پیشین نقل شد و تعدادی هم حالا و سپس به امید این که دسته فیش‌های مربوط به این مقوله را پیدا کنم، پروودن در مقابل کتاب فلسفه فقر مارکس، کتاب فقر فلسفه را نوشته بود. و یکی از افاضل هند در ردّ فرهنگ معروف برهان قاطع، قاطع برهان را.

من خود کتابی دارم به نام «جهان غیب و غیب جهان». درباره یکی از روحانیان پیوسته به مخالفان که علیه جمهوری و حکومت اسلامی ایران سخن‌پراکنی و دهن‌فرسایی می‌کرد و در یکی از حرفه‌های ادعا کرد که «مرجع تقلید» است، بلافاصله گفتم او «تقلید مرجع» است. از همین یا شبیه همین مقوله است که مرحوم راشد درباره مرحوم فلسفی گفته بود: او خوب حرف می‌زند، من حرف‌های خوب می‌زنم. یا درباره بعضی (همان اکثریت قریب به اتفاق) وکلای دادگستری به مزاح گفته‌اند: وکیل عدلیه ممکن است حرف مفت بزند، اما مفت حرف نمی‌زند!

چندی پیش هم بر یک کتاب شعر خوب مقدمه‌ای نوشته بودم و نام آن را گذاشته بودم: «ساده‌تر از زندگی و زنده‌تر از سادگی». چندی پیش مقاله‌ای نوشته بودم به نام «زورمند کردن قانون یا قانونمند کردن زور». گویا قبلاً هم گفتم که مدت‌ها پیش در پاسخ نظرخواهی یکی از روزنامه‌ها که فی‌المثل مربوط به تشکیل پلیس محله یا نظیر آن بود، مطلب کوتاهی تلفنی گفتم و خبرنگار نوشت و عنوانش را چنین گذاشتم: «اما پلیس اجتماعی می‌خواهیم، نه اجتماعی پلیسی».

ادامه دارد

دیوان عمر را ده‌ست روزی ورق‌ها زدیم



بقیه از صفحه اول

انجمن ادبی استاد قهرمان در مشهد، همواره یکی از محافل شاخص شعری و ادبی خراسان و بلکه کشور شناخته می‌شد و به قول استاد شفیع کدکنی، جلسه ادبی استاد قهرمان، یک دانشکده ادبیات واقعی است. در دوران حیات این استاد، چند مراسم نکوداشت برگزار شد که به همین مناسبت‌ها آثاری چون «شناخت نامه محمد قهرمان» تألیف رضا فضلی و نیز «پردگیان خیال» منتشر شد. همچنان که گفته آمد، محمد قهرمان از دوستان صمیمی مهدی اخوان ثالث بود و شرح این دوستی در کتاب

«ده نامه از مهدی اخوان ثالث» آمده است.

استاد قهرمان در آموزش و پرورش شاگردان و شاعران خراسانی، سهم بسزا و درخور ستایشی داشت. خانم فرشته خداینده که از همشهریان و شاگردان و شاعران علاقه‌مند به استاد و آموختن از محضر وی بود، وقتی تلفنی در گذشت استاد را با بغض و گریه خبر داد، گفت: «این آخرین پیامک استاد قهرمان برای من در آخرین روزهای بیماری‌اش بود، با همان لسان و لهجه شیرین خراسانی و ترتی: دخترم سلام! سر سوزنی بهترم.... درد به خروار می‌آید! و به منقال مره! می‌رود!».

واکاوی ترانه‌ای ایران، ای مرز پر گهر - قسمت دهم



حسن قراقرند

گشود و تجربه‌های جدیدی از موسیقی ایرانی با نامهای موسیقی گل‌ها، برگ سبز و شاخه گل‌های رادیو را تجربه کرد.

علیرضا قربانی در بسیاری از فستیوال‌های مهم موسیقی در نقاط مختلف دنیا به اجرای برنامه پرداخته و از سال ۱۳۷۸ نیز به عنوان خواننده ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی به اجرای برنامه‌های متعدد در داخل و خارج از کشور مشغول بوده است.

آلبوم موسیقی «اشتیاق» که اولین اثر ارکستر موسیقی ملی ایران است، با آهنگسازی فرهاد فخرالدینی و صدای علیرضا قربانی عرضه شده است. وی در تیتراژ بسیاری از سریال‌های تلویزیونی از قبیل: کیف انگلیسی، شب دهم، روشن تر از خاموشی (ملاصدرا) و مدار صفر درجه خواننده است.

آلبوم موسیقی «از خشت و خاک» به آهنگسازی صادق چراغی و همچنین آلبوم «فصل باران» به آهنگسازی مجید درخشانی، آلبوم «سوگواران خموش» به آهنگسازی پژمان طاهری، آلبوم «روی در آفتاب» به آهنگسازی صادق چراغی، آلبوم «رسوای زمانه» به آهنگسازی همایون خرم، آلبوم «سرو روان» به آهنگسازی علی قمصری و آلبوم «سمفونی مولانا» به آهنگسازی هوشنگ کامکار از دیگر آثار علیرضا قربانی است.

این چند شماره که تقدیم شد، نتیجه تلاش‌ها و پژوهش‌هایی بود که در باب سرود ملی و تاریخی «ای ایران» انجام گرفت و ان شاء الله در سر دارم تا در فرصت‌های بعد به سراغ ترانه‌های قدیمی و خاطره‌انگیز دیگری بروم.

ضبط صدا با ارکستر رادیو تلویزیون ملی ایران را انجام داده است. وی در سال ۱۳۶۷ از طرف شورای عالی ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشان درجه یک هنری به او اهدا شد و در حال حاضر تدریس آواز کلاسیک را به عهده دارد.

علیرضا قربانی

«علیرضا قربانی» که بیشتر با خواندن آهنگ سریال «شب‌دهم» مشهور شد؛ یکی دیگر از خوانندگانی است که بارها سرود «ای ایران» را به خوبی اجرا کرده است و آخرین اجرای سرود ای ایران با صدای او در مراسم جشنواره اختتامیه شعر فجر سال ۱۳۹۱ بود که در تالار وحدت و به صورت زنده اجرا شد.

علیرضا قربانی ۱۵ بهمن سال ۱۳۵۱ در تهران به دنیا آمده و از دوران کودکی به مدت چندین سال به فراگیری هنر قرائت قرآن نزد استادان مختلف پرداخت و در این راه موفق به کسب مدارج مختلف شد. قربانی از آنجا که تصنیف‌های قدیمی را از کودکی با علاقه فراوان می‌خواند، با موسیقی اصیل ایرانی آشنا شد و از سال ۱۳۶۳ به طور جدی به فراگیری ردیف آوازی، تلفیق شعر و موسیقی، بینش و زیبایی‌شناسی در آواز ایران همت گمارد.

وی در این راه از محضر استادانی چون: خسرو سلطانی، بهروز عابدینی، مهدی فلاح، دکتر حسین عمومی، احمد ابراهیمی و رضوی سروستانی بهره‌مند شد. آشنایی و معاشرت وی با استادان علی تجویدی و فرهاد فخرالدینی، دریچه‌های جدیدی از دنیای موسیقی ایران را به روی وی

و با ترانه «برقص» و «گل کو، گلاب کو؟» از ساخته‌های جهانیش پازوکی معروف شد و از سوی خوانندگان تالار رودکی در آن زمان مورد انتقاد شدید قرار گرفت. با این حال او یکی از خوانندگانی است که از پس اجرای سرود «ای ایران» به خوبی برآمد و نواری از صدای او در این زمینه باقی است.

از فریدون فرهی سالهاست اثری تازه منتشر نشده و اکثر هنرمندان و دوستانش خبر چندان‌ای از او در دست ندارند.

رشید وطن دوست

خواننده دیگری که بارها به خواندن سرود ای ایران نیز پرداخت، رشید وطن دوست بود که طی ۳۴ سال گذشته بسیاری از

سرودهای ملی و حماسی کشورمان به زبان فارسی و ترکی را با صدای او شنیده‌ایم. وطن دوست در اسفند سال ۱۳۴۴ در شهر تبریز به دنیا آمد و پس از اخذ دیپلم در تبریز به تهران عزیمت کرد و در آنجا مشغول به کار شد. پس به توصیه منوچهر بیگلری در آزمونی شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن و گذراندن دوره سلفژ، سه سال زیر نظر «میکل کازاتو» استاد آواز ایتالیایی، به ترتیب به تکمیل صدا و فراگرفتن فنون آواز کلاسیک پرداخت. سپس در حدود سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ به استخدام اپرای تهران درآمد و در اپراهای مختلف نقش‌هایی را بر عهده گرفت.

او در حدود بیست سال سولیست (تکخوان) ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حشمت سنجر، حدود ده سال سولیست ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی و همچنین سولیست ارکسترهای دیگر بوده و

نویسندگان زن ایرانی و آلمانی دور یک میز

می نویسم چون زن هستم...

یا این اتفاق قبل از انتشار کتاب‌هایتان می‌افتد؟

سلیمانی جواب داد: هر دو. این اتفاق هم خودآگاهانه روی می‌دهد و هم ناخودآگاهانه. متأسفانه سیر نقادی در ایران طوری بوده که همه دوست دارند به نوعی دنبال جای پای نویسنده در اثرش باشند. رسانه‌ها، حتی معروف‌ترین‌هایشان هم می‌خواهند بگویند کتاب‌ها به نوعی زندگینامه شخصی نویسنده هستند.

پریس ضمن تأیید گفته سلیمانی، گفت: ما هم با این مسأله درگیریم و می‌شود گفت رسانه‌ها در همه جای دنیا دنبال یک چیزند. بونینگ پرسید: شما به عنوان نویسنده تا چه حد توانسته‌اید با مخاطبان‌تان رابطه برقرار کنید؟

سلیمانی جواب داد: در میان مخاطبانم کسانی هستند که بیشتر با من احساس قربانیت دارند؛ اینها بیشتر همسن و سال‌های خودم هستند. سلیمانی به تصور غربی‌ها از ادبیات شرق اشاره کرد و یادآور شد: باور من این است که وقتی غربی‌های می‌خواهند آثار ما را ترجمه کنند، دنبال بخش‌هایی هستند که ادامه همان هزارویک شب باشد. یعنی آنها ما را به عنوان نویسندگان امروزی نمی‌شناسند و هنر ما را به عنوان هنر مدرن نمی‌پذیرند.

زمانی مشاور یکی از مؤسسه‌های انتشاراتی انگلستان به ایران آمد و بود و برای ترجمه به انگلیسی در حال بررسی کتاب‌های معاصر بود. در نهایت اثری با ویژگی‌های جادویی را انتخاب کرد. آن اثر، آیین ادبیات امروز ایران نبود. به نظر می‌رسد توقع خواننده غربی این است که نویسنده ایرانی، همان نقش شهزاد را ایفا کند. به نظر شما آیا



بقیه از صفحه اول

مردان ما مقوله نویسندگی زنان را پذیرفته‌اند؛ اما باز بعضی نویسندگان زن نمی‌توانند درباره موضوعات دلخواهشان بنویسند؛ چون این شبانه پیش می‌آید که گویا نویسنده همواره در حال روایت خودش است. من از شرایط کشورهای دیگر مطلع نیستم، اما خیلی از نویسندگان زن در ایران به من گفته‌اند که خیلی مسائل را که می‌شود نوشت، نمی‌نویسند؛ چون از قضاوت خانواده یا خوانندگان‌شان هراس دارند. مخاطب فکر می‌کند نویسنده در حال نوشتن تجارب شخصی است. بنابراین فرهنگ و اجتماع، یک نوع ممیزی را اعمال می‌کند که چیزی است فراتر از ممیزی اعمال شده توسط دستگاه‌های ناظر.

بونینگ پرسید: آیا حین نوشتن هم خودتان را ممیزی می‌کنید



محمدرضا احمدی

برداشت من درست است؟ پریس ضمن تأیید گفته سلیمانی به تجربه شخصی خود اشاره کرد و گفت: واقعیت همین است که گفتید. به هر حال موضوع فروش کتاب برای ناشر مطرح است و نمی‌خواهد به سادگی آن را از دست بدهد. من کتابی دارم با نام «استانبول». ناشر مدام از من می‌خواست تصویر مسجد یا سایر نمادهایی را که برای مخاطب غربی نشانه مشرق‌زمین است، روی جلد بکنجانیم. من مخالف بودم؛ اما در نهایت این جنبه اقتصادی است که غالب می‌شود. بونینگ به عنوان آخرین نکته پرسید: آیا نویسندگان زن ایرانی، دور هم می‌نشینند و جلسات ویژه‌ای دارند؟

سلیمانی پاسخ داد: ما یک جلسه خوانگی داریم که با حضور ۱۵ تا ۲۰ نویسنده زن تشکیل شده برگزار می‌شود. من با دو گروه دیگر از زنان هم جلسه دارم که نشست‌های آنها هم خانگی است؛ اما حالت کتابخوانی دارد. اینها کتاب یک نویسنده را می‌خوانند و از او برای نشست‌شان دعوت می‌کنند. در نشست «یک زبان، سه سرزمین»، ارزولا پریس، لاریسا بونینگ و برونو پیزک از کشورهای سوئیس، آلمان و اتریش به همراه سعید فیروزآبادی استاد زبان آلمانی، ضمن دیدار و گفتگو با مخاطبان ایرانی و فارسی‌زبان، داستان‌خوانی هم کردند که شرح و بیان‌ش مجالی دیگر می‌طلبد.



پس از آن که همسایگان جنوبی

کشورمان تنها به مصادره شخصیت های فرهنگی و علمی کشورمان بسنده نکردند و در صدد مصادره نام خلیج

دوستی و عرق به آب و خاک سرزمینمان، تقویت روحیه ملی را نیز موجب شود.

در همین راستا موسیقیدانان، نوازندگان و خوانندگان پیشگام این حرکت ملی-فرهنگی شده اند و با اجرای



موسیقی (کنسرت) در آن نقش پررنگی دارند. با این که آنچنان قدمتی این رویداد فرهنگی ندارد و با بودجه و توان مستقل و خصوصی برگزار می شود؛ اما برای توسعه و گسترش آن می توان راهکارهایی داشت تا انتظاری که از نام بزرگ خلیج فارس می رود، فراتر از دو سه کنسرت محدود به شهر تهران گردد و هنرمندان طراز اول را نیز با خود همراه دارند.

«لیان» نام قدیمی سرزمین بوشهر، گروهی بود که شبیه

همیشگی فارس نیز برآمدند، که البته با اعتراض و خشم عمومی ایرانیان سرتاسر جهان مواجه شدند، گرآمداشت آب و خاک سرزمینمان بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

به همین دلیل دو سه سالی هست که به مناسبت دهم اردیبهشت ماه، روز ملی خلیج فارس (روزی که سربازان شاه عباس، پرتغالی ها را از تنگه هرمز و خلیج فارس اخراج کردند و بر منطقه حاکمیت دوباره یافتند) برنامه هایی برگزار می شود تا ضمن گرامی داشتن وطن

در حاشیه کنسرت های بزرگداشت روز خلیج فارس

کوچکتر از نام بزرگ خلیج فارس



۲۸ اردیبهشت ماه در تالار وحدت به اجرای موسیقی بومی بوشهر پرداخت. اگرچه «محسن شریفیان» نوازنده نی انبون و سرپرست گروه، تمام تلاش خود را به کار برده بود که کنسرتی در خور به اجرا درآورد، اما نمی توان

متذکر این نکته نشد که چنین کنسرت پرچنب و جوشی، مناسب اجرا در فضای باز و سالن های بدون صندلی است و با تالار وحدت که به منظور اجرای اپرا و ارکستر طراحی شده و همگان در سکوت مطلق فرامی روند، سازگار نیست!

ای بسا مخاطبانی که به این گونه کنسرت های پر شور و شغف می روند نیز به علت حصار صندلی در عذاب باشند و تنها به فریادهای از سر شوق و نشاط بسنده کنند. با تمامی ضعف ها و کاستی های این اجرا، حرکت گروه در بالا بردن نوع نگاه به موسیقی فولکلوریک و ترویج آن در نظر مردم و مدیران فرهنگی ستودنی است.

گروه دیگری که ۲۱ اردیبهشت به مناسبت بزرگداشت روز ملی خلیج فارس به اجرا پرداخت، گروه وزیری به سرپرستی کیوان ساکت و خوانندگی سالار عقیلی بود. از آنجایی که در اشعار انتخابی، کمتر مایه های ملی دیده می شد، با سوژه خلیج فارس و ملی گرایی همراستا نبود؛ اما اگر به تلاشها و تمرینات گروه، زمان بیشتری تخصیص داده می شد تا هماهنگی بهتری بیابند و خواننده نیز در کمال آمادگی خود به سر می برد، اجرای خوبی به مخاطبان هدیه می شد و انتظار مخاطبان را از صدای سالار عقیلی برآورده می ساخت.

با حضور دو موسیقیدان نواحی خراسان در میانه کنسرت که به مقام خوانی پرداختند، ناخوایسته موسیقی نواحی در مقایسه با موسیقی شهری ردیف-دستگاهی قرار گرفت که به جای تحسین هر دو نوع موسیقی، موضع گیری مخاطبان را به دنبال داشت و شایسته بود که جایگاه قضاوتی برای مخاطبان فراهم نشود تا یکپارچگی ملی گرایانه به جهت روز ملی خلیج فارس بیشتر جلوه پیدا کند.

معرفی «ضدحالات»، نوشته های طنز سعید بیابانکی / مروری د / ۹۱

یک قاشق مرباخوری طنز + یک پیمانه نمک

اندر حکایت شاعری، حافظ + من و سه شعر طنز. برای معرفی سعید بیابانکی، عنوان طنز پرداز، کافی است. هر چند سعید بیابانکی، طنز را جدی دنبال نمی کند. او بیشتر به غزل معروف است، اما حضور جدی اش در برنامه های طنز رادیویی و ستون های طنز و شب های شعر طنز ضروری است. چرا که طنز در بخش مکتوب به افراد خوشفکری چون او نیاز دارد. هر چند نهادهای فرهنگی وقعی به معرفی طنزهای برتر نداشته باشند و در هر جشنواره ای، بویژه در بخش کتاب سال، خبری از طنز و کتاب طنز نباشد!

به نمونه های طنزی از این مجموعه نظرتان را جلب می نمایم. * مدتی بود که در صدا و سیما رفته بودم جلوی دوربین و برنامه داشتم. یک روز یک نفر در خیابان پرسید شما چه جوری رفتید صدا و سیما؟ گفتم: اتوبوس های تجریش را سوار می شوم و نزدیک صدا و سیما پیاده می شوم!

* پسر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت / من یکی با نظرش سخت موافق هستم

* مدعی خواست که آید به تماشگاه راز / خانمش زنگ زد و گفت شلوغ است نرو

* مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / پرچم شوری آمد به نظر بی چکش!

* چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی / ولی افسوس که گشت آمد و ما در رفتیم!

* به سر جام جم آنگه نظر توانی کرد / که دیش گنده خود را کمی بچرخانی

* چند سالی بود که شعر می گفتم و هنوز شعرم را جایی نه می خواندند، نه چاپ می کردند. از دانشگاه که آمدم خانه مادرم گفتم: امروز یکی از شعرهایت را از رادیو خواندند. من که کلی ذوق کرده بودم، پرسیدم: اسمم را هم گفت؟ مادرم گفت نه. پرسیدم پس از کجا فهمیدید شعر من است؟ گفتم: بوی جوراب های تو را می داد! [از تعویض جوراب ها معذرت می خواهم سعید جان!]

* برای سعید بیابانکی و ارواح طیبۀ تمام درگذشتگان عرصۀ طنز امروز و دیروز، سلامتی و شادی روح آرزو مند! امید که نهادهای فرهنگی، زحمات بانیان برنامه های طنز در صدا و سیما و مطبوعات و فرهنگسراها را ارج نهند و در گسترش مراکزی چون «دفتر طنز حوزه هنری» و «شب شعر شکر خند» رضا رفیع در فرهنگسرای شهرداری تهران و «صبح جمعه رادیو» که در خدمت نشاط جامعه اند، با حمایت های اصولی و پولی خود بکوشند. شب بخیر!

تبری)، «قولی اوش پیلته» (غلام سر فتیله)، «چکوش که ایبی» (ابراهیم ملخ) و... حالا من اینها را نوشتم تا ثابت کنم که ایران پایتخت طنز جهان است. آن هم از نوع طنز بدخیم سخت پوست! ایرانی جماعت به هر چیز نمی خندد، چون از هوش بالایی برخوردار است و اگر لطیفه ای نقطه طلایی داشته باشد، تمام نشده، از خنده غش می کند. یادآوری این نکته لازم است که این روح حساس، به همان سرعت که می خندد، به همان سرعت نیز گریه می کند و این از عجایب خلقت است.

هنوز که هنوز است، فهرست کاملی از طنز پردازان تاریخ ادبیات در دست نداریم. از سوزنی و عبید تا دهخدا معرف حضور است. از خیل خنده سازان تاریخ این ملت صبور خبری نداریم. بگذریم از کسانی با عناوین دلچک و تلخک و سیاه و دیوانه های مصلحتی و ظرافت چی های محلی و بذله گویان محفلی... یادمان باشد که اگر این روحیۀ قوی طنز پرداز را نداشته ایم، معلوم نبود چه بلایی بر سر ما می آمد. طنز در هر لباسی آمده است تا زندگی را قابل تحمل کند. روح لطیف ایرانی شاداب تر از همیشه اگر دیده می شود، به خاطر پیشینه طنز در بین اقوام مختلف است.

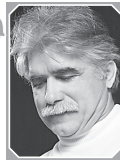
ردپای طنز را هنوز هم در تمام شئونات زندگی ایرانی می بینیم. حتی در مجالس عزا و روضه و سر قبر!... پس نتیجه می گیریم که طنز چیز خوبی است! برای سلامتی و بهداشت روانی افراد لازم است و باید از طنز و طنز پرداز و هنرمندان طنز اندیش حمایت شود تا جامعه ای بانشاط و سالم و پاک داشته باشیم. آنچه طنز پردازان ارائه می کنند، رسیدن به زندگی متعالی است و بریدن از زشتی ها و پلشتی ها و ریاکاری و دروغ.

هر کتابی که با عنوان طنز منتشر می شود، چه به شعر و چه به نثر، باید تشویق شود. طنز، تنها یار صادق و دلسوزی است که خیانت نمی کند. انتشارات دیرپای مروارید که در زمینه انتشار کتاب های طنز از شهرت بسزایی برخوردار است، این روزها (یعنی حوالی نمایشگاه بین المللی کتاب) چندین کتاب طنز منتشر کرده است که «ضدحالات» از شاعر و طنز پرداز اصفهانی الاصل جناب «سعید بیابانکی»، یکی از آنهاست.

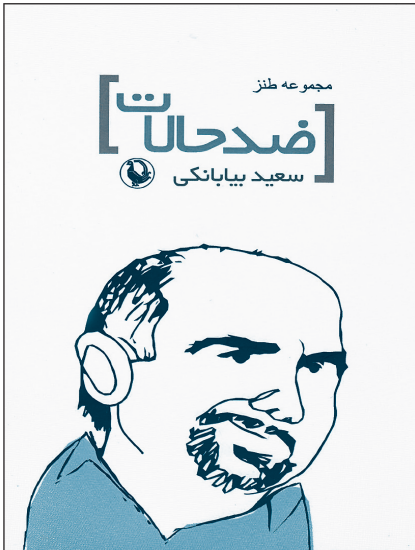
سعید خود یکی از بازیگران صدای طنز شریف در رادیو ست و در محافل بیشتر به غزل های محکم و آبدار معروف است. امید که شعرهای طنز ایشان را نیز در مجموعه مستقلی بینیم و لحظات خودمان را غرق در لذت تفکر و لبخند کنیم.

«ضدحالات» مجموعه ای از نوشته های کوتاه طنز آمیز است که اغلب رادیویی است و بیشتر در ستون های طنز مطبوعات چاپ شده است. به انضمام:

نگاه پیمانه



✎ اکبر اکسیرا



همین طور که راه می روی، طنز بی پرده از در و دیوار در تجلی است یا اولوالابصار! پادوی مغازه ای در بازار چه ساحلی فریاد می زند: «مال حاجیه، حراجیه، بیا که تموم شد جوراب ضد گلوله!»

تابلوی کوچکی روی پای گدای کوری وسط پیاده رو میخکوبت می کند: «امروز، روز قشنگیه اما حیف که من نمی بینم!» در سپر پیکان قراضه ای می خوانی: «بر چشم بد لعنت!» روی شیشه پوشاک فروشی می خوانی: «به یک فروشنده زن نیاز مندیم» در مکالمات روزمره تا لب و ما می کنی، حرفی از دهانت می پرد که ایهام دارد. به ویژه اگر استارایی باشی و به زبان شیرین ترکی حرف بزنی، هر کلمات دو معنی دارد و گاه سه معنی همزمان (ایهام سوبله!).

قیافه مردم را اگر خوب دقت کنی، از نوع راه رفتن، پوشش و آرایش طنز می بارد. در حیوانات راز بقا (زمینی و هوایی و دریایی) قیامتی برپاست. یکی ۵ متر گردن دارد، یکی اصلا ندارد، یکی نوکی شبیه قابلمه مادر بزرگ دارد، یکی دماغی شبیه شیلنگ. در هر خانواده اقلا یک نفر بذله گوی بگو بخند و اهل جوک و متلک هست. خلاصه می خواهم ثابت کنم که ایرانی جماعت در نعمت طنز غرق است و اصلا دنیای امروز، طنز انداز است. در هیچ کشوری به سرعت ایران عزیزمان شوخ طبعی و طنز برای مسائل مختلف جامعه اس ام اس نمی شود. در زمان قدیم نیز لقب خنده دار افراد، شناسنامه فرد تلقی می شد. هنوز در شهر ما از این نفرات موجودند و با همان القاب زندگی می کنند. «شمی بالتادیم دیک» (شمس الدین نوک

✦ گفتگو

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



✦ گفتگو از: کریم فیضی

خط دایره وار

* آقای دکتر دینانی! ما در جلسه قبل رسیدیم به این بیت که شیخ شبستری می فرماید: یکی خط است از اول تا به آخر

بر او خلق جهان گشته مسافر

با توجه به اینکه در این بیت، مبحث تازه ای طرح می شود که ارتباطی به بحث های قبلی ندارد، این بیت و مضمون و مفهوم آن را به صورت پرسش طرح می کنم که مراد از خط چیست و این چه خطی است که از اول تا آخر امتداد دارد و خلق جهان، مسافر آن هستند؟

- به یک معنی همانطور که شما هم اشاره کردید، در این بیت و ابیات بعدی، لحن عوض شده است. به یک معنی هم، سخن در ادامه مباحث قبلی است. شبستری در اینجا خطی را فرض می کند، با آغاز و پایان. هر خطی، دارای اول و آخر است. نمی توان خطی را تصور کرد که اول و آخر نداشته باشد، سخن در این است که خطی که اول و آخر داشته باشد، باید دوری باشد و دایره وار.

* یعنی خط مستقیم، یا آغاز ندارد، یا پایان ندارد. - بله، خطی که مستقیم باشد، لزوماً آخر ندارد. خطی که در طول زمان به صورت مستقیم ادامه پیدا کند، آخرش کجاست؟

* در این فرض، آخری قابل تصور نخواهد بود، ولی سؤال این است که اگر خطی مداوم نداشته باشد، آیا آخر خواهد داشت؟

- خطی که مداوم نداشته باشد، متوقف است و هر کجا که توقف کند، همانجا آخرش است. پس خطی که امتداد نداشته باشد. پایان دارد و لحظه توقفش نقطه پایانش است. سؤال این است که خطی که پیوسته در حال حرکت باشد و همواره در حال ادامه باشد، آخر دارد یا ندارد؟

* ظاهر این است که خط مداوم و جاری، همچنان در جریان خواهد بود، تا برسد به آغاز خودش که در این صورت دایره ای را تشکیل خواهد داد، مرکب از آغاز و پایان.

- مسئله همین است و کمتر کسی به این نکته توجه می کند. پس خط اگر مستقیم باشد و همیشه در حال حرکت باشد، آخر نخواهد داشت. اگر ما امتداد خط را در زمانی متوقف نکنیم و آن همچنان ادامه داشته باشد، تا کجا خواهد رفت؟ آیا می توان پایانی برایش در نظر گرفت؟ * طبیعتاً نه، و اگر خطی دارای آغاز و انجام باشد، لزوماً دایره و کروی خواهد بود! اجازه بدهید پیرسم چرا چنین است؟ آیا اقتضای قواعد چنین است یا ما چنین چیزی را مفروض و مسلم می پنداریم؟

- قاعده هستی این است که خط در صورت مداوم، دایره ای باشد، مرکب از دو قوس. شما اگر پرگار بردارید و سر آن را در یک نقطه قرار بدهید و خط بکشید، یک دور که بزنند، به جای اول خودش بر خواهد گشت و این یعنی آخر خط، اول خط! اما اگر خط را به صورت مستقیم بکشید، بی آخر خواهد بود. پس خطی که اول و آخر دارد و شیخ شبستری چنین خطی را تصور می کند، دایره وار است.

* اگر این تفسیر را درست و بی اشکال ارزیابی کنیم، باید قبول کنیم که این سخن بر اساس هیئت بطلمیوسی است که طبل بطلانش قرن هاست به صدا در آمده است.

- چون ما بناسبت متن گلشن راز را تفسیر کنیم، باید گوشه چشمی به هیئت بطلمیوسی داشته باشیم. در هیئت بطلمیوس مبنای این بود که افلاک دایره وار حرکت می کنند. به اعتقاد من این سخن درست است و کهکشانشا به صورت دایره وار دور خودشان می چرخند. اگر هستی را یک جریان به شمار بیاوریم، باید به حرکت دایره ای آن اعتراف کنیم. در اینجا بحث کوکب و ستاره نیست که لازم باشد وارد هیئت جدید بشویم ولی در بحث از مطلق هستی، اگر آن را جریان بشماریم، لزوماً حرکتش کروی خواهد بود. من از شما سؤال می کنم که آیا هستی آغاز دارد یا بی آغاز است؟

* این سؤال خالی از ابهام نیست، چون هستی یک هستی نیست. باید اشاره کنید که مرادتان از هستی، هستی مطلق است یا هستی ممکنات؟

- مرادم هستی حق یا به قول شما هستی مطلق نیست. چون هستی حق نمی تواند آغاز داشته باشد. پس محل بحث هستی ممکنات است؛ یعنی هستی عالم و به عبارت دیگر ماسوی الله! منظور من از عالم، کره زمین نیست بلکه ماسوی الله است. به این معنا که هر چه غیر خداست، عالم است.

هستی به این معنا، اگر از نقطه ای آغاز شود و به صورت مستقیم ادامه داشته باشد، پایان نخواهد داشت. البته این بحث هم قابل طرح هست که آیا می توان مستقیم را قبل از عالم فرض و تصور کرد یا نه؟ قبل از عالم نه مستقیم وجود دارد، نه منحنی.

ادامه دارد

مترجم: شبنم سید مجیدی
نویسنده: پیتربرادشاو

گذشته، فیلم حال فرهادی



شبنم سید مجیدی



سمت سمیر هم هل داده شود. چیزی که در این درام، رضایت بخش است، اهمیتی است که به عمل معذرت خواهی می دهد. بچه ها مجبور می شوند که برای خطایی که مرتکب شده اند، معذرت خواهی کنند و گر نه هادایایشان را نخواهند گرفت. سمیر به خاطر رفتارش با ماری عذرخواهی می کند و با عصبانیت می گوید که این «تأسف» به این معنا نیست که او میدان را خالی می کند. شاید این رفتار متمدانه معذرت خواهی و جبران، ما را از اشتباهات گذشته مان جدا کند و شاید باز هم تشویق به تکرار آنها شوند.

فکرمی کنم فرهادی فیلمش را با فراوانی جزئیات مرمرزانه و غافلگیری های داستانی پر نکرده و آن را به محدوده باورپذیری و معقول بودن نزدیک کرده است. اما عجب فیلم محکم و گیرایی است که تار و پودی واقعی و عقلانی دارد و از همان سکانس شجاعانه اول فیلم، خود را نشان می دهد. یعنی جایی که ماری، احمد را از فرودگاه برمی دارد، سوار یک اتومبیل ناآشنا می شوند و از محل پارک دنده عقب می گیرند و یک تصادف بی دلیل اتفاق می افتد. حادثه ای که فرهادی با هوشمندی، عنوان فیلم را در پی آن بالا می آورد: گذشته. که برف پاک کن ماشین هم آن می شود. دنده عقب گرفتن خطرناک است، بازگشت خطرناک است، گذشته خطرناک است.

منبع: «گاردین»

مهار شده و هوشمندانه است. ظرافت خاصی در کنار هم چیدن جزئیات و تکه های داستان به شکل یک الگو، پیچش های غیرمنتظره در طرح داستان، تعلیق های پیچیده و آشکارسازی ها وجود دارد. ساختار روایی، شاید خودش زیاد از حد، از پیش تعیین شده است: ملودرام کم در ترکیب با تراژدی وجود دارد و شاید غیبت طولانی یکی از کاراکترهای مهم در فیلم، حدس زدن صحنه آخر را آسان کند. فیلم، در اغلب مواقع شبیه یک تئاتر است، اما در عین حال دلچسب و چالب توجه هم هست. این نیرو و هوش فرهادی در فیلمسازی اش و افعارضایت بخش است.

ماری برای ترساندن احمد، برایش هتل رزرو نکرده، اما با انگیزه هایی پیچیده انتظار دارد که احمد در خانه کوچک و شلوغ ماری اقامت کند تا او را بیندازد درست در وسط مسئولیت ها و زندگی اخیر که ماری داشته است. شریک جدید و جوتر ماری، یعنی سمیر (رحیم) که صاحب یک مغازه خشکشویی است، به همراه او پسر کوچکش فرود (الیاس آگیس)، به خانه ماری نقل مکان کرده است. احمد و ماری هنوز هم رابطه یک زوج متاهل را دارند و این باعث ناراحتی سمیر است. هر چند که این رابطه یک رابطه ناکام است. و هر سه بچه ها به صورت غریزی به احمد در جایگاه پدر نگاه می کنند و باعث می شوند که این موقعیت دردناک، پیچیده و غامض، حتی سخت تر هم شود. غم انگیز تر از همه، وظیفه ای است که ماری از احمد انتظار دارد انجام دهد. جواب های لوسی، حقایق دردناک و حتی وحشتناکی را در مورد مسائلی که به ایجاد این موقعیت ختم شده است، آشکار می کند.

فرهادی ارتباطات بین افراد را مثل آناتومی بدن تشریح می کند: دردآور و پیچیده. اما ماری باید طلاقش را در غیبت احمد نهایی می کرد؟ آیا او باید رشته های گذشته را پاره می کرد و خودش با ناراحتی های لوسی بر خورد می کرد؟ و اگر ناراحتی لوسی ریشه در نارضایتی او از شریک جدید ماری داشت، بهتر نبود که او شریک قبلی اش را خارج از این مسأله نگه دارد؟ فرهادی نشانمان می دهد که جواب «بله» ممکن است یک پاسخ معقول نسبت به هر سه پرسش بالا باشد، اما این را هم نشان می دهد که اینها به هم نامربوط اند.

ماری قانع شده است که احمد را برگرداند تا با او به شکلی ویرانگر رو به رو شود. و باز هم با همان فشارها قانع می شود که به

اشاره: فیلم فرانسوی «گذشته»، جدیدترین فیلم اصغر فرهادی، فیلمساز ایرانی برنده اسکار، به تازگی در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمده است. این فیلم که قرار است به زودی در ایران هم اکران شود، نظر بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرده است و خیلی ها آن را بخت اصلی در دریافت جایزه نخل طلای جشنواره کن می دانند.

خلاصه داستان: یک مرد ایرانی، همسر فرانسوی خود را به همراه دو فرزندش ترک می کند تا به سرزمین مادری خود بازگردد. در همین حین، زنش یک رابطه جدید را آغاز می کند؛ واقعیتی که شوهرش با درخواست طلاق زن، با آن مواجه می شود.

فیلمساز ایرانی، اصغر فرهادی با یک فیلم جذاب، فریبنده و فکر شده راهی جشنواره فیلم کن شده است. یک مثلث با درخشش برنسی بژو، علی مصفا و طاهر رحیم. یک زن فرانسوی به نام ماری (بژو) در تلاش است تا مشکلاتش با همسر ایرانی اش احمد (مصفا) را که خیلی وقت است از هم جدا شده اند، حل کند و یک شروع شدید با یک شریک جدید به نام سمیر (رحیم) داشته باشد. فیلم بعضی از تم های فیلم قبلی فرهادی، یعنی جذابی راهم دارد. مفاهیمی مثل فناپذیری عشق در کنار ایده هایی چون ایجاد رابطه صمیمانه و خانوادگی در دنیایی که قبول کردن فرزند همسر جدید، یک مسأله معمول به حساب می آید. این موضوع با یک تم تراژیک قوی — گذشته که بایی رحمی برماجنگ می زند — ترکیب و دارای قدرت بیشتری شده است. فرهادی، افسردگی و عصبانیتی که در مبارزه با گذشته و از بین بردن انتخاب های نادرست زندگی، درگیرش می شویم را نشان می دهد.

فیلم، یک درام پیچیده و در اغلب مواقع درخشان با اجراهایی

گفت و گو با سید جواد روشن، کارگردان نمایش «اگر سپیده سر زد»

عشق، روند نمایش را زیباتر می کند



از طرفی با توجه به حضور دکتر امینی در حوزه هنری، دوست داشتم اجرایی نیز در حوزه هنری داشته باشم و چون مراحل اولیه تولید و شکل گیری این کار در سال گذشته شروع شده بود و این نمایشنامه نیز قرار است توسط انتشارات «سوره مهر» منتشر شود، تصمیم گرفتم نمایش را در حوزه هنری اجرا کنم.

«معمولا تماشاخانه های حوزه هنری، انتخاب اول برای تماشاگران تئاتر نیستند. فکر می کنید حوزه هنری چگونه می تواند در جذب حداکثری مخاطبان تئاتر موفق عمل کند؟

— به متأسفانه هنوز تماشاخانه های حوزه هنری، آن چنان که شایسته است، برای مخاطبان تئاتر معرفی نشده اند و یکی از علت های آن هم فقدان استمرار اجرایی تئاتر در این سالن ها است. خوشبختانه در یک سال اخیر تا حدودی تماشاخانه های «مهر» و «ماه» فعال بوده اند و ولسی هنوز باید در معرفی آنها تلاش کرد. حوزه هنری ابزار خوبی برای

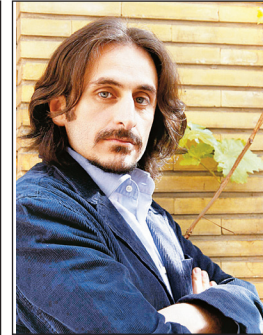
— بی تاثیر نیست. عشق از جمله ویژگی هایی است که همواره برای همه افراد از جمله جوان ترها جذاب است و روند داستان نمایش را زیباتر می کند.

«برخی هنرمندان تئاتر معتقدند که تولید نمایش با موضوعات اجتماعی، گاه با نظرات های بیشتری مواجه است. آیا به نظر شما تئاتر های اجتماعی امروز با ممیزی های مختلف، دست به گریبان هستند؟

— نگارش و اجرای نمایش های اجتماعی به خصوص اگر بستر تاریخی داشته باشند و تا حدودی اثر اجتماعی — سیاسی باشند، مشکلاتی دارد چون انتظار از این آثار بالا است. معمولاً مسئولان می گویند چرا در باره تاریخ معاصر کار تولید نمی شود و یا همواره شنیده ایم که باید آثاری تولید کرد که به زندگی مردم نزدیک باشد و بتوانند آن را لمس کنند؛ اما وقتی در عمل وارد این موضوعات می شویم، مشکلات شروع می شود و تعبیرها و تفسیرهای بی مورد از آثار نیز کار را سخت تر می کند. باید تکلیف را مشخص کرد؛ با باید سریع کارهای سرگرم کننده و یا مفاهیم کلی رفت، یا اگر می خواهیم اثری عمیق تر با لایه های اجتماعی، سیاسی و تاریخی داشته باشیم، باید تلاش کرد؛ یک تلاش گروهی. هم هنرمند با مطالعه و دقت، آثاری با کیفیت و قابل قبول تولید کند و هم مسئولان با سعه صدر هنرمندان را حمایت و همراهی کنند.

«تماشاخانه «ماه» حوزه هنری، سالن کوچکی است. این که این تماشاخانه به عبارتی پشت صحنه ندارد، در کارگردانی شما خللی وارد نکرد؟

— متأسفانه این سالن نیز از جمله سالن های غیر استاندارد تئاتر ماست که کار در آن بسیار مشکل است. کوه تا بودن سقف سالن، نداشتن



سید جواد روشن، کارگردان نمایش «اگر سپیده سر زد»

تبلیغات دارد و اگر از آنها به درستی استفاده کند، می تواند در جذب مخاطب موفق باشد.

وقتی مدیران از جذب مخاطب صحبت می کنند، باید توجه داشته باشند که بخشی از مسئولیت بر عهده خود آنهاست. وظیفه هنرمند تولید یک اثر با کیفیت است و وظیفه مسئولان و مدیران سالن ها ایجاد شرایط مناسب و ارائه خدمات به مخاطب. ارائه یک سالن به یک گروه برای اجرا، تنها به ساختمان سالن ختم نمی شود؛ بلکه تبلیغات، پشتیبانی و حمایت از اجرا نیز وظیفه مسئولان فرهنگی و مدیران تالارهای نمایشی است که باید انجام شود.

«و سخن آخر؟

— همه تلاش گروه تولید یک اثر قابل قبول بوده است که امیدوارم نتیجه کار نیز مورد نظر مخاطبان باشد. همچنین ما برای رفاه بیشتر مخاطبان، خرید اینترنتی را نیز فعال کردیم که علاقه مندان می توانند با مراجعه به سایت www.tiwall.com بلیت نمایش را تهیه کنند.

اردیبهشت و خرداد اما سال، تماشاخانه ماه حوزه هنری، میزبان نمایش «اگر سپیده سر زد» به کارگردانی سید جواد روشن است. نمایشی که گرچه داستان آن در شب هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ می گذرد، اما روشن معتقد است که نمایش اجتماعی — عاشقانه است. او پیش از این، دو نمایش اخیر خود با نامهای «آوای آواره» و «قتل آقای کاف» را نیز با موضوعات تاریخ معاصر به صحنه برده بود و همچنان معتقد است که اتفاقات تاریخی، بستر خوبی برای روایت داستان های درام هستند.

به بهانه اجرای نمایش «اگر سپیده سر زد»، با سید جواد روشن؛ کارشناس ارشد کارگردانی تئاتر، به گفت و گو نشسته ایم که در پی می آید.

«ابتدا خلاصه ای کوتاه از داستان نمایش را تعریف کنید.

— «اگر سپیده سر زد»، ماجرای دو پسر خانواده ای است که با یکدیگر اختلاف دیدگاه و منش زندگی دارند. از دواج برادر کوچتر با دختری به نام «عفت» این اختلاف ها را بیشتر می کند و اجازه دهد بقیه داستان را نگویم تا شیرینی تماشای نمایش برای علاقه مندان از بین نرود.

«داستان نمایش شما در یک بستر تاریخی اتفاق می افتد؛ این بستر تاریخی چقدر در قصه نمایش نمود دارد؟

— در واقع نمایش «اگر سپیده سر زد» یک نمایش تاریخی نیست بلکه یک نمایش اجتماعی با چاشنی عشق است که داستان آن در سال ۵۷ اتفاق می افتد و برخی از حوادث آن سال مانند حادثه ۱۷ شهریور در شکل گیری داستان تاثیر دارد.

«شما می گوید علاوه بر تم اجتماعی، نمایش شما تم عاشقانه هم دارد. معمولاً کارگردان ها از عبارت «عاشقانه» کمتر استفاده می کنند. چه مؤلفه هایی در داستان هست که معتقدید نمایش شما عاشقانه است؟

— نمی گویم این نمایش عاشقانه است ولی عشق از جمله مؤلفه هایی است که در شکل گیری نمایش تاثیر دارد. به عنوان مثال در شدت گرفتن اختلاف برادر بزرگتر (رحیم) و برادر کوچکتر (خدابخش)، همچنین آغاز و پایان نمایش بر اساس یک رابطه عاشقانه شکل می گیرد. انتظار «عفت» برای آمدن «خدابخش» نیز یک انتظار عاشقانه است که تأثیر زیادی در روند اتفاقات نمایش دارد.

«فکر می کنید استفاده از تم های عاشقانه در جذب مخاطب جوان تئاتر مؤثر باشد؟

پژوهش ادبی

گفتاری گذرا پیرامون شعر متعهدانه ایران



سید محمود سعیدی

شعر قریب

شعر اعتراض

۴۳

«سهراب سپهری» که شاعری است بسیار مشهور و شعرش از لطافت و ظرافت خاص برخوردار، کمتر مفاهیم انقلابی در شعر او دیده می شود. او در برج عاج تنهایی شفاف و شکننده و زلال خود زندگی می کند و ترس این را دارد که چینی نازکی تنهایی اش ترک بردارد. اما شگفتا که سهراب، نیکبخت ترین شاعر مطرح شده پس از انقلاب است. تقریباً هیچ شاعر نوپردازی به اندازه او از اقبال و رویکرد مشتاقانه جوانان و شعر دوستان بهره مند نبوده است.

کتاب های متعددی پیرامون زندگی و شعرها و نقاشی هایش نوشته شده است. تفسیر و تحلیل هایی «من عندی» و خلق الساعه که بسیاری از آنها از ارزش نقد و بررسی ادبی خالی اند. سهراب به اصطلاح غیر انقلابی ترین شاعری است که بیشترین محبوبیت را در نسل انقلاب داشته است و این برای من جالب توجه و حتی شگفت انگیز است. با این وجود در دفترهای هشت گانه شعرش نمونه های فراوانی از سروده های آکنده از عشق بی امان به مردم و آب و خاک و آزادی و آزادی و انسانیت و رحم و شفقت و مهریانی می توان دید. شعر معروف «و پیامی در راه» او از این صنف اشعار است:

روزی /خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد./ در رگ ها، نور خواهم ریخت./ و صدا خواهم در داد ای سبدها تان پر خواب! سیب /آورد، سیب سرخ خورشید./ خواهم آمد، گل یاسی به گدا خواهم داد./ زن زیبای جذامی را، گوشواری دیگر خواهم بخشید./ کور را خواهم گفت: چه تماشا دارد باغ! /دوره گردی خواهم شد. کوچه ها را خواهم گشت، جار /خواهم زد: آی شبنم، شبنم، شبنم / رهگداری خواهد گفت: راستی را، شب تاریکی است، کهکشانی خواهم داش. /روی پل دخترکی بی پاست، دب اکبر را برگردن او /خواهم آویخت /هر چه دشنام، از لب ها خواهم برچید /هر چه دیوار، از جا خواهم برکنند. / رهزان را خواهم گفت: کاروانی آمد بارش لبخند! /ابر را، پاره خواهم کرد /من گره خواهم زد چشمان را با خورشید، دلها را با عشق /، سایه ها را با آب، شاخه ها را با باد. /و بهم خواهم پیوست، خواب کودک را با زمزمه زنجره ها. / بادبادک ها، به هوا خواهم برد /گلدان ها، آب خواهم داد. شاعران نوپرداز دیگر چون «فریدون مشیری» متولد ۱۳۰۴ تهران است که جزو پیشقراولان شعر آزاد نیمایی است و شعرش از صبغه طبیعت گرایی، جمال شناسی و عشق ورزی بهره مند است. به طور کلی این شاعر نام آور و یکی دو نفر دیگر از شاعران ناتورالیست را که به جهت آشنایی شان با زبان فرانسه و حشر و نشر شان با ادبیات رمانتیک آن کشور تقریباً در تمام آثار خود به عشق و عاشقی و بیان شادی ها و رنج های فردی خود پرداختند و جاذبه های بیتاب کننده عشق و شوریدگی های صوری را باز نمایانند و زیبایی های شورانگیز طبیعت را ترسیم کردند، نمی توان در عداد شاعران اومانیست و یا متعهد و مسئول در مقابل مردم قرار داد. اما باید اذعان کرد که ساختار شعر شان از نظر زیباشناسی هنری، چشم انداز ناتورالیستی قوی است. ضمن این که رد پای علائق شان به مردم و میل عمیق شان به آزادی و رفاه آنها مشاهده می شود.

«دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی» (م. سرشک) متولد ۱۳۱۸ در خراسان صاحب مجموعه های: «زمزمه ها»، «شب خوانی»، «از زبان برگ»، «در کوچه باغهای نیشابور»، «از بودن و سرودن»، «مثل درخت در شب باران» و «بوی جوی مولیان» شاعر، مترجم، محقق و ادیب معاصر است که او نیز از شعری ناتورالیستی و لیریک برخوردار است و مسائل سیاسی و اجتماعی را آنگونه مطرح می کند که شاکله استوار شعری سرودهایش تحت الشعاع پیام های سیاسی و اجتماعی نگرند.

«محمد علی سپانلو» شاعر، نویسنده، مترجم و محقق معاصر شاعر خیابان ها و کارخانه هاست. شاعر پرسه زن در کوچه و پس کوچه های تاریخ. شاعری جدا متعهد در مقابل رنج ها و آرزوهای مردم بزرگش. «حمید مصدق» شاعری است که همواره در تمام سالهای شاعری اش در مقابل مردم احساس عمیق مسئولیت و تعهد اجتماعی کرده است. منظومه ها و شعرهای کوتاه و بلندش مشحون از عشق به مردم و دلشوره سرنوشت آنها بود.

ادامه دارد

تأملی در محفل ادبی شکرخند اردیبهشت ۹۲ / فرهنگسرای ارسباران



«ارمغان زمان فشمی»

بقیه از صفحه اول
وقتی زلزله بیاید و ببیند که هم مسؤولان در صحنه حضور دارند و هر کسی می‌داند باید چه کار بکند یا چه کار نکند؛ دیگر زلزله خجالت می‌کشد جایی را خراب کند. حتی من در روزنامه پیشنهاد دادم تیر بزبند: حضور بموقع مسؤولان، زلزله را غافلگیر کرد!

موضوع دیگر، نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری به ماست. الیوم، هفتم اردیبهشت ماه جلالی است. به زودی باید رئیس‌جمهور احتمالا محترم بعدی، در این اوضاع خطر، سکان کشتی را به دست بگیرد. حالا در شرایطی که هنوز خود نامزدها هم نمی‌دانند بیایند یا نیایند، من اعلام آمادگی می‌کنم. شعارم هم این است: «من آمده‌ام وای وای...» البته به من گفته بودند بیا اسمت را در لیست هنرمندان شورای شهر بگذاریم. گفتیم نه، بیخود می‌کنید بگذارید. من توی محل، بین در و همسایه ابرو دارم و فردا می‌خواهم زن بگیرم، نمی‌دهند! این کار تخصص می‌خواهد که من ندارم. اما ریاست جمهوری تقریباً در شائبه است و احساس تکلیف کردم که بیایم. بعضی‌ها ثابت کردند که رئیس‌جمهوری کاری ندارد. شعار دیگر بنده هم که بیشتر در شهرستان‌ها و روستاها خرج خواهد شد، این است: «دم خودم گرم!»

بنده حتی می‌خواهم به جای یارانه به مردم «چکانه» بدهم و همراه برایشان چک بکشم، سر برج بروند نقدش کنند. ما چی از کشور چک کم داریم؟ هیچی. بنده در برنامه تلویزیونی «پا تو کفش اخبار» هم همین را گفتم و خواستم دسته چکم را از جیبم بیرون بکشم که مجری دستم را گرفت و نگذاشت بکشم. بنده هم خاضعانه و شفاف رو کردم به دوربین و گفتم: می‌بینید مردم؟... می‌خواهم چک بکشم، نمی‌گذارند!

مجری کمکی این جلسه، خانم «مژگان افروزی»، گویندهٔ رادیو و طنزپرداز شکر خندی بود که بعد از این صحبت‌های مقدماتی رضا رفیع، به وی پیوست و به عنوان اولین شاعر، «سید امیر سادات موسوی» را صدا کرد.

رضا رفیع از مسئولان سالن خواست تا صدای میکروفن را زیاد کنند و افزود: به خصوص آنها که ۲ هزار تومان داده اند، صدای بیشتری می‌خواهند!

شعر آقای موسوی خطاب به استاد ابوالفضل زرویی نصرآباد بود که آن موقع در بستر بیماری و گذراندن دوران نقاهت پس از جراحی قلب باز بود.

به جناب زرویی آن استاد

آن که پسوند اوست نصرآباد

یک سلام قشنگ و بامزه

مثل لبخند مردم غزه...

گشته‌ام در میان آثارت

پس الهی به حق بندگی‌ات

تا تو در بخش بستری هستی

قلب ما نیز می‌رود غیغاز

چون که این قلب کوچک و خسته

اصلاً کاش لااقل می‌شد

قلب ما را هم آنژیو بکند

شاید این داشت اندکی تأثیر

می‌زند دست‌های ما توتق

که به امید حضرت باری

هی به عمرت خدا اضافه کند

طول عمرت تو را کلافه کند!

«مژگان مطهری» در این نوبت نیز طبق معمول، چند کاریکلماتور خواند.

رضارفع معتقد است که او پیش از اینها باید کار و ابتکار بکند:

* حق گرفتنی است، البته به زور!

* با گریه تصادف کردم، سگ دست خود رو شکست.

* میمون هر چی زشت تره، شانشش بیشتره!

* سالی که نکوست از نتیجهٔ انتخاباتش پیداست!

رفیع بعد از گرامی داشتن سالگرد فوت مرحوم کیومرث صابری (۱۱ اردیبهشت)

یادداشتی از ایشان درباره خودش و ابوالفضل زرویی و اوضاع شعری گل آقا در سال

۸۰ خواند که یک تیر و دو نشان بود. سپس گفت: برادرزاده‌ای دارم که زمان تولدش،

گل آقایی یادداشتی به آقای جلال رفیع که پدر نامبرده است، با عنایت به این که تا آن

زمان در خانه شان پسری نداشتند، نوشته بود: «جلال عزیز! شنیده‌ام که در خانه شما

مرد پیدا شده است. قدم نورسیده مبارک». البته سکه‌های هم ضمیمهٔ یادداشت مذکور

کرده بود که اگر الان می‌بود، وضع مالی اش دگرگون بود!

بله، حالا آن برادرزاده مورد تفقد گل آقا قرار گرفته، اما امروز برای خودش مردی

شده است و هم اکنون به همراه خانمش اینجا حضور دارد و چند ماه دیگر هم مراسم

ازدواجشان برگزار می‌شود. شعر کارت عروسی شان را هم از من خواسته‌اند بگویم که

چون پدر خودشان هست، ارجح است و من غلط می‌کنم بگویم! جایی که آب هست،

تیمم از بیخ باطل است. این مطلب را هم در حاشیه عرض نمایم که من فقط در مورد ازدواج برادرزاده خودم تبلیغ نمی‌کنم، بلکه در راستای اشاعه این عمل حسنه، هرکس از این جمع حاضر و در قید حیات که جرأت کند و ازدواج کند، اگر به بنده اطلاع دهد، همینجا با سلام و صلوات آن را اعلام جهانی می‌کنم. کمک دیگری که از دست ما ساخته نیست. اگر هم ساخته بود، پیش پای شما به زلزله زدگان بوشهر و سراوان و آذربایجان و غیر آن کمک کردیم.

«حامد اسحاقی»، سومین شاعری بود که روی سن

رفت و نقیضه‌ای بر شعری از مهدی موسوی خواند:

همسایه موافق و وطن فحش می‌دهند

این روزها جقدر به من فحش می‌دهند...

بازی قبل را به هوا فحش داده‌اند

بازی بعد را به چمن فحش می‌دهند

ما را به قصد کشت در استادیوم زدند

نامردمی است، بعد زدن فحش می‌دهند

یعنی که در تمام وطن فحش می‌دهند

چن چانگ چون ژژه، ژژه ژان لی ژیانو فنگ

— در اینجا رفیع گفت: ما که چیزی نفهمیدیم، اما احتیاطا هر چی بود خودتی!

فرصت تمام گشت و به پایان رسید شعر

من می‌روم، اگر چه به من فحش می‌دهند!

«ارمغان زمان فشمی» (نگارنده همین گزارش) دوبیت شعر خواند درباره زنی

هندی که نعوذبالله به طور همزمان با ۵ برادر ازدواج کرده و البته دلپش گویا فقر زیاد

است که ازدواج یک زن با چند برادر را در آن مناطق مرسوم کرده:

شنیدم از زنی با پنج شوهر

اگر می‌داد خمس شوهرانش

کنون من نیز شوهر دار بودم!

رضا رفیع با اشاره به دوستان شاعری که روی زمین نشسته بودند گفت: مجلس

ما آن قدر بی تکلف است که دوستان بی هیچ توقع و گله‌ای روی زمین می‌نشینند و

چیزی نمی‌گویند. حتی مرحوم استاد احترامی که می‌آمد، هر جا که می‌شد، می‌نشست.

اگر هم می‌خواست ترک مجلس کند، با نوشتن یادداشتی به من که شاگردش بودم،

با ادب و احترامی تمام اطلاع می‌داد که مثلاً: ببخشید؛ چون من فلان ساعت باید در

ساختمان گل آقا باشم، به ناچار از در پشت، فلنگ را می‌بندم!

مهندس «محسن اشتیاقی» که پشت تربون حاضر شده بود، در همین رابطه گفت:

البته دوستان هیچ چشمداشتی ندارند، ولی امیدوارم اگر آقای رفیع رئیس‌جمهور شد،

به ما پستی چیزی بدهد. رفیع گفت: این غلط‌ها به ما نیامده!

خواب دیدم برات افشای بکنم یا نکنم؟

اونو تبدیل به رؤیا بکنم یا نکنم؟...

خواب دیدم بازیه، هیشکی بهم پاس نمی‌ده

سر توپ با همه دعوا بکنم یا نکنم؟

— آقای بانی از میان جمعیت گفت: دعوا؟... می‌خوای بکن، می‌خوای نکن!...

بعضی‌ها له دور سرمو نمی‌بینن

چشم اون‌ها رو مداوا بکنم یا نکنم؟

لای پرونده‌ها رو وا بکنم یا نکنم؟!...

«عکس‌ها از: مجید شادمان نژاد»



همه تو مناظره، مقابل کم می‌آرن

لای پرونده‌ها رو وا بکنم یا نکنم؟...

هی بگم: «بگم؟ بگم؟» او نام بگن: بگو! بگو!

با گردن کُلفتا دعوا بکنم یا نکنم؟

داداش یکی یسوتی داده، من سنددارم

فیلمش تو مجلس افشای بکنم یا نکنم؟...

خواب دیدم هوگو چاوز رفته به رحمت خدا

اونو همراه مسیحا بکنم یا نکنم؟

— رفیع گفت: همینجا خدمت مادر مرحوم چاوز سلام عرض می‌کنیم و باز هم عرض تسلیت داریم. اخیراً یک نفر با خانمی خیلی شاعرانه در پارک نشسته بودند، از آنها می‌پرسند نسبتان چیست و دارید چه کار می‌کنید؟ طرف می‌گوید هیچی، مادر ایشان فوت کرده، من داشتم تسلیت می‌دادمش!

هوگو عینشو داداش بود واسه بنده به خدا

عرض تسلیت به ماما بکنم یا نکنم؟

مدل بوتین و مدو دف رو توی خواب دیدم

چه کنم؟ تو این بوتین یا بکنم یا نکنم؟

الان اقتصاد ایران تکه توی منطقه

اینو توی بوق و کرنا بکنم یا نکنم؟

گفته بودم که می‌آرم سر سفره پول نفت

ازتون فرجه تقاضا بکنم یا نکنم؟

تحریمایی اثره اینام که گفتیم تا حالا

همه شویک دفه حاشا بکنم یا نکنم؟

یهو بیدار شدم و دیدم رو خاکم نه بهشت

گلّه از آدم و حوا بکنم یا نکنم؟

در این گیرودار، یک نفر از پشت درهای بسته به رضا رفیع پیامک داد که: اگر رئیس‌جمهور شدید، اولین کارتان گسترش همین فرهنگسرای ارسباران باشد تا ما

مثل عقب مانده‌های از قافله، این طوری پشت در نمانیم و نایستیم!

«نسیم عرب امیری»، شاعر جوانی است که شعرهایش مصداق این شعار تبلیغی است: هر روز بهتر از دیروز! او در این جلسه نقیضه‌ای بر یکی از شعرهای فاضل

نظری سروده بود:

شکل نگاه مردم دنیا عوض شده است

مفهوم زشت و معنی زیبا عوض شده است

لیلا و قیس گوشه منزل لمیده اند

انگار جای منزل و صحرا عوض شده است

مجنون به حجله رفته و ناکام مانده است

با چشم خویش دیده که لیلا عوض شده است.....

بابا بهانه کرده که مامان عوض شود

مامان عزرا گرفته که بابا عوض شده است

بابا بزرگ با کت چسبان و موی سیخ

از سر گرفته تا نوک پاها عوض شده است....

در عرض یک دقیقه به چشم خود خودم

دیدم سه بار قیمت کالا عوض شده است...

هر چند وضع مجلس شورا عوض نشد

یک بار جای مجلس شورا عوض شده است...

وسواسی ام، برای همین دست کم سه بار

ابیات این قصیده غرّا عوض شده است

احسنت و آفرین به هر آن کس که بعد از این

شعری چنین ردیف کند با «عوض شده است»

ماندم در این زمانه چه خاکی به سر کنم

«من همچنان همانم و دنیا عوض شده است»!

رفیع با اشاره به ردیف عوض شدهٔ شعر و با بیان مزاح گونهٔ این که «شعر عوضی خوبی بود»، اعلام کرد که فی الحال نوبت به بخش «عکس و مکت» رسیده است. او درباره عکسی از یک تنگ ماهی قرمز—که خودش گرفته بود—این چنین توضیح داد: خواهر کوچکم که با برادر کوچکم دوقلوست، از پارسل دو تا ماهی داشت که از قضا تا امسال زنده مانده بودند. اما امسال که یکی دیگر به آنها اضافه شد، بعد از چند روز ماهی‌های پارسالی ریق رحمت را سر کشیدند و مردند.



عکس ماهواره ای از شکرخند!

«من آمبولانس هستم»، عنوان آخرین کتاب «حبیب محمدزاده» است. محمدزاده که می‌توان گفت شاعری تجربه‌گراست، در این کتاب سراغ دیتاها رفته است و اگر بخواید بدانید منظور او از دیتا چیست، شاید با خواندن یادداشت ابتدایی «من آمبولانس هستم»، دریافتی از آن به دست آورید:

«دیتا، شعر کوتاه نیست؛ دیتا، پیشا و پساذهن انسان است. و هرکسی بنا به خواسته خود، آن را به سایر تبدیل می‌کند. شاعران از دیتا، شعر می‌سازند؛ بزرگان از دیتا جملات قصار می‌گویند؛ موزیسین‌ها از دیتا موزیک می‌نوازند؛ نمایشنامه‌نویسان از دیتا نمایش می‌نویسند؛ نقاشان از دیتا نقش می‌زنند؛ سورتالیست‌ها از دیتا واقعیت برتر می‌بینند؛ شگفت‌انگیزها از دیتا امر شگفت می‌یابند؛ مضمون‌پردازان از دیتا مضمون می‌پردازند؛ اقتصاددان‌ها از دیتا وجه رایج می‌گیرند؛ روانشناس‌ها از دیتا منشأ آسیب وارد می‌خواهند؛ کیمیاگران از دیتا کمال عناصر می‌جویند و...؛ و شاید در خصوص ریاضیات محض، مسأله چیز دیگری باشد.»

این کتاب دربرگیرنده هفتصد دیتا از حبیب محمدزاده است که نمونه‌هایی از آنها را می‌خوانیم:
۵ صبح تا ۵ بعدازظهر، دو تا قلب است که از هم دور افتاده‌اند.
تفنگم را با بُرد یک دور و نیم کره زمین، به مقابلم شلیک کردم؛ زمین گرد است اما تیر به من نخورد.
دستش را جنگ قطع کرد. با آغوش قطع شده برگشت.

متن سه‌سنگ‌ام‌به‌آن‌به



حبیب محمدزاده
نسخه ی اول
دیندای فارسی
هفتصد دیتا

بعد از جنگ، تفنگم را نگرفتند. گفتند می‌توانی به جای عصا از آن استفاده کنی.
دو ذره آب و یک ذره خاک. یک ذره هم آدم نیست. آینه داشت می‌مرد و به عکس تبدیل می‌شد.
پدرم، پیر مرد ضعیفی است که باد او را می‌برد، آب او را می‌برد، خاک او را می‌برد. شمای می‌فهمید که منظورم چیست. حتی این عصای چوبی هم او را می‌برد و به خانه بازمی‌گرداند.
ماه، تمرین فراموشی است. کم‌کم می‌رود و کم‌کم می‌آید.

بزرگسالی، یک بیماری است که در آن، سر، بیش از حد بزرگ می‌شود؛ پاها، بیش از حد بزرگ می‌شوند؛ روده‌ها، بیش از حد بزرگ می‌شوند.
مدام از من می‌پرسد حالت خوب است؟ حالت خوب است؟، می‌خواهد آن لحظه خوب را از دست ندهد.

ماه، بخشنده است. توی رودخانه می‌افتد، توی حوض می‌افتد، توی سطل آب هم می‌افتد. با این همه، کف خیابان نمی‌افتد؛ می‌ترسد بمیرد.
خال گوشتی روی گردنش را هل داد به سمت دهان و خورد. این از این وعده. تا بعد.
بز نمرده است. فقط یک زخم عمیق برداشته است. به زودی مرگ او را شکار خواهد کرد.
همین زاینده‌رود که روزی می‌توانست ما را در خود غرق کند و بمیریم.

همین زاینده‌رود که مثل شیر، تیر خورده و مرده و افتاده کف خیابان و یک پایم را گذاشته‌ام روی جنازه‌اش و عکس یادگاری می‌گیرم.
سقف خانه ما، فسیل آسمان‌های پیش از این بود که خودم کشف کرده‌ام.
شهر، دلتنگ شهری دیگر بود. شهر دست به کار شد.
ما فکر کردیم شهر دارد بزرگتر می‌شود.
صورتک‌ها چشم نداشتند، پلک نمی‌زدند؛ اما به مرور زمان چروک می‌خوردند.
شب و روز، از آن پس، سیاه و سفید نیستند، رنگی شده‌اند و تشخیصشان از یکدیگر سخت است.
جوجه مریش یک روزه را انداختند توی کوره.
جوجه گمان می‌کرد دنیا همین است و همه را همان روز اول در کوره می‌اندازند.

نقدی بر مجموعه شعر «نبض» سروده سورنا جوکار

پناهگاهی موقت برای جنون



امیرحسین حسینی

تجربه شده و بلکه فراگیر است. در ادبیات معاصر، حتی در اشعار حماسی نیز عشق جریان دارد و مثلاً با شهید به مثابه یک عاشق برخورد می‌شود و البته این نوع برخورد، مانع از بروز ماهیت حماسی و پرخاشگر شعر نمی‌شود.

مانند این رباعی از مرحوم «سیدحسن حسینی»:

آنسان که چراغ عشق افروخته‌اند

چون شمع به سوز دل خود سوخته‌اند

شوریدن و بر قامت شب زخم زدن

رسمی است که از ستاره آموخته‌اند

«سورنا جوکار» نیز گاه عشق را دست‌آویز سخن قرار می‌دهد. در حقیقت عشق چون حلقه واسطی به متن ماهیت استعاری می‌بخشد تا به موضوع شعر ماهیت شعری ببخشد. این فرازا تنها مواردی هستند که در آنها «جوکار» از عشق شفاف زمینی‌اش فراتر می‌رود و چیزی دیگر را ماورای صورت عاشقی جست‌وجو می‌کند. شعر زیر به حضرت امام جواد(ع) تقدیم شده است ولی در بیٹی به جز مقطع غزل، آن هم به طرز استعاری، نمی‌توان افتراقی بین معشوقی زمینی و شخصیت ممدوح معصوم شاعر یافت:

این واژه‌ها عمری است دنبال تو می‌گردند

تا عاقبت از دفتر من سر درآوردند

گلوآه‌هایی که فقط از وصل می‌گفتند

امروز بسا دل‌های تنها مانده همدردند

بر بیرکت خیره‌شده خورشید با صد چشم

اما کبوترها برایت سایه آوردند

و ابیات زیر در مدح حضرت امام هادی(ع):

اگر دریا مرکب می‌شد و جنگل قلم بود

برای شرح یک از صدهزارت باز کم بود

برای وصف رویت هر چه نقاشی کشیدم

نشد مانند تصویری که از تو در سرم بود

برایت گاه‌گاهی شعر هم گفتم ولی حیف

بدا بدتر شدن‌دای کاش می‌شد محتمل بود

چنان آمیخته یادت به هر بندم که گاهی

تورامی دید با خود هر که بامن همقدم بود

من از دست خودت جام شرابم را گرفتم

مگر امکان ندارد شبعه بود و مست هم بود؟

«سورنا» با این شیوه، صمیمیتی شگرف را به متن دینی یا اجتماعی خود ارزانی می‌دارد و از این طریق به تأثیر متن بر مخاطب می‌افزاید و ضمن جذاب‌تر کردن اثر، آن را از ارزش متنی و زیبایی شناختی هم بهره‌مند می‌گرداند.

شاعر «نبض» خلوت زیبا و شاعرانه‌ای برای خود فراهم آورده است و خواه ناخواه مخاطب را نیز به این خلوت رازآمیز دعوت کرده است. راز او عشقی است که این/زمانی و این/مکانی نیست؛ اما شعر عاشقانه او برای مخاطب گرفتار در دنیای شلوغ و پرازدحام امروز نیز پناهگاهی هر چند موقتی فراهم می‌آورد.
آخرین صفحه «نبض»، پایان رؤیایی است زودگذر و ورودی دوباره است به جهانی که بی رحمانه واقعی است و جایی برای جنون سنتی «نبض» ندارد.

دیگر، تظاهراتی مدرن برای اثبات توانایی «جوکار» برای کار در حوزه غزل پساستی و پسانوستی است که البته در کارنامه شاعری او فعلاً عمومیت ندارد:

این صندلی که جای تو خالی است روی آن

یعنی که آمدی، که نشستی، که ناگهان

پروانه وار پله دراندی و پر زدی

رفتی به سمت نقطه پایان آسمان

اعجاب رفتنت در و دیوار را گرفت

حتی دهان پنجره باز است همچنان

در این راستا غزلی بیت محور، بازبانی موسیقایی و مضمون‌پرداز و مهم‌تر از همه غالباً در فضایی عاشقانه، کلیت مجموعه «نبض» را تشکیل می‌دهد. البته زبان و دایره واژگانی نو در غزل‌ها، آنها را در یک رده‌بندی کلی در حوزه غزل نوقلمایی قرار می‌دهد. غزلی با رو ساختی نو اما یادرو نمایه و کلی‌گویی‌های شعر سنتی که البته با عینی‌گرایی‌هایی امروزی درهم آمیخته است:

گذشتی از من و بگذار بگذرم از خویش

من احتیاج شدیدی به این سفر دارم

هی بی‌کبوترها برایت نامه می‌دام

تا نام فامیلم کبوتر باز شد کم

در این شیوه غزل سسرایی، مضمون‌پرداز و بکر و بدیع، جان شعر به حساب می‌آید که خوشبختانه «جوکار»

در آیین زمینه اصلاً کم‌نسی آورد. او در مضمون‌پردازی پیرامون عشق و تبعات آن بسیار چیره دست می‌نماید.

این امر خصوصاً در شعر فارسی با آن پشتوانه غنی در عاشقانه‌سرایی و مضمون‌پردازی‌های عاشقانه، بسیار

خطیر و دشوار می‌نماید. در چنین موقعیتی بداعت و تازگی تصاویر می‌تواند گویای طبع روان و خلاق شاعر

باشد. در غزل واسوختی زیر که در فضایی امروزمین شکل

گرفته است، اوج این طراوت به چشم می‌آید:

شانه‌های رانمی‌خواهم سرم را پس بده

آسمان ارزانی‌ات، بال و پرَم را پس بده

نامه‌هایی را که دادم پاسخ سهم خودت

باز کن قفل قفس را، کفترم را پس بده

بچه بودم اولین باری که دزدی کرده‌ام

لطف کن چادر نماز خواهرم را پس بده

پای بودن با تو قلبی را شکستم که نپرس

اشک‌های بسی‌امان مادرم را پس بده

عشقی زمینی که با هیچ ترفند و تفسیری به عشقی

الهی و عارفانه منتسب نمی‌شود، اما در عین حال از نوعی

شرم و حیای شرقی تبعیت می‌کند. چنین شعری طبعاً

مایه‌های اروتیک دارد، اما به تن‌نگاری‌های خام و سطحی

تن نمی‌دهد. شعری عقیف که پاک و زلال‌ترین احساسات

عاشقانه را به منصفه ظهور می‌رساند:

تا بماند یادگاری، چهره ات را می‌کشم

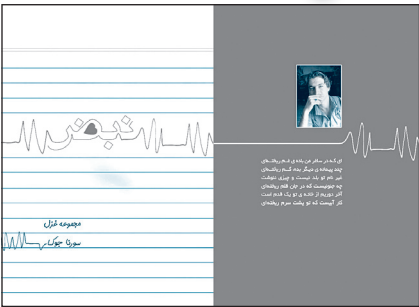
مثل انسان نخستین بر تن دیوارها

عشق در مجموعه شعر «نبض»، تنها دریچه‌ای برای

تغزل‌های عاشقانه نیست، بلکه به نظر می‌رسد شاعر قصد

دارد از عشق دریچه‌ای برای تماشای جهان و آنچه در آن

هست، بسازد. این مقوله نیز در تاریخ ادبیات فارسی امری



روزگاری عشق و عاشق پیشگی، حتی از نوع زمینی‌اش، می‌توانست تمام زندگی یک انسان را اشغال کند. آواره‌اش کند. دیوانه‌اش کند و یک مجنون به مجانبین دنیا اضافه نماید. اما امروز دیگر نمی‌توان از این دیوانگان سراغ گرفت. اصلاً بخشی از دارالمجانین را برای همین گروه از عاشقان در نظر گرفته اند! اما چرا؟ آیا ساختار وجودی انسان تغییر یافته است؟ آیا ساختار زندگی او تغییر کرده است؟ یا هر دو؟

امروز در دوران فرانتکلوزی، علی‌رغم کوچک شدن جهان، جوامع انسانی بزرگتر شده است و همین امر، غیاب انسان از جمع را برای او مشکل‌تر می‌سازد. هر جا که باشی، در ویرترین نگاه‌ها هستی. تنهایی در این روزگار نعمتی است که کمتر نصیب هر کس می‌شود. البته این معنا نافی تنهایی انسان در جمع نیست. انسان امروز این تنهایی را در کجا می‌یابد و به کجا پناه می‌برد؟ یکی از این پناهگاه‌ها هنر است. هنرمند، آنگاه که می‌خواهد از خود و رازهای درونش بگوید، به هزار توی قوالب هنری گوناگون می‌خزد و خود را گم و تنهایی را تجربه می‌کند. گم و تنها مثل مجنون در صحرا! پس تغییر ساختار زندگی انسان که خود ناشی از تغییرات پیاپی زیرساخت‌ها و روساخت‌های اجتماعات انسانی است، او را وادار به تغییر ساختار وجودی‌اش کرده است و از این پس تغییرات ساختارهای اجتماعی و وجودی انسان در تعاملی دائمی با یکدیگر اتفاق می‌افتد.

نمی‌توان در جوامع امروزی عاشقی مجنون دید. چرا که اساساً انسان نمی‌تواند مجنون باشد. زیرا دیگر اصلاً نمی‌تواند تنها باشد. اما اگر کسی چنین خواست، چه باید بکند؟ به هنر پناه می‌برد. پارادوکس ماجرا اما اینجاست که آثار هنری بالاخره باید منتشر شوند و در پیش چشم مخاطبان ظاهر شوند. پس در واقع اینجا هم مکانی لورفته است. هنرمند ناامیدانه ادای غیاب را درمی‌آورد. تنهایی اگر و فقط اگر در ساحت زندگی انسان امروزی ممکن باشد، در هنر امروز یک ناممکن است.

و «سورنا جوکار» ناامیدانه به شعر پناه برده است.

«نبض» مجموعه غزل‌های «سورنا جوکار»، پناهگاهی برای عاشق پیشگی‌های اوست. او چه در فرم و قالب و چه در معنا و محتوای عاشقانه، از بوطیقای غزل سنتی فارسی تبعیت می‌کند و تقریباً به طور کامل؛ مگر در یکی دو سه غزل، نسبت به پیشنهادهای غزل نو و پسانو که طی دو دهه گذشته ارائه شده، بی‌اعتنایی‌ماند. مانند غزل دوم مجموعه که ساختاری روایی دارد. این غزل و نمونه‌های معدود

برای استاد محمد قهرمان

فرشته خدا بنده

آن سر و بلند عشق، مست افتاده است

آن گوهر معرفت، ز دست افتاده است

ببارفتن قهرمانِ استادِ سترگ

در قلّهٔ شعر من شکست افتاده است

دوربایی

محمد رضا سهرابی نژاد

(۱)

آه ای دلکم! مباد افسرده شوی

در این برهوت عشق پژمرده شوی

صد بار زمین خورده‌ام و مثل عصا

نگذاشته‌ام که تو زمین خورده شوی!

(۲)

مردان و زنان ما اتویی شده‌اند

مستعمره‌های رنگ و بویی شده‌اند

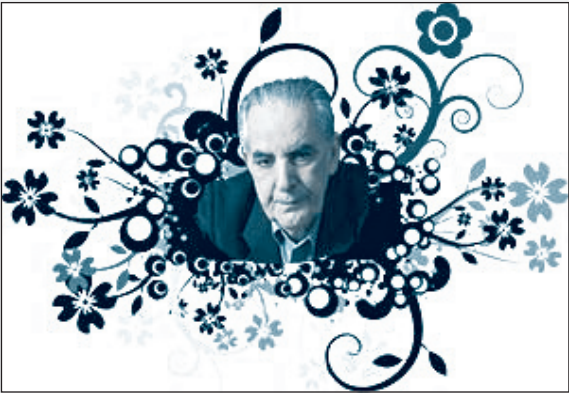
ای ماه! ترسی از غرور مرده

چندی است پلنگ‌ها پتویی شده‌اند!

به انگیزه تولد دوباره قهرمان غزل سرایی معاصر

نام دیگر زندگی

رضا اسماعیلی



هماغوش آسمان شد.

۹

خواب نه

چشمان زندگی

تشنهٔ پیداری ست

لطفاً

مرگ را خبر کنید!*

نفس به نفس

قد می‌کشد.

مرگ

نام دیگر «زندگی» است.

۷

سامان جهان

به دست این زوج خوشبخت

است:

مرگ و زندگی

۸

از زمین

دل برید و

به وقت بیداری

چشمانش را کوک کرد و

صبح با دو بال

به آسمان کوچید.

۲

شال و کلاه کرد و رفت

دنیا

دستش از او کوتاه شد!

۳

از تولد تا مرگ

هیچ چراغ قرمزی نیست

جز گل سرخی که

در گلدان لب‌ها کاشته‌ای.

۴

یکی از همین روزها

ما را می‌بوسد و

از خواب زندگی

بیدار می‌کند.

۵

می‌خواید و

خدا

زندگی‌اش را ورق می‌زند.

۶

با ما به دنیا می‌آید و

حدسیات مختلف زده شده، اما من گفتم دلایل این بود که ماهی تازه، مال امسال بود و چشم و گوش ماهی های قبلی را باز کرده؛ مثلاً احتمالاً قیمت سکه به آنها گفته، از جهش ناگهانی نرخ خود رو خبر داده، راجع به نرخ مسکن و وضع اشتغال حرف زده، زنده باد بهار را توضیح داده، و... خلاصه چیزهایی به آنها گفته که باعث شده آن دو بینوا در جاسکته کنند!

یکی دیگر از عکس ها ۶ نفر را نشان می داد که با هم سوار یک خر شده بودند. رفیع پرسید: شما قضاوت کنید؛ آلا و اعاقا کی خره؟!؟

عکس بعدی از کتابی بود با عنوان: آیا هر ارتباطی ارتباط است؟! عکس بعد، از یک آگهی دیواری بود با این مضمون: یک فلش طلایی گم شده است. رندی زیر این جمله نوشته بود: من پیداش کردم، عجب سرعتی داره، مرسی!

و این مائشین نوشته هم دیدنی بود: به عشق دلم همیشه ولم! بعد از تماشا ای تصور طرّ آمیز، نوبت شعر خوانی به "نادر ختایی" رسید که ترجیع بندی با این بیت مرع خواند:

اسباهامان نجیب تر شده اند

کارهامان عجیب تر شده اند

و سپس «مهدی استاداحمد» به خواندن دوبیتی هایی درباره گران شدن روغن پرداخت. این هم یکی محض نمونه:...

تمام مشکلا از غریبه بازم

تسارک دیده غرب و حربه بازم

شگفت انگیزه که روغن گرون شد

ولی بعضی زبونا چربه باز!

و اما میهمان ویژه این ماه، بعد از رد کردن طولانی ترین شب سال، در ۵ دی ۱۳۳۱ در خیابان حاجتی تبریز متولد شد؛ البته نه در وسط خیابان، که در بیمارستان! او به محض به دنیا آمدن دید که فرزند پنجم خانواده است و قبل از او ۳ پسر و یک خواهر شرف حضور داشتند که این چهار تا برادر به همراه یک خواهر به دور گل مادر می گشتند. مادرش خانه دار بود و پدرش قالیباف. (در این ایام حساس، تبلیغات نشود؛ قالیبافش عادی بود)

نام نبرده پس از گذراندن دوره سربازی، در سال ۱۳۴۲ به تنهایی از تبریز به تهران آمد و در سال ۱۳۴۷ ازدواج کرد. این همان سالی است که رضا رفیع به دنیا آمد؛ البته نه از این ازدواج، از پدر و مادر خودش!

اولین میهمان سال ۱۳۹۲ شکر خند، برای نخستین بار در سال ۱۳۶۶ با ایفای نقش اول نمایشنامه ای به کارگردانی جواد درخشان، ۷ جایزه کسب کرد اما اولین حضور هنری جدی اش در فیلم فرار از جهنم بود. او در سال ۱۳۵۷ با مجید مجیدی آشنا شد که بعدها به همکاری های مشترک آنها منجر شد. وی در سفری به هنگام بازگشت از اصفهان به تبریز، تصادف سهمگینی کرد که باعث شد به تعداد جوازیش، دچار شکستگی در ستون فقرات شود. از جمله فیلم های او می توان به بچه های آسمان، تولد یک پسرانه، پدیده جنون، باغ های کندلوس، پهای پیاده، باد در علفزار می رقصد و آواز گنجشک ها اشاره کرد.

او در سال ۱۳۸۶ برنده خرس نقره ای بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم برلین شد. دبلم افتخار بهترین بازیگری از پانزدهمین جشنواره فیلم فجر از دیگر جوایز اوست.

بعد از خوانده شدن زندگینامه مختصری از میهمان ویژه که طبق معمول، متن آن را خود رضا رفیع می نویسد و معمولاً مجری کمکی برنامه آن را می خواند: "رضا ناجی"، بازیگر مردی و شیرین کلام روی سن رفت و با لهجه شیرین آذری اش، درباره احساس خود هنگام دریافت جایزه خرس نقره ای صحبت کرد: "من مثل بید می لرزیدم..." رفیع پرسید: "از ترس خرس؟!؟"

... نه... باور نمی کردم به من جایزه بدهند. در کنار من بزرگترین بازیگران هالیوود، مثل دنیل دی لویس حضور داشتند. ۳۰ نفر آنجا بودند که هر کدامشان دو جایزه اسکار گرفته بودند.

(یادتان هست اول گزارش گفتم که ما با یک واسطه به دنیل دی لویس مرتبط می شویم؟! این هم دلایلش! آقای ناجی در جلسه ای با حضور دی لویس جایزه گرفته است و در شب شعر شکر خند، ما پای صحبت های رضا ناجی نشستیم. حتی بعد از پایان شکر خند با ایشان عکس گرفتیم و ایشان متقابلاً از شعر من تعریف کرد!)

صحبت های آقای ناجی بسیار شیرین بود: "بعدها فهمیدم کسی که از او جایزه گرفته ام، الیزامایر، دختر گلدن مایر (نخست وزیر سابق اسرائیل) بوده. ترسیدم! گفتم من آدم سیاسی نیستم و دوست ندارم وارد این بازی ها بشوم.

سپس عکس هایی از رضا ناجی روی پرده نمایش داده شد و او درباره هریک از آنها توضیحات داد: "این پشت صحنه فیلم آواز گنجشک هاست.

آیا هیچ تاکنون اندیشیده اید که:

سدر فلش مموری ذهن شما چقدر

شعر وجود دارد؟...

سرم حافظه شما چند گیگ

است؟...

فرهنگسرای فردوس، با هدف جذب

و شناسایی توانمندی ها و استعداد های

ادبی و شعری در سطح شهر، خصوصاً در

بین جوانان؛ همچنین گسترش شعر و ادب،

به منظور تلطیف نگاه شهروندان به زندگی

شهری؛ و نیز کمک به ارتقاء فرهنگ

زندگی شهری با توجه به نکات اخلاقی

و آموزشی، نخستین محفل ادبی مشاعره را

خارج از تلویزیون و به صورت زنده و در

میان اقشار مختلف مردم و علاقه مندان به

تبیین و تفکر



«علیرضا ذاکری»

*متولد ۱۳۴۷ - علی آباد گرگان

*آغاز طراحی و نقاشی به صورت آزاد- ۱۳۶۲

*شروع طراحی و نقاشی به صورت آکادمیک -

۱۳۸۸

*خوشنویسی و ابداع شیوه ای نو در خلق آثار گرافیک

*طراحی بیش از ۳۰۰ جلد کتاب در عرصه ادبیات

دفاع مقدس و انقلاب

*همکاری با مطبوعات کشور در حوزه کاریکاتور و تصویر سازی

لای پرونده ها رو وا بکنم یا نکنم؟!...

شتر مرغی که در عکس می بینید، در یک فرصت مناسب از دست مافرا کرد. با ماشین تعقیبش کردند: آن قدر دودید تا سکنه کرد! عوامل فیلم هم سرش را بریدند و تهیه کننده یک و نیم میلیون تومان خسارت آن را به صاحبش پرداخت. تخمی مرغی (!) که این حیوان می گذارد، خوشمزه است، اما بسیار گران. املت یکی از آنها می تواند پنج نفر را سیر کند، ولی آن زمان، هر کدام از این تخم ها را که معلوم می شد نطفه ندارد، ۵۰ تومان می فروختند.

رفیع گفت: توضیحاتان خوب بود. مردم بیشتر با این حیوان بلا تکلیف آشنا شدند!

یکی از تصاویر، آقای ناجی را نشان می داد، در حالی که در بزرگی را حمل می کند. رفیع گفت: "خیال کردم دارید در راه بنگاه می پرید تا یک خانه مناسب برایش پیدا کنید!" سپس از آقای ناجی خواست تا یک خاطره تلخ و یک خاطره شیرین از دوران فعالیت هنری اش تعریف کند. آقای ناجی پاسخ داد: "شیرین ترین خاطره من همان گرفتن خرس نقره ای بود..."

رفیع تکه پراند: تلخش هم می توانست این باشد که خرس شما را می گرفت!

... "خاطره تلخ من تصادفی است که باعث شد ۷ جای بدمن بشکنم. من بعد از آن تصادف، ۴ سال خانه نشین بودم. خیلی هایه من طعنه می زدند که بفرا، این هم از عالم هنر! مسئولین اهمیتی به من ندادند. زندگی ام را فرو ختم و خرج درمان کردم؛ حتی طلاهای زخم را که در تمامی این مدت پشت من ایستاده بود و در مقابل طعنه ها از من دفاع می کرد، می گویند پشت سر هر فرد موفق همسرش قرار دارد و من این را با همه وجود حس کردم. آرزو داشتم بتوانم همسرم را به مکه ببرم و بالاخره به آرزویم رسیدم."

بعد از انجام مراسم تقدیر از میهمان ویژه، ایشان همچنان در سالن ماند تا به باقی اشعار طنزی که قرائت می شود گوش فرا دهد. شعر خوانی هایی که با "گلناز میر ترابی" ادامه پیدا کرد:

هوا برفی هوا سرده توی کوچه ترافیکه

ولی وقتی ترافیکه جهان با تو رمانتیکه!...

وقتی آقای "حسن شعبانی" (باتی) روی سن رفت، به شاعرانی که در

ردیف اول سالن نشست بودند، نگاه کرد و پرسید: شعری درباره ابو الفضل زرویی دارم، بخوانم یا نخوانم؟!؟

با مسایا به حلقه زندان و شاد باش

اینجا محل هم و غم و اخم و تخم نیست

پشت لب ظریف زرویی، سیبیل وی

باشد نشان مردی او، چسب زخم نیست!

شاعر بعدی، "صابر قدیمی"، در ابتدای سخنانش، در گذشت بزرگمرد کل تاریخ، هوگو چاوز را تسلیت گفت.

نگه دار ابروی مصادرت را

رصد کن روز و شب دور و ببردت را

بمیری مردی می آید ز خورشید

در آغوشتش بگیرد مادت را!

رفیع یادآوری کرد: بعد است آن مادر دیگر مادرشو بشود!... داستان باباخالی است از نان زلفت و زندگی

با آبرویش زنده است، کم کم همانم می رود

سعدی تو را جان فروغ و از شوخی من در گذر

از این اراجیفی که بر روی زبانم می رود!

«محمد رضا ستوده»، یک گونی کتاب «افانیست» با خودش آورده بود تا به دوستان در طنز هایش بفروشد.

ما خیال کرده بودیم وعده جلسه پیش خود را عملی کرده و برای



محفل ادبی مشاعره «رو به رو»

شعر و ادبیات برگزار می کند.

این جلسه مشاعره با عنوان «رو به

رو» و با حضور مردم و شاعران مطرح و

شرکت کنندگان در مسابقه مشاعره، به طور

ثابت چهارشنبه اول هر ماه برگزار می شود.

اجرای این برنامه را «رضا رفیع» بر عهده

دارد و کمیته داوران نیز مرکب از دو تن

از شاعران بنام کشور است. بیت آغازین

هر مشاعره نیز از سوی یکی از چهره های

مطرح کشور در حوزه فرهنگ و هنر و

ادبیات طرح می شود.

علاقه مندان به ثبت نام و شرکت

در این مشاعره می توانند از طریق سایت

ferdos.farhangsara.ir اقدام نمایند

و یا با شماره تلفن ۰۵۸۹۰۰۴۴ تماس



بگیرند. شرکت در جلسات مشاعره برای عموم آزاد و رایگان است و شاعران شرکت کننده در مشاعره نیز در انتخاب اشعار در هر قالبی (سنتی، نو، نیمایی، آزاد، و...) آزادند و محدودیت سنی نیز ندارند.

نفرات اول تا سوم هر مشاعره علاوه بر دریافت لوح سپاس، به ترتیب ۲ میلیون، ۱/۵ میلیون و ۱ میلیون ریال جایزه نقدی دریافت می کنند.

سومین نوبت مشاعره «رو به رو» فردا چهارشنبه ۹۲/۳/۱ ساعت ۶ بعداز ظهر برگزار می شود. فرهنگسرای

فردوس در فلکه دوم صادقیه، بلوار فردوس، بعد از چهارراه مخابرات قرار

دارد.



«علیرضا ذاکری»

نامزدهای مستأجر را دریابیم!

نخبر؛ غلط به عرضتان رسانده اند. تا الآن هر چه از نامزدهای یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری گفتیم، عجلالتا بس است. دیدید که بالاخره هر که خواست آمد، هر که هم نخواست نیامد. حتی بعضی ها در دقیقه نود پایان ساعت قانونی ثبت نام که برادران ستاد انتخابات، شال و کلاه کرده بودند و داشتند در وزارت کشور را می بستند؛ از گرد راه رسیدند که اگر ما بودیم، پشت در یا فوقش لای در، گیر کرده بودیم.

— **کیه کیه در میزنه، من دلم می لرزه؟!....** (صدا از داخل وزارت کشور بود که بی شباهت به صدای وزیر کشور نبود؛ اما بعید می دانیم مال خود ایشان بوده باشد. یک مقداری تو دل برو تر بود صدا!)

— **آمدم باز آمدم، با ساز و آواز آمدم!**.... (این مطلب خوش آهنگ را یکی از اطرافیان ذوق زده شده یک نامزد دقیقه نودی از پشت در گفت، که معلوم بود کبکش خروس می خواند!) ***

باری؛ فعلاً قصد و غرض خاصی نداریم که راجع به این جور نامزدهای سیاسی صحبت کنیم. قرار است امروز در خصوص یک جور نامزدهای اجتماعی — عاطفی صحبت کنیم. نامزدهای به هم رسیده و «پیوندشان مبارک» ی که با نزدیک شدن به ماه خرداد که بازار اجاره دادن خانه ها داغ می شود؛ از همین الآن دست مهربان همدیگر را بدون هیچگونه خوفی از گشت ارشاد — مهرورزان گرفته اند و در به در، دنبال اجاره خانه اند. نمی دانم چرا آوازم گرفت: از پی رهن خانه ای، همچو صبا فتنه اند

خانه به خانه، در به در، کوچه به کوچه، کو به کو می رود از فراق پول، خون دل از دو دیده شان

دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو در به در، از این بنگاه به آن بنگاه، می روند تا بلکه

بتوانند متناسب با موجودی مالی اندکی که بعضاً از فروش طلاهای رونمایی عروسی شان جفت و جور کرده اند؛ یک خانه نقلی قابل سکونتی دست و پا کنند که مثل «فروغ» بتوانند از در بچه آن به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرند. به خصوص اگر یارانه شان را هم ریخته باشند، که دیگر می شود آن کوچه معروف فریدون مشیری در آن مهتاب شبی که باز از آن کوچه گذشته است.

الآن انتظار عمومی برای مهار بازار مسکن و قیمت رهن و اجاره، حرف اول بخش زیادی از مردم را می زند. در این شرایط البته مسئولان وزارت راه و شهرسازی هم از طرح هایی نظیر طرح تعزیراتی اجاره بها به عنوان راهکار مقابله با رشد بهای اجاره سخن گفته اند که عموماً کارآمد بوده ولی در عمل راه به جایی نبرده است. ترکستان شاید!

بسته پیشنهادی: خیلی از نویسندگان و شاعران و اهل هنر نیز همانند بسیاری از اقشار عادی ملت، اجاره نشین هستند؛ اما نه مثل سابق خوش نشین. کل حقوق خود را باید بابت اجاره بدهند یا یک چیزی هم بالای آن بگذارند. فلذا بیان نکاتی چند در باب برنامه های آتی نامزدها (مواظب باشید نقطه ش نیستند)، حق مسلم ماست:

۱- **سؤال از نامزدها:** اشتباه نشود؛ این بار منظورمان همین نامزدهای سیاسی ریاست جمهوری اند. در اولین گام از اعلام برنامه هایشان بگویند که چه فکر بکری خارج از شِعار و قول و قرار، برای کاهش نرخ اجاره دارند. اصلاً اگر ندارند، رد صلاحیت شوند. دولت را عرض نمی کنیم، اما ملت با کسی شوخی ندارد که!

۲- **شناسایی خانه های خالی:** ملت را نمی دانم، اما دولت که با کسی شوخی ندارد. هر کس خانه های خالی از سکنه اضافه بر سازمان دارد، دولت از صاحبانش بخواهد که به قیمتی مناسب در اختیار مستأجران دور از خانه دهند. جای دوری نمی رود. به خودمان رحم کرده ایم. بعدش می توانیم هی بگوییم: خدا خودش رحم کند!

۳- **سه طرف کردن معامله:** هیچ اجاره نامه ای در هیچ بنگاهی — ولو بنگاه سر کوچه رئیس جمهور — از سوی طرفین معامله به هیچ نحوی از انحاء، امضا یا انگشت زده نشود، مگر آن که نماینده وزارت مسکن، صاف در آنجا حضور داشته باشد و قیمت مورد اجاره را نظارت کیفی نماید. چنان نباشد که هر که هر چه دلش خواست بکشد بالا ش. تمامی اعضای دولت که در سفر استانی نمی باشند.



چهل سال پیش ...

تمامی مطالب از روز نامه اطلاعات روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۲. (برابر ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۹۳، ۲۱ می ۱۹۷۳)نقل شده است

چین کمونیست مر بی پینگ پنگ به ایران می فر ستد

کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی قسمتی دیگر از برنامه تفصیلی قانون برنامه پنجم عمرانی کشور را رسیدگی و تصویب کرد.

در این جلسه آقای دکتر فرهاد قهرمان رئیس کمیسیون برنامه مجلس لزوم تشکیل شرکت‌های تعاونی برای جوانان را از طرف مسئولان مربوط متذکر شد و به دنبال پیشنهاد دکتر فروزین تصویب شد که شرکتها و فروشگاههای تعاونی برای جوانان اعم از دانشجو، سپاهی و پیشاهنگان تاسیس شود. معاون سازمان تربیت بدنی نیز خبر داد امر واگذاری زمین برای تاسیسات ورزشی وارد مرحله جدی شده و همه جا از طرف دولت، زمین رایگان در اختیار تربیت‌بدنی گذارده شد.

چین کمونیست پیشنهاد کرد که دو مربی برای تنیس روی میزی بطور مجانی برای ما اعزام دارد که در مدرسه عالی ورزش به تدریس بپردازند و مابین پیشنهاد را قبول کردیم.

گوشت شتر اهالی بکر و ستار ا مسموم گرد!

گوشت شتری که آلوده بود، اهالی روستای «جامعه بزرگ» مرند را مسموم کرد.خبرنگار اطلاعات از مرند گزارش داد: یکی از ساکنین روستا، شتر بیمار خود را قربانی کرد و در اختیار مردم «جامعه بزرگ» گذاشت و عده‌ای از اهالی روستا که از گوشت شتر استفاده کرده بودند به شدت مسموم گردیدند و به بیمارستان رازی و وابسته به دانشگاه تبریز انتقال یافتند و تحت مداوا قرار گرفتند. شش تن از مسمومین که حالشان وخیم بود در بیمارستان بستری گردیدند، ۵ تن از این شش نفر اعضای یک خانواده هستند.

پستهای خالی وزارت آموزش و پرورش جهت اطلاع داوطلبان اعلام میشود

شب گذشته اولین اجتماع فارغ‌التحصیلان دوره‌های انستیتو مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی در باشگاه معلمان تهران تشکیل گردید.

در این جلسه وزیر آموزش و پرورش که در مراسم شرکت داشت ضمن اشاره به اهمیت خدمت فرهنگیان گفت: باید این جمع براساس ضوابط خاص افراد شایسته و آماده به خدمت را انتخاب و معرفی نماید تا مسئولان امر بتوانند از وجود آنان برای خدمت استفاده کنند شما خود باید کوشش کنید تا افراد شایسته و لایق و سالم و درستکار را برای احراز مشاغل مدیریت معرفی کنید. آنگاه آقای نقیب‌زاده مدیرکل امور اداری وزارت آموزش و پرورش اظهار داشت بدستور وزیر آموزش و پرورش از این پس سمت‌های خالی و شرایط احراز آن در وزارت آموزش و پرورش اعلام می‌شود تا داوطلبان آمادگی خود را اعلام دارند.

پرونده‌ی سابقه‌چالین مدار کن‌تحصیلی بداد کا‌هر ستاده‌شد

صبح امروز خبرنگار قضائی ما کسب اطلاع کرد که دادستان دیوان کیفر برای هشتاد و سه نفر از متهمین جعل مدارک تحصیلی و استفاده کنندگان از این مدارک کیفرخواست صادر کرده و پرونده برای رسیدگی و تعیین تکلیف به دادگاه دیوان کیفر ارسال شده است.

این عده متهم به جعل و استفاده از سند مجعول، رشاء و ارتشاء و کلاهبرداری میباشند.

خبرنگار ما اضافه میکند که این پرونده از نظر کثرت و تعداد متهمین و جرائمی که هر یک از آنها مرتکب شده‌اند در ردیف یکی از مهمترین و پرکارترین پرونده‌های دادسرای دیوان کیفر بوده است و برای رسیدگی سریع ۲نفر از بازپران این دادسرا از آذرماه سال ۱۳۵۰ بطور مداوم و خارج از نوبت باین پرونده رسیدگی کردند تا اینکه در بیست و یکم اردیبهشت ماه سال جاری قرار مجرمیت از طرف بازپرس نسبت به ۸۳نفر از آنها صادر شده است.

ذخیر ه‌گندم در جهان کاهش یافته‌است

نخستین سمینار منطقه‌ای گندم و جو وابسته به سازمان خواربار کشاورزی جهانی (فائو) صبح امروز در تهران تشکیل شد.در این سمینار ۱۲۰ نماینده از ۲۵ کشور از جمله ایران، نروژ، نیجریه، ایتالیا، الجزیره، انگلیس، لیبی، مکزیک، عراق و مصر و کارشناسان عالیمقام موسسات بین‌المللی مانند سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، بنیاد راکفلر، بنیاد فورد و موسسه سمیت (مرکز تحقیقات بین‌المللی اصلاح گندم و ذرت) شرکت دارند.سپس دکتر موریسی نماینده سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) در خاورمیانه گفت: هم اکنون ذخیره گندم در دنیا در سطح پائین قرار دارد و این رقم کمتر از ۳۰میلیون تن میباشد، و قیمت‌ها بالا است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از کمبود موادغذایی در رنج هستند همین وضع در مورد برنج و سایر غلات نیز وجود دارد.

تعیین عناصر بیماری‌ز ابوسيله مرکز اتمی دانشگاه تهران

مرکز اتمی دانشگاه تهران موفق شد با اکتیو کردن عناصری که مصرف اضافی آنها در بدن ایجاد عدم تعادل میکند، میزان این عناصر را در سیگار، چای و روغنهای نباتی تعیین کند تا کارشناسان راه کاهش آنها را پیدا کنند.

یک مقام مرکز اتمی دانشگاه تهران در این باره به خبرنگار ما گفت: «عناصریکه به مقدار بسیار کم در اندامهای بدن و سیستم‌های آنزیمی وجود دارند در انجام پدیده‌های بیولوژیکی رل مهمی را دارا می‌باشند.

تغییراتیکه در مقدار این عناصر در اثر وارد شدن آنها از راه‌های مختلف به بدن انسان ایجاد میگردد نیز مسئله مهمی است. نظر باینکه تعدادی از این عناصر در سیگار - تنباکو - چای -روغن‌های نباتی و برخی از موادخوراکی دیگر وجود دارند و ایین عناصر در اثر مصرف، در بدن ذخیره گشته و تعادل موجود در بدن را از بین می‌برند، مطالعه مقادیر آنها در موارد مصرفی مذکور اهمیت خاصی دارد.

قاب امروز



مسابقات دوچرخه سواری – ایتالیا/ منبع:msnbc

امروز با حافظ

صوفی بیا که آینه صافی است جام را

تا بنگری صفای می لعل فام را

راز درون پسرده زرنندان مست پرس

کاین حال نیست زاهد عالی مقام را

عنقا شکار کس نشود دام بازچین

کآنجا همیشه باد به دست است دام را

در بزم دور یک دو قلدح در کش وبرو

یعنی طمع مدار وصال دوام را

ای دل شباب رفت ونجیدی گلی زعیش

پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را

در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند

آدم بهشت روضه دارُ السَّلام را

مارا بر آستان توبس حق خدمت است

ای خواجه باز بین به ترحم غلام را

حافظ مُرید جام می است ای صبا برو

و ز بنده بندگی برسان شیخ جام را

رازهای کامیابی

خودالقایی

خود القائی روشی است که آن چیزی را که دوست داریم یا آن گونه که دلمان می خواهد باشیم به صورت گفتگو با خود یا نحوه دیگری به خود القاء کنیم. این کار مانند انعقاد یک قرارداد تجاری یا اخلاقی با خود است. متن این قول و قرارها در ذهن خود آگاه و ناخود آگاه انسان اثر گذاشته و به مرور بر موقعیت و رفتار او تأثیر گذار است. خود القائی عبارت از رویه بر نامه‌ریزی برای ضمیر ناخود آگاه ماست که می‌تواند منفی یا مثبت باشد. القائات منفی می‌توانند عبارات ذیل باشند:من خسته‌ام ــ من یک قهرمان نیستم ــحافظه من ضعیف است ــمن در ریاضیات ضعیفم ــو به عنوان یک دستور کار به مرور رفتار شما را تحت تأثیر قرار داده و آماده اجرای آن می‌کند. مثلاً هنگامی که شخصی به خود القای کند که من حافظه ضعیفی دارم او شخصی را معرفی می‌کند که سعی در یادآوری نام‌ها و خاطره‌ها نمی‌کند، بنابر این چنین شخصی در برخورد های جدید هم همین دید را از خود دارد و سعی نمی‌کند نام کسی را که دیده یا جزئیات رفتار خود را در ذهن خود نگهدارد و همین اتفاق روزمره تکرار شده و او به عنوان یک فرد کم حافظه معرفی می‌شود.

نوشته: شپو خرا
ترجمه: عبدالله مولیانی

پند بزرگان

● علمی که تو را اصلاح نکند، گمراهی است و مالی که تو را سود ندهد، و بال است .

ضرب المثل چینی

● سخنان سودمند را باید نشر کرد مانند افشاندن تخم گندم، هر چند آب و هوا و زمین به رویاندن و بار آوردن دانشه‌ها یاری نکند، باز در گوشه و کنار خرمن، سنبل‌ها و خوشه‌های معدود سر می‌دهد و خواهد رویید.

لقمان

امروز در تاریخ

شاه‌شدن «پوراندخت»

رویدادنگاران کلیسایی قسطنطنیه ۲۱ مه سال ۶۳۰ میلادی را روزی نوشته‌اند که در جریان زوال حکومت ساسانیان، پوراندخت دختر خسرو پرویز، شاه ایران شد. حال آنکه سایر مورخان نوشته اند که پوراندخت در سال ۶۳۰ و چند هفته پس از قتل سپهبد شهربراز بر تخت شاهی ایران تکیه زد. شهربراز نهم‌زوئن سال ۶۳۰ میلادی در تیسفون به قتل رسید. دوران سلطنت پوراندخت بیش از ۱۶ ماه به طول نینجامید.

پس از برکناری خسرو پرویز، ظرف چند سال ده پادشاه بر ایران حکومت کردند که ششمین آنان، آذر میدخت دختر خسرو پرویز بود. با قتل یزدگرد سوم دهمین شاه‌ایین دوران بحرانی، حکومت دودمان ساسانی و همچنین عمر امپراتوری ایران باستان که در معرض حملات نظامی اعراب مسلمان قرار گرفته بود به پایان رسید. پوراندخت که بانویی لایق و باتدبیر بود، با این که دیگر خیلی دیر شده بود سیاست خارجی و داخلی تازه‌ای در پیش گرفته بود تا امپراتوری ایران رانجات دهد. وی در دسامبر سال ۳۱ میلادی با دولت روم شرقی قرارداد صلح امضاء کرد تا فرصت یابد دست به اصلاحات داخلی بزند. پوراندخت می‌دانست که ایرانیان از جامعه طبقاتی که به آنان تحمیل شده بودند پیداناراضی هستند، قضات از عدالت و انصاف دور شده‌اند و سران ایالات برای خود اختیارات تازه‌ای خلق کرده و حتی سکه ضرب کرده‌اند. برای حل این مسائل بود که پوراندخت با روم (بیزانس) قرارداد صلح امضاء کرد و دستور رعایت عدالت، بخشش د ن مالیات عقب افتاده، لغو برتری‌های طبقاتی و اختیارات اضافی فر مانداران را داده و سکه ملی واحد ضرب کرد.

سالگرد گذشت روز بهان فسایی

برخی از کرونیکل‌های رویدادهای جهان، فوت ابو محمد روز بهان فسایی را پس از تطبیق تقویم ها، ۲۱ ماهه سال ۱۲۰۹ میلادی ذکر کرده‌اند. این عارف و اندیشمند ایرانی در شیراز در گذشت. تالیف مهم او «لطائف البیان»عنوان دارد.

پیشنهاد تقسیم ایران از سوی داماد چرچیل!

۲۱ ماهه می ۱۹۵۲ (اردیبهشت ۱۳۳۱ و ۱۴ ماه پس از ملی شدن نفت ایران) Duncan Sandysدانکن سندز (ساندز)سیاستمدار، دولتمرد انگلیسی و داماد وینستون چرچیل نخست‌وزیر وقت پیشنهاد کرد که آسانترین راه حل مساله‌ای به نام «ایران» که به وجود آمده است این است که ایران بار دیگر میان دولت‌های لندن و مسکو قسمت شود!، وی که در پارلمان انگلستان سخن می‌گفت، اضافه کرده بود: "محاصره اقتصادی ایران موثر واقع نخواهد شد. مروری بر تاریخ ایران نشان می‌دهد که چگونه ایرانیان یاد گرفته‌اند که در جریان سختی‌ها خود را با هر وضعیت تطبیق دهند.

افلاطون و دمکراسی

امروز زادروز افلاتون اندیشمند بزرگ یونان باستان است که ۲۱ ماهه سال ۴۲۷ پیش از میلاد به دنیا آمد. اندیشه‌های افلاطون به ویژه در زمینه دموکراسی، بیش از هر فیلسوف عهد باستان در شکل گرفتن افکار اندیشمندان قرون جدید و معاصر نفوذ داشته است. گرچه نتیجه انتخابات چند دهه اخیر در کشورهای مختلف، اندیشمندان معاصر را بر آن داشته است که بگویند مشارکت و شناخت، اراده و آزادی عمل رای دهندگان در تمرین دمکراسی اصیل (حکومت مردم) و در نتیجه تحقق آن به معنای واقعی کلمه، حتی در کشورهای بسیار پیشرفته هم آن‌طور که باید، عملی نشده است. افلاتون شاگرد سقراط و معلم ارسطو و بنیادگذار آکادمی (مدرسه علوم، فلسفه و ادبیات) بود. آثار او به صورت گفت و شنود (مناظره) است که معروفتر یشان «جمهوری» است و همچنین «اپوزش» و «ذات عدالت». افلاتون (Plato) پلینو، که پلاتون در زبان یونانی به معنای چهارشانه است، بنابر این نام دوران کودکی او باید چیز دیگری باشد) در ۷۴ سالگی در سال ۳۴۷ پیش از میلاد درگذشت.

زادروز هارولد رابینز

«هارولد رابینز» نویسنده‌ای که حقایق مکشوفه خود را به صورت داستان می‌نوشت ۲۱ ماهه مه ۱۹۱۶ به دنیا آمد. داستان‌های معروف وی که ۸۱ سال عمر کرد عبارتند از: هرگز با غریبه دوست نشو، خانه شماره ۷۹ خیابان پارک، بانوی تنها، کافی نیست، تایکون (توانگر) و.... رابینز تنها رویدادهایی را خود تجربه کرده‌و یادشاهد عینی آنها بود به صورت داستان می‌نوشت و لذا بر دل می‌نستند و پندمی آموختند.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

قانون های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.



۳	۲	۱	۵	۷	۶	۸	۴	۹
۸	۴	۹	۳	۲	۱	۵	۷	۶
۵	۷	۶	۸	۴	۹	۳	۲	۱
۱	۳	۲	۶	۹	۵	۷	۸	۴
۷	۵	۸	۱	۳	۴	۶	۹	۲
۶	۹	۴	۲	۸	۷	۱	۳	۵
۴	۱	۳	۷	۶	۲	۹	۵	۸
۲	۸	۵	۹	۱	۳	۴	۶	۷
۹	۶	۷	۴	۵	۸	۲	۱	۳

۷	۶	۵	۱	۸	۶	۹	۴	۳
۹	۴	۳	۷	۲	۵	۱	۸	۶
۱	۸	۶	۹	۴	۳	۷	۲	۵
۵	۷	۲	۶	۳	۱	۸	۹	۴
۸	۱	۹	۵	۷	۴	۶	۳	۲
۶	۳	۴	۲	۹	۸	۵	۷	۱
۴	۵	۷	۸	۶	۲	۳	۱	۹
۲	۹	۱	۳	۵	۷	۴	۶	۸
۳	۶	۸	۴	۱	۹	۲	۵	۷

				۷	۶			
					۲			
۸				۱				
			۳					
		۴	۱	۳				
								۶
۳	۶	۸	۴					
			۹	۱				

سودوکو (Sudoku)

یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می رسد.